

چکیده طرح‌های پژوهشی
مؤسسه عالی پژوهش
تأمین اجتماعی



مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی

تهیه و تدوین:
مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی
پاییز ۱۴۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پژوهش بایستی هم برای رسیدن به اوج ❖❖
قله‌ی علم و ایجاد مرجعیت علمی و هم باید
برای حلّ مسائل جاری کشور باشد.

بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها ۱۳۹۷/۰۳/۲۰

پیشگفتار، مؤسسه

مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی زیر نظر سازمان تأمین اجتماعی به فعالیت‌های پژوهشی و علمی در حوزه‌های رفاه، سیاست‌گذاری اجتماعی و تأمین اجتماعی می‌پردازد. از یک طرف، مؤسسه در ارتباطی مداوم با بدنه مدیریتی و اجرایی سازمان تأمین اجتماعی قرار دارد و با شناسایی مسائل و مشکلات سازمان، کارهای پژوهشی را در راستای این مسائل تعریف می‌کند و تلاش می‌کند راه‌حل‌های علمی برای رفع مشکلات سازمان ارائه کند و از طرف دیگر، مؤسسه، باتوجه به سبقت پژوهشی خود، رسالت سنگینی برای جبران خلأ دانش و معرفت در حوزه‌های رفاه و تأمین اجتماعی کشور بر عهده دارد.

مؤسسه از بدو تأسیس تاکنون، در راستای مأموریت سازمانی خود، دست به تعریف و اجرای پژوهش‌های زیادی در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی زده است. حاصل این تلاش‌ها بیش از ۴۰۰ عنوان طرح پژوهشی، گزارش کارشناسی، تألیف و ترجمه کتاب و حمایت از پایان‌نامه‌های دانشجویی تنها در دوره جدید فعالیت مؤسسه از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ بوده که در این مجلد تدوین گردیده است. این عناوین در تناسب با نیازهای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی و همچنین با رویکرد تولید و ترجمه دانش روز در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی تعریف و اجرا شده‌اند. بسیاری از تولیدات پژوهشی مؤسسه در قالب کتاب یا گزارش منتشر شده و یا در حال انتشار است و در اختیار همگان قرار می‌گیرد. برخی از طرح‌های پژوهشی نیز متناسب با نیازها و مسائل خاص سازمان تأمین اجتماعی و دیگر سازمان‌های مرتبط تولید و گزارش آن‌ها برای این سازمان‌ها ارسال می‌شود.

یکی از سیاست‌های اصلی مؤسسه، که در بیانیه مأموریت آن هم ذکر شده، عمومی‌سازی دانش و یافته‌های پژوهشی است که به روش‌های مختلف و از کانال‌های مختلفی انجام می‌گیرد. در واقع، مؤسسه خود را متعهد می‌داند که دانش و معرفت تولیدشده را در اختیار کارشناسان، سیاست‌گذاران، پژوهشگران و



عموم مردم قرار دهد و این دستاوردها تنها مختص سازمان‌ها و کارشناسان و پژوهشگران آنها نباشد. مجموعه پیش‌رو یک تلاش مؤسسه در همین راستا بوده است. در این مجموعه، ضمن ارائه چکیده‌ای از بخش زیادی از طرح‌های پژوهشی مؤسسه، با فراهم آوردن QR code برای هریک از آنها، زمینه دسترسی آسان به فایل‌های این طرح‌ها فراهم شده است.

مجموعه حاضر به تمامی کارشناسان، پژوهشگران، دانشجویان، کنشگران، دغدغه‌مندان و علاقمندان حوزه رفاه و تأمین اجتماعی تقدیم می‌شود. امید می‌رود این مجموعه بتواند در اعتلای دانش در حوزه رفاه، سیاست‌گذاری اجتماعی و تأمین اجتماعی مفید فایده باشد.

علاقمندان می‌توانند جهت دریافت گزارش کامل هر یک از طرح‌های پژوهشی درخواست خود را به ای‌میل مؤسسه به نشانی info@ssor.ir ارسال نمایند.

روزبه کردونی

رئیس مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی





عنوان: گزارش تحلیلی صنعت فولاد در ایران و جهان مجری: میلاد فروغی

ناظر: تک روستا

گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری

سال: ۱۳۹۴

چکیده:

در این طرح ابعاد فنی صنعت فولاد از قبیل فرآیندهای تولید، بررسی تکنولوژی‌های تولیدی، ظرفیت‌های فعلی و طرح‌های در دست اجرا، واحدهای تولیدکننده، صنایع بالادستی و پایینی و ابعاد اقتصادی شامل بررسی عرضه و تقاضای جهانی و داخلی، وضعیت واردات و صادرات، قیمت و هزینه‌های مرتبط با تولید آن، چشم‌انداز سودآوری، قوانین و مقررات داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی صنعت فولاد، بررسی و مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین تلاش شده است تا با توجه به دستاوردهای این پژوهش راهبردهایی برای سرمایه‌گذاری در این حوزه ارائه شود.

این طرح با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل آماری داده‌های موجود انجام گرفته است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که طی سال‌های گذشته شاهد افزایش میزان ظرفیت و تولید فولاد خام در کشور بوده‌ایم که بر اساس آمار و اطلاعات موجود در سال ۲۰۱۴ به میزان ۹,۵ درصد رشد در تولید فولاد نسبت به سال قبل را شاهد بوده‌ایم که میزان تولید در این سال به بالغ بر ۱۶ میلیون تن رسیده است. علاوه بر این متوسط نرخ رشد تولید فولاد طی ۱۰ سال گذشته در حدود ۵,۶ درصد سالانه بوده است. بر اساس گزارشات منتشرشده پیش‌بینی می‌شود که میزان تولید فولاد تا سال ۲۰۱۸ به حدود ۳۱ میلیون تن برسد. باوجود مزیت‌های رقابتی ویژه در کشور نسبت به سایر کشورهای جهان، صنعت فولاد در ایران چندان از بالندگی و بازدهی قابل توجه برخوردار نیست. یکی از دلایل اساسی آن عدم رشد متوازن در همه زنجیره‌های تولید فولاد است. به بیان دیگر صنایع فرادستی و پائین‌دستی فولاد از چنان رشد متوازن با رشد تولید فولاد خام برخوردار نبوده‌اند.

کمبود مواد اولیه و در نتیجه افزایش قیمت آن در بازار از مشکلات اصلی صنعت فولاد کشور به حساب می‌آید. کمبود مواد اولیه در بازار موجب شده است که تولید فولاد در کشور به اندازه کل ظرفیت موجود کارخانه‌ها نباشد. تولیدکنندگان فولاد به دلیل کمبود مواد اولیه مجبور به خرید مواد اولیه وارداتی با قیمت‌های جهانی و فروش محصولات فولادی با قیمتی پایین‌تر از قیمت جهانی در کشور هستند.

مفاهیم کلیدی: صنعت فولاد، رشد اقتصادی، مزیت رقابتی، رشد متوازن

**عنوان: طراحی و تدوین مدل شایستگی مدیران سازمان
تأمین اجتماعی
مجری: آرین قلی‌پور**



ناظر: معاونت امور استانها-گودرز حسامی نیا
گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری
سال: ۱۳۹۵

چکیده:

این پژوهش به مطالعه و بررسی مدل‌های شایستگی مدیران در سازمان تأمین اجتماعی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با استفاده از مطالعات نظری و تجربیات جهانی و مصاحبه با مدیران و مسئولان سازمان تأمین اجتماعی مدل شایستگی مدیران در این سازمان را ترسیم و ارائه کند و در نهایت راهکارهای خود را در قالب یک مدل پیشنهادی ارائه می‌کند. این طرح با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه کیفی و عمیق با مسئولین و مدیران سازمان تأمین اجتماعی تهیه شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در بیانیه مأموریت سازمان تأمین اجتماعی به مواردی مانند تأکید بر مسئولیت اجتماعی، تخصیص منابع، مدیریت بهینه منابع و مصارف، لزوم شناخت ساحت بیمه‌های اجتماعی، تعامل با ذی‌نفعان سازمان، مدیریت منابع انسانی، توانمندسازی کارکنان و آموزش آن‌ها، مدیریت فناورانه و همچنین در چشم‌انداز سازمان در افق برنامه راهبردی (سال ۱۴۰۴) نیز مقولات مختلفی همچون پاسخگویی، توانایی ارائه فرآیندهای هوشمند و ارائه خدمات کیفی و بهنگام به ذینفعان به‌عنوان شرایط لازم برای شایستگی مدیران آمده است. در نهایت بر اساس مطالعات نظری و نتایج مصاحبه‌ها چهار مدل شایستگی برای مدیرکل استان، مدیر درمان استان، رئیس شعبه و رئیس بیمارستان تهیه شده است که به‌طور کلی شامل مواردی مانند اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی و روابط مؤثر اجتماعی، مدیریت استراتژیک، توان هماهنگی و سازمان‌دهی، آگاهی سازمانی و شناخت ساختارها و فرآیندهای نظام سلامت، مدیریت منابع و مصارف و ... می‌شود.

مفاهیم کلیدی: مدل شایستگی مدیران، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اخلاق حرفه‌ای، آگاهی سازمانی، سازمان تأمین اجتماعی





عنوان: تعیین استاندارد نیروی انسانی مراکز درمانی بستری
سازمان تأمین اجتماعی به تفکیک رده‌های شغلی و بخش‌ها و واحدها
مجری: محمدرضا ملکی

ناظر علمی: حسین درگاهی
گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت
سال: ۱۳۹۵

چکیده:

این طرح تلاش می‌کند تا الگوها و شیوه‌های تعیین استانداردهای نیروی انسانی رسته درمانی و وظایف و فعالیت‌های مشاغل تخصصی بیمارستان را شناسایی کند، همچنین برآوردی از زمان انجام فعالیت‌های اصلی مشاغل منتخب بیمارستان، استاندارد نیروی انسانی به تفکیک هر یک از مشاغل بیمارستان و تعداد پست موردنیاز در هر یک از مشاغل بیمارستان ارائه کند.

این پژوهش به لحاظ روش‌شناسی در زمره پژوهش‌های اقدام پژوهشی (Action Research) قابل‌طبقه‌بندی است. درعین‌حال در بخش شناسایی الگوها و شیوه‌های تعیین نیروی انسانی از روش مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد استفاده شده و در سایر بخش‌ها عمدتاً از روش‌های کیفی استفاده شده است. مدل اصلی برای کارسنجی فعالیت‌های مشاغل بیمارستانی و برآورد نیروی انسانی روش «شاخص‌های حجم کار مبتنی بر نیاز» بوده است.

در این مطالعه ۱۲۱ عنوان شغلی بیمارستانی پس از بازنگری به ۹۳ عنوان تقلیل پیدا کرده است. برای ۴۳ شغل تخصصی شرح وظایف متناسب با مأموریت‌ها و وظایف جدید تدوین شده است و برای اولین بار با بومی‌سازی مدل «میزان مولید» و با تعریف مدل اختصاصی، نیروی انسانی ماما برآورد گردیده است. همچنین مدل برآورد نیروی انسانی پرستار و پزشک در بخش اورژانس بیمارستان تعریف شده و تشکیلات تفصیلی ۶۱ بیمارستان بر مبنای نرم‌های نیروی انسانی استخراج شده است.

واژگان کلیدی: برآورد نیروی انسانی، بیمارستان، سازمان تأمین اجتماعی، مدل WISN، مشاغل تخصصی



**عنوان: مطالعه تطبیقی وضعیت بیمه صیادان و ملوانان در
کشورهای دیگر و ارائه الگو برای ایران**
مجری: حامد فرهمند معین



گروه: بیمه‌های اجتماعی و محاسبات
سال: ۱۳۹۵

چکیده:

این پژوهش به بررسی و شناسایی مهم‌ترین موانع (قانونی، اجرایی و غیره) صیادان و ملوانان برای قرار گرفتن تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی (بیمه نشدگان) و احصاء چالش‌های اصلی سازمان تأمین اجتماعی در رابطه با بیمه کردن این اقشار و سازوکارهای غلبه بر آنها و شناسایی مهم‌ترین معضلات و مشکلات برای بیمه پردازی صیادان و ملوانان بیمه‌شده (بیمه‌شدگان ناقص) از نگاه سازمان می‌پردازد و تلاش می‌کند با مطالعه تطبیقی وضعیت بیمه پردازی ملوانان و صیادان ایران و سایر کشورها، پیشنهادات و راهکارهایی برای اصلاحات موردنیاز در فرایند و نظام بیمه پردازی ملوانان و صیادان و ارتقای وضعیت رفاهی این اقشار ارائه کند.

در این پژوهش از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین روش مصاحبه با خبرگان استفاده شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد برخی از مهم‌ترین مشکلات صیادان و ملوانان برای قرار گرفتن تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی عبارت‌اند از: فساد برخی کارکنان شعب و نهادهای همکار، نبود اطلاعات آماری دقیق، ورود سایر اقشار به بیمه صیادان و ملوانان، عدم همکاری نهادها و سازمان‌های همکار، گسستگی در پرداخت حق بیمه و پر نشدن سوابق، عدم پرداخت حق بیمه از سوی صیادان خویش‌فرما، عدم تأمین منابع مالی از سوی سازمان برای اجرای طرح خاص این اقشار، عدم امکان بررسی صحت ادعای کارفرما به دلیل نبود امکانات رصد شناورها، عدم امکان نظارت بر طول واقعی سفر شناورها، و دشواری در بازرسی به دلیل سیار بودن کارگاه. همچنین در این پژوهش تجارب کشورهای دیگر موردبررسی قرار گرفته است که حاکی از روش و سیستم‌های متفاوت بیمه صیادان و ملوانان در این کشورها است.

مفاهیم کلیدی: بیمه اجتماعی، ملوان، صیاد، شیلات، تأمین اجتماعی





عنوان: آسیب‌شناسی سازوکار اشتغال‌زایی برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی
کشور (مطالعه موردی پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان)
مجری: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری
سال: ۱۳۹۵

چکیده:

این طرح به آسیب‌شناسی سازوکار اشتغال‌زایی برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کشور پرداخته است و تلاش کرده است با بررسی پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان مسائل و مشکلات بر سر راه اشتغال فارغ‌التحصیلان در ایران را مورد بررسی قرار دهند. همچنین تاریخچه و اطلاعات خوبی در مورد پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه می‌دهد و تجارب برخی از کشورها را مرور می‌کند. در نهایت بر اساس نتایج حاصل از آسیب‌شناسی وضع موجود، استراتژی‌های برای اشتغال‌زایی فارغ‌التحصیلان ارائه شده است. این طرح با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل آماری داده‌های موجود انجام گرفته است.

نتایج این مطالعه و آسیب‌شناسی وضع موجود نشان می‌دهد که تقریباً هر چهار حوزه دانشگاه، صنعت، دولت و پارک‌های علم و فناوری با نارسایی‌های جدی مواجه می‌باشند و کمک‌چندانی به اشتغال‌زایی برای فارغ‌التحصیلان نمی‌کنند. از جمله دلایل این امر می‌توان به عدم ثبات در تصمیم‌گیری‌های دولتی و قوانین مربوطه، مشکلات تأمین مالی، نداشتن دانش، تجربه و مهارت‌های موردنیاز کارآفرینی و ضعف در اجرا، ضعف بازاریابی در پارک‌های علم و فناوری، مشکلات ناشی از شراکت نامناسب در پارک‌های علم و فناوری، عدم آشنایی جامعه برای ایجاد خوداشتغالی (به‌خصوص جامعه تحصیل‌کرده) و فرایند پیچیده دریافت وام‌های تجاری‌سازی و اعتبارات بانکی اشاره کرد. در ادامه محقق راهکارهایی برای رفع این مشکلات ارائه کرده است.

مفاهیم کلیدی: اشتغال، بیکاری، فارغ‌التحصیلان، پارک‌های علم و فناوری



عنوان: بازخوانی تجربه خصوصی سازی در ایران از منظر اقتصاد نهادگرا
مجری: سارا کریمی



گروه: اقتصاد و سرمایه گذاری
سال: ۱۳۹۵

چکیده:

این مطالعه به بررسی خصوصی سازی در دهه ۷۰ شمسی و ارزیابی تأثیرات و پیامدهای آن بر شکل گیری نیروهای جدید در بخش های خصوصی، دولتی و توأمان از منظر اقتصاد نهادگرا می پردازد و تلاش می کند با بررسی تجربه خصوصی سازی در ایران از منظر رویکرد اقتصاددانان نهادگرا، سیر تکوین نهادهای اقتصادی در محیط قانونی، محیط سازمانی، سیاست گذاری، و عرصه عمل را نشان دهد و با تکیه بر مفاهیم برساخته در همین حوزه، آرایش نیروهای درون نهادها، نحوه تصمیم گیری ها، عوامل مؤثر بر تصمیمات و رفتارها، چالش ها و رفع موانع و درنهایت ارزیابی کلی پیامدهای واگذاری بنگاه های اقتصادی دولتی به بخش های خصوصی یا نیمه خصوصی را بررسی کند. همچنین این طرح به صورت موردی به بررسی خصوصی سازی شرکت سیمان فارس و خوزستان می پردازد.

این طرح با استفاده از روش مطالعه کتابخانه ای و اسنادی انجام گرفته است.

نتایج این پژوهش نشان می دهد که اگر بخواهیم تجربه خصوصی سازی در ایران را تبیین کنیم باید نقش نیروها و نهادهای مرتبط با خصوصی سازی را مطالعه کنیم. فن سالاران تلاش کرده اند تا خصوصی سازی را به نحوی بازتعریف کنند که دستیابی نیروی محافظه کاری که در نهادهای عمومی غیردولتی پایگاه دارد به دارایی های واگذار شونده محدود شود. آنان نهادهای عمومی را بخش خصوصی غیرواقعی یا خصولتی می نامند و خواهان واگذاری بنگاه ها و سهام به بخش خصوصی واقعی اند درحالی که در قوانین چیزی به عنوان بخش خصوصی واقعی و بخش خصوصی غیرواقعی تعریف نشده است و سیاست های کلی اصل ۴۴ واگذاری شرکت های دولتی به بخش عمومی غیردولتی را مجاز کرده است. البته شاید با استناد به قانون اساسی بتوان واگذاری ها به بخش عمومی غیردولتی را زیر سؤال برد اما واقعیت این است که نیروی محافظه کار نیرویی واقعی است و معنای قوانین را نیروهای واقعی تعیین می کنند. بنابراین نیروی فن سالار در حد توان می کوشد دستیابی نهادهای عمومی را به مالکیت بنگاه های واگذار شونده محدود کند و این کار را البته نه با حد گزاردن بر نهادهای عمومی بلکه با ارائه مشوق هایی به بخشی که خصوصی واقعی می نامد انجام می دهد.

مفاهیم کلیدی: خصوصی سازی، نبرد قدرت، نهادگرایی، بخش عمومی، اصل ۴۴





عنوان: بررسی رضایتمندی بیماران بستری از کیفیت مراکز درمانی
ملکی سازمان تأمین اجتماعی در سال ۹۶
مجری: جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی

ناظر اجرایی: معاونت درمان
گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری
سال: ۱۳۹۶

چکیده:

در نظام مدیریتی نوین با توجه به تأکید بیشتر مدیران مراکز بهداشتی- درمانی بر تأمین رضایت خاطر بیماران از خدمات ارائه شده، بررسی رضایتمندی بیماران مورد توجه بیشتری قرار گرفته و به عنوان یک شاخص مهم کیفیت مراقبت سلامت محسوب می‌گردد. در این گزارش تلاش شده است تا میزان رضایتمندی بیماران بستری در مراکز درمانی ملکی سازمان تأمین اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین نقاط قوت و ضعف فرایندها و خدمات ارائه شده به این بیماران شناسایی شود و راهکارهایی برای رفع آن‌ها ارائه شود.

این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی پرسشنامه‌ای تهیه شده است و جامعه آماریان کلیه بیماران ترخیصی مراکز ملکی سازمان تأمین اجتماعی در آذرماه ۱۳۹۶ بوده است.

یافته‌های حاصل از این پژوهش به شرح زیر بیان شده است: اخلاق و رفتار پزشک معالج با بیمار (۸۸،۴)، مراقبت‌های پرستاری ارائه شده طی روزهای بستری (۸۳،۴)، اخلاق و رفتار پرسنل پرستاری در تمام روزهای بستری با بیمار (۸۳،۴)، دادن آگاهی توسط پزشک در خصوص نوع بیماری و نحوه درمان به بیمار (۸۳،۲)، اخلاق و رفتار پرسنل پذیرش با بیمار (۸۲)، رضایت بیمار از انتقال به بخش بستری با سایر واحدهای درمانی (۸۱،۶)، کافی بودن تعداد تابلوهای راهنما برای دسترسی آسان به واحدهای مختلف بیمارستانی (۸۱)، مدت زمان انتظار بیمار برای تشکیل پرونده (۸۰،۸)، اخلاق و رفتار پرسنل توزیع کننده غذا با بیمار (۸۰،۵)، رضایت از شرایط اتاق بستری خود (نور، دما، تهویه) (۷۹،۶)، رضایت بیمار از تعویض لباس و ملحفه در روزهای بستری (۷۹،۴)، ارائه آموزش در هنگام ترخیص در خصوص رژیم غذایی و نحوه مصرف داروها چقدر به بیمار (۷۹،۲)، مدت زمان انتظار بیمار برای انجام مراحل ترخیص (۷۸،۴)، وجود نظم و آرامش در محیط بخش (۷۸،۱)، ارائه آموزش در مورد بیماری و مراقبت‌های آن توسط پرسنل پرستاری به بیمار (۷۷،۷)، اخلاق و رفتار پرسنل نگهبانی با بیمار (۷۷،۵)، رضایت از مقدار غذایی که در هر وعده به بیمار داده می‌شود (۷۶،۲)، خود را معرفی نمودن پرسنل درمانی (پرستاری) به بیمار (۷۶)، دسترسی بیمار به امکانات رفاهی مانند تلفن، یخچال، تلویزیون (۷۵،۷)، رضایت بیمار از تنوع و گرم بودن غذای بیمارستان (۷۳،۹)، بهداشت و تمیزی سرویس‌های بهداشتی (۷۱،۹).

مفاهیم کلیدی: رضایت سنجی، بیماران، مراکز درمانی ملکی سازمان تأمین اجتماعی



عنوان: ارزیابی اثربخشی و سنجش رضایت کارکنان از اجرای ضابطه نحوه محاسبه و پرداخت مزایای انگیزشی کارکنان سازمان تأمین اجتماعی
مجری: مرکز پژوهش‌های کاربردی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران



ناظر اجرایی: اداره کل بودجه و تشکیلات

گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری

سال: ۱۳۹۶

چکیده:

این پژوهش به بررسی و شناخت میزان رضایت کارکنان از طرح نظام پرداخت مزایای انگیزشی می‌پردازد. بدین منظور مباحث نظری پژوهش در چهار بعد اصلی سیستم جبران خدمات، انگیزش، رضایت شغلی، و مدیریت عملکرد کارکنان و مزایای انگیزشی، مورد بررسی قرار گرفته است و مدل پژوهش طراحی شده و با مدنظر قرار دادن ابعاد نظری و نیازهای کارفرما رضایت کلی از مزایای انگیزشی به‌عنوان متغیر وابسته با ۶ سؤال مورد بررسی قرار گرفته است

این تحقیق با استفاده از روش پیمایشی و در قالب دو پرسشنامه برای مدیران و کارکنان با گردآوری ۲۴۳۳ پرسشنامه (۳۳۴ مدیر و ۲۰۹۹ کارمند) از سه بخش: بیمه‌ای، درمان مستقیم، و درمان غیرمستقیم، و ستاد در ۱۵ استان انجام شده است.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که میانگین نمره رضایت از طرح مزایای انگیزشی در مقیاس فاصله‌ای (۰ تا ۱۰۰) برابر ۵۱,۲۵ است که در حد متوسط است. همچنین میانگین نمره رضایت از طرح مزایای انگیزشی در میان مدیران ۵۷,۸ و در میان کارکنان ۵۰,۲ می‌باشد. میانگین نمره نگرش به سیستم مزایای انگیزشی در میان مدیران ۶۵,۳۶ و در میان کارکنان ۵۹,۶۵ و میانگین کل ۶۰,۴۳ است که حاکی از نگرش نسبتاً مثبت پاسخگویان به سیستم مزایای انگیزشی است. میانگین نمره ارزیابی از میزان انگیزاننده بودن طرح مزایای انگیزشی از دیدگاه مدیران ۶۳,۸۵ و کارکنان ۶۰,۶۹ و میانگین کل ۶۱,۱۲ است که در حد نسبتاً زیاد است. به بیان دیگر اکثریت پاسخگویان طرح مزایای انگیزشی را انگیزاننده ارزیابی کرده‌اند. میانگین نمره ارزیابی میزان انگیزانندگی از دیدگاه مدیران ۶۳,۸۵ و کارکنان ۶۰,۶۹ و میانگین کل ۶۱,۱۲ است که در حد نسبتاً زیاد است. به بیان دیگر اکثریت پاسخگویان طرح مزایای انگیزشی را انگیزاننده ارزیابی کرده‌اند. میانگین نمره ادراک کلی از عدالت در مزایای انگیزشی در میان مدیران ۵۱,۵۷ و کارکنان ۴۱,۶۱ و میانگین کل ۴۲,۹۸ است که در حد نسبتاً کم است. به بیان دیگر اکثریت پاسخگویان طرح مزایای انگیزشی را عادلانه ارزیابی کرده‌اند.

مفاهیم کلیدی: مزایای انگیزشی، رضایت سنجی، کارکنان سازمان تأمین اجتماعی، عدالت





عنوان: بایدها و نبایدهای قانون گذاری در تأمین اجتماعی **مجری: محسن قاسمی و اسماعیل انصاری**

گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری
سال: ۱۳۹۶

چکیده:

این پژوهش به بررسی وضعیت قانون گذاری در حوزه تأمین اجتماعی می پردازد و تلاش می کند با یک مطالعه تاریخی چالش ها و مسائل و مشکلات بر سر راه این نوع از قانون گذاری و همچنین قوانین مشکل دار و اضافی و یا تکراری بپردازد. همچنین تلاش شده است که فرایند قانون گذاری به عنوان یک ترکیب علمی، فنی و حقوقی مورد بررسی قرار گیرد و به آسیب ها و مشکلات در راه تدوین قوانین و از جمله عدم مشارکت ذینفعان سازمان تأمین اجتماعی در تدوین قوانین می پردازد.

این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه ای انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می دهد که در موارد قابل توجهی، اصل اصیل استقلال اداری سازمان تأمین اجتماعی در جریان قانون گذاری خدشه دار شده است و راه چاره ای جز اصلاح قوانین و مقررات ناقض این اصل، وجود ندارد. باین همه باید توجه داشت که وظایف و اختیارات دولت در امر سیاست گذاری، نظارت و راهبری، تضمین و حمایت و هماهنگ سازی در حوزه بیمه های اجتماعی (مستنبط از مواد ۳، ۶، ۷، ۹ و ۱۱ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی)، مستلزم حدودی از دخالت دولت در امور نهادهای بیمه اجتماعی و شمول برخی قوانین مالی و اداری بر این نهادها است اما تعیین دقیق این حدود از ضروریات مسلمی است که بدون آن، خطر بزرگ نقض استقلال مالی و اداری، صندوق ها و سازمان های بیمه اجتماعی را پیوسته تهدید می کند. از جمله دیگر چالش های این حوزه عبارت اند از:، عدم رعایت اصل ایجاد تعادل بین منابع و مصارف صندوق های بیمه ای و عدم رعایت اصول و الزامات محاسبات بیمه ای (اکچوئری)، عدم اهتمام جدی قانون گذار به برقراری نظام سطح بندی شده (چندلایه) در بیمه های اجتماعی، فقدان جامع نگری، نبود مطالعات کارشناسی کافی به هنگام قانون گذاری و شتاب زدگی، تورم قانونی و رعایت نشدن اصول کدیفیکاسیون

مفاهیم کلیدی: قانون تأمین اجتماعی، بیمه های اجتماعی، تنقیح قوانین، آسیب شناسی قانون گذاری



**عنوان: بررسی عملکرد مالی بیمارستان‌های منتخب سازمان
تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۴
مجری: علی ابوترابی**



ناظر علمی: علی اکبری ساری
گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت
سال: ۱۳۹۶

چکیده:

این پژوهش به بررسی هزینه فایده و عملکرد مالی بیمارستان‌های منتخب سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۴ می‌پردازد و بیمارستان‌های، شهید معیری تهران، غرضی اصفهان، استاد عالی نسب تبریز، امام رضا (ع) ارومیه، فارابی مشهد و حضرت معصومه (س) کرمانشاه را از منظر اقتصادی و با تأکید بر شاخص‌های هزینه-منفعت طی سال مالی ۱۳۹۴ ارزیابی می‌نماید.

این مطالعه از نوع توصیفی و گذشته‌نگر می‌باشد. در این مطالعه به‌منظور ارزیابی اقتصادی عملکرد بیمارستان‌های منتخب سازمان تأمین اجتماعی، با استفاده از آمار و اطلاعات عملکردی و مالی بیمارستان، سعی شده است که هزینه تمام‌شده هر یک از مراکز مسؤولیت بیمارستان تعیین و درنهایت هزینه تمام‌شده محصولات نهایی بیمارستان تعیین شود. به همین منظور شناسایی هزینه‌ها و تخصیص آن‌ها به مراکز مسؤولیت با استفاده از سیستم هزینه‌یابی جذبی و به روش مرحله‌ای صورت گرفته است.

نتایج مطالعه نشان می‌دهد در سال ۹۴، با لحاظ تعرفه‌های بخش دولتی، درآمدهای بیمارستان‌های مورد مطالعه تأمین‌کننده هزینه‌های آن‌ها نبوده است. این امر از مقایسه هزینه تمام‌شده خدمات هتلینگ با تعرفه مصوب آن‌ها نیز مشهود می‌باشد.

به این ترتیب به نظر می‌رسد که با ساختار فعلی ارائه خدمات درمانی بیمارستان‌های منتخب، اعمال تعرفه‌های عمومی غیردولتی می‌تواند تا حدودی به تأمین هزینه‌های بیمارستان کمک کند و زمینه خودگردان شدن بیمارستان‌ها را فراهم آورد. اما باید به این نکته مهم توجه نمود که این نتیجه‌گیری با فرض ثابت بودن سایر شرایط صحیح خواهد بود. به‌عنوان مثال چنانچه نظام پرداخت به پزشکان نیز بر اساس تعرفه عمومی غیردولتی تعیین شود بدیهی است که هزینه‌های بیمارستان افزایش خواهد یافت. همچنین ممکن است که ترکیب خدمات ارائه‌شده در بیمارستان‌ها دست‌خوش تغییر شود که در این صورت باید علاوه بر بعد هزینه-منفعت به ابعاد عدالت و دسترسی و نیز کارکرد اجتماعی سازمان نیز توجه شود.

مفاهیم کلیدی: مرکز مسؤولیت، بهای تولید، هزینه‌یابی





عنوان: محاسبه پرداخت از جیب با استفاده از داده‌های هزینه خانوار مرکز آمار طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴
مجری: طه نوراللمی

ناظر علمی: امیرعباس فضائلی
گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت
سال: ۱۳۹۶

چکیده:

مطالعه حاضر به اندازه‌گیری شاخص عدالت در هزینه‌های بهداشت و درمان خانوارهای شهری و روستایی و محاسبه میزان پرداخت از جیب در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ می‌پردازد و تلاش می‌کند با تبیین ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارهای مواجهه یافته با هزینه‌های کمرشکن سلامت تا برآوردی از درصد خانوارهایی که با هزینه‌های کمرشکن سلامتی مواجه و فقیرتر شده‌اند ارائه کند.

این مطالعه با رویکردی توصیفی-گذشته‌نگر به تحلیل داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ پرداخته است.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که علاوه بر این که نرخ خانوارهای مواجهه یافته با مخارج کمرشکن سلامت در ایران طی سال‌های مورد مطالعه (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴) به‌طور کلی رو به افزایش بوده است، نابرابری جغرافیایی میان و درون مناطق روستایی و شهری در بخش‌های مختلف نیز افزایش داشته است. در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ هم مناطق روستایی و هم مناطق شهری کشور شاهد کاهش در نرخ خانوارهای مواجهه یافته با هزینه کمرشکن سلامت نسبت به سال قبل از خود بوده‌اند، اما همچنان نسبت به سال پایه ۱۳۹۰ این ارقام بالاتر است. اگرچه در ایران، همانند بسیاری از کشورهای با درآمد متوسط، استفاده از خدمات سلامت به‌سرعت گسترش داشته است، عمده سیاست‌های سلامت طراحی‌شده در سال‌های قبل - شامل بیمه روی تخت برای خانوارهای شهری، پرداخت هزینه‌های درمانی مصدومان حوادث بر اساس ماده ۹۲ برنامه چهارم، تغییر نوع حق بیمه سازمان خدمات درمانی سابق از مبلغ ثابت به سهمی، استقرار برنامه پزشک خانواده و بیمه روستایی، استقرار ساختار هیئت‌امنایی در بیمارستان‌های دولتی، برنامه تمام‌وقتی جغرافیایی پزشکان برنامه، و اجرای طرح تحول سلامت در سال ۱۳۹۳ باهدف بهبود نظام تأمین مالی و کاهش پرداخت از جیب مردم- به تناسب، اهداف برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه ملی را در کاهش پرداخت از جیب به سی درصد و کاهش نرخ مخارج کمرشکن سلامت به یک درصد، به‌رغم برخی بهبودها، تحقق نبخشیده است.

مفاهیم کلیدی: پرداخت از جیب، فقرزایی، هزینه‌های سلامت، پزشک خانواده



**عنوان: بررسی رضایت‌مندی بیماران و پرسنل درمانی از
برنامه ارتقای هتلینگ
مجری: عبدالواحد خدامرادی**



گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت

سال: ۱۳۹۶

چکیده:

این پژوهش به بررسی تأثیر اجرای برنامه ارتقاء هتلینگ بر رضایت‌مندی بیماران و پرسنل درمانی انجام شده است. برنامه ارتقاء هتلینگ در سال ۹۴ در ۲۲ بیمارستان سازمان تأمین اجتماعی و با اهداف استانداردسازی خدمات هتلینگ بیمارستانی، فراهم آوردن محیطی مناسب جهت ارائه خدمات درمانی و افزایش رضایت‌مندی بیماران و همراهان آنها با چهار محور بهداشت و نظافت؛ خدمات رفاهی؛ تجهیزات و امکانات؛ و ساختمان و تأسیسات به اجرا درآمد.

این مطالعه از نوع پیمایشی بوده و به صورت مقطعی در تابستان سال ۱۳۹۶ انجام گرفته است. برای انتخاب نمونه بیماران، با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و با استفاده از فرمول کوکران نمونه‌گیری در دو گروه انجام شده که در گروه اول تعداد حداقل ۵۸۹ نفر و گروه دوم ۱۴۴۰ نفر بیمار انتخاب شده است. جهت آنالیز توصیفی و تحلیلی داده‌ها از نرم‌افزار Excel و Spss استفاده شده است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که درصد رضایت بیماران بستری‌شده در محورهای بهداشت و نظافت؛ رفاهی؛ تجهیزات و امکانات؛ و تأسیسات و ساختمان در گروه ۲۲ بیمارستان مجری برنامه ارتقاء هتلینگ به ترتیب برابر با ۸۳٫۴؛ ۸۰٫۸؛ ۸۱٫۴؛ و ۸۱ درصد و برای ۴۷ بیمارستان دیگر به ترتیب برابر با ۸۱؛ ۷۷٫۲؛ ۷۴٫۲؛ و ۷۴٫۶ درصد بوده است. درصد رضایت پرسنل درمانی در سه محور بررسی‌شده بهداشت و نظافت؛ تجهیزات و امکانات؛ تأسیسات و ساختمان در گروه بیمارستان‌های مجری برنامه به ترتیب برابر با ۶۹؛ ۷۸؛ و ۷۱٫۲ درصد و برای گروه بیمارستان‌های شاهد که در آنها برنامه ارتقاء هتلینگ اجرا نشده است برابر با ۶۷٫۵؛ ۷۲٫۵؛ و ۶۲ درصد بوده است.

در کل یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که رضایت بیماران از خدمات هتلینگ در هر دو گروه بررسی شده بیمارستان‌ها بیشتر از ارائه‌دهندگان خدمت است. قابل توجه است که رضایت بیماران و پرسنل درمانی در تمام محورهای بررسی‌شده مرتبط با هتلینگ در گروه بیمارستان‌های شمول برنامه بیشتر از رضایت بیماران و پرسنل درمانی گروه بیمارستان‌های خارج از شمول برنامه بوده است. پس در واقع می‌توان گفت که اجرای برنامه ارتقاء هتلینگ، رضایت بیماران و پرسنل درمانی را به همراه داشته است.

مفاهیم کلیدی: خدمات سلامت، رضایت سنجی، هتلینگ، تأمین اجتماعی





عنوان: محاسبه وزن هزینه تفکیکی خدمات بستری در صورت حساب مراکز دانشگاهی کشور
تهیه و تدوین: آرزیتا شکوهمند

گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت

سال: ۱۳۹۶

چکیده:

یکی از موارد مغفول در مدیریت هزینه‌های درمان، عدم آگاهی از تأثیر افزایش تعرفه‌ها بر جزییات پرونده‌های بستری بیمارستان‌ها است که عمدتاً به عدم اجرای مکانیزاسیون در بخش بستری برمی‌گردد. در این مطالعه تغییرات دامنه هزینه‌های بخش بستری ناشی از افزایش تعرفه‌ها مورد محاسبه قرار گرفته است تا هم نسبت به دامنه تغییرات آگاهی دقیق‌تری حاصل شود و هم الگوی یکسانی برای محاسبه هزینه‌ها در کل کشور با تخمین قریب‌به‌یقین ممکن گردد. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل داده‌های موجود انجام شده است.

یافته‌های این مطالعه نشان داد که تغییرات وزنی در هریک از گروه‌های خدمتی در استان‌های منتخب با ضریب حداقل از ۵۴ درصد تا ۱۳۷ درصد متغیر می‌باشد که بیانگر تأثیر عوامل گوناگون در هر استان از جمله سیستم ارجاع، خدمات فوق تخصصی، وجود خدمات منحصربه‌فرد، و برخی عوامل دیگر بر هزینه‌های هر گروه از خدمات با استان‌های دیگر در همان گروه خدمتی و در نهایت ناهمگونی و تنوع در استان‌های مختلف می‌باشد لذا به راحتی نمی‌توان به یک عدد واحد استناد نمود و از این رو واضح است که ارقام به دست آمده در هر یک از گروه‌های خدمتی در هر یک از استان‌ها نمی‌تواند قابل استناد برای کل کشور باشد که در برخی از موارد مانند وزن دارو و یا وزن هزینه اعضاء هیئت علمی تمام وقت، تفاوت چشمگیر و تا ۱۳۷ درصد، قابل تأمل بوده و به هیچ‌روی قابل تسری به عنوان مرجع کشوری نمی‌باشد. در این رابطه و به عنوان مثال می‌توان به فعال بودن سیستم ارجاع در استان فارس اشاره نمود که موجب کاهش هزینه هتلینگ در صورت حساب‌های بستری شده است. در همین راستا مشاهده می‌گردد که هزینه خدمات هتلینگ در استان یزد به نسبت بالاتر از سایر استان‌ها می‌باشد و همزمان بالاتر بودن هزینه پرداخت شده بابت اعضاء تمام وقت جغرافیایی در این استان، بیشتر بودن نسبت تعداد پزشکان تمام وقت جغرافیایی شاغل در مراکز بیمارستانی نسبت به مطب‌های خصوصی را نشان می‌دهد.

مفاهیم کلیدی: خدمات بستری، هتلینگ، سازمان تأمین اجتماعی



**عنوان: آنالیز هزینه‌های بخش سرپایی درمان غیرمستقیم
سازمان تأمین اجتماعی در سال ۹۴
تهیه و تدوین: عبدالواحد خدامرادی**



گروه سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت

سال: ۱۳۹۶

چکیده:

در این پژوهش تلاش شده است که هزینه و عملکرد درمان در بخش سرپایی درمان غیرمستقیم سازمان که حدود ۳۸ درصد هزینه‌های درمان سازمان را به خود اختصاص می‌دهد به تفکیک زیرمجموعه‌های آن و در سطح استانی آنالیز و تفصیل شود. در این گزارش تعداد نسخه و مبلغ اختصاص داده سازمان تأمین اجتماعی همراه با شاخص‌های مرتبط (درصد سهم جمعیت تحت پوشش و هزینه هر استان، بار مراجعه، میانگین هزینه نسخه و سرانه سالیانه) در بخش سرپایی درمان غیرمستقیم به تفکیک نوع خدمت (شامل ۱۷ خدمت) که در ۷ گروه، دسته‌بندی شده است به تفکیک استانی نمایش داده شده است. در این گزارش از روش تحلیل داده‌ها و آمارهای موجود استفاده شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در بین ۷ نوع گروه خدمتی، دارو بیشترین سهم هزینه (۳۸ درصد) را به خود اختصاص می‌دهد بعد از دارو، بیشترین سهم هزینه مربوط به درمانگاه می‌باشد که ۱۹ درصد هزینه تحقق‌یافته سال ۹۴ در بخش سرپایی درمان غیرمستقیم مربوط به آن می‌باشد. هزینه پزشکان مستقل طرف قرارداد، آزمایشگاه و تصویربرداری به ترتیب ۱۶، ۱۲ و ۱۰ درصد سهم هزینه و فیزیوتراپی و سایر اقدامات تشخیصی درمانی هر کدام سهم ۲ درصد از هزینه را شامل می‌شوند.

در بین گروه پزشکان، ۵۸ درصد هزینه‌ها مرتبط با پزشکان متخصص (میانگین نسخه = ۱۶ هزار تومان)، ۲۷ درصد پزشکان عمومی (میانگین نسخه = ۵ هزار تومان)، ۱۰ درصد پزشکان فوق تخصص (میانگین نسخه = ۲۴ هزار تومان) و ۵ درصد دندان‌پزشک (میانگین نسخه = ۱۷ هزار تومان) بوده است.

مفاهیم کلیدی: هزینه-بیماری، مراجعات تکراری، درمان غیرمستقیم، تأمین اجتماعی





عنوان: مقدمه‌ای در باب کار شایسته، چستی، ضرورت و ابعاد مطالعات پیشین
مجری: سهند ابراهیمی پورفائز

گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری
سال: ۱۳۹۶

چکیده:

این پژوهش به معرفی مفهوم کار شایسته و بررسی پیشینه آن می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش بررسی مفهوم کار شایسته در مطالعات انجام‌گرفته در این زمینه در کشور است. هدف از این کار استخراج پرسش‌های اساسی موردبحث در هریک از این پژوهش‌ها و متعاقب آن حصول محورهای اصلی مطالعه شده با محوریت کار شایسته در کشور است.

روش به‌کاررفته در این پژوهش روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل محتوای کیفی است که برای انجام این امر، مهم‌ترین مقالات منتشر شده با محوریت کار شایسته در کشور بر مبنای روش‌شناسی تحلیل محتوا موردبررسی قرار گرفتند.

بر اساس نتایج اول اینکه حجم مطالعه مفهوم کار شایسته در کشور بسیار اندک بوده و متمرکز در یک بازه زمانی کوتاه است. دوم اینکه در مجموع، در مطالعات انجام‌گرفته سه محور اصلی تعریف، اندازه‌گیری و اجرای کار شایسته در کنار شش محور فرعی امکان‌سنجی، سیاست‌گذاری، گروه‌های ذینفع، گروه‌های ذی‌مدخل، پیش‌نیازها و وضعیت موجود موردبررسی قرار گرفته‌اند.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تاکنون کار شایسته در ایران حول ۹ محور بررسی شده است. از این محورهای ۹گانه ۳ محور از ماهیت اصلی و ۱ محور از ماهیت زیرمجموعه برخوردارند. محورهای اصلی شامل تعریف، اندازه‌گیری و اجرا می‌شوند. در لایه دوم، محورهای سیاست‌گذاری، امکان‌سنجی، گروه‌های ذی‌مدخل، گروه‌های ذینفع، وضعیت موجود و پیش‌نیازها قرار دارند. به‌بیان‌دیگر هریک از مطالعات انجام‌گرفته تاکنون به حداقل یکی از محورهای اصلی پرداخته و سپس به سراغ یک یا چند مورد از محورهای لایه دوم رفته است.

مفاهیم کلیدی: کار شایسته، سیاست‌گذاری، اشتغال، سازمان بین‌المللی کار (ILO)



عنوان: پیشنهاد الگو و روش تعیین حداقل دستمزد با رویکرد منطقه‌ای در ایران
مجری: محمدرضا فرهادی پور



گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری
سال: ۱۳۹۶

چکیده:

این مطالعه به بررسی سازوکارهای تعیین حداقل حقوق در ایران و جهان می‌پردازد. بدین ترتیب که ابتدا به بررسی مبانی نظری و تجربی حداقل دستمزد می‌پردازد و سپس به تاریخچه حداقل دستمزد در ایران و تجربه کشورهای فرانسه، پرو و مالزی می‌پردازد. سپس با بررسی سناریوهای مختلف تعیین حداقل دستمزد، تلاش می‌کند تا بر اساس وضعیت و واقعیت‌های اقتصادی مناطق مختلف در ایران راهکارهایی برای تعیین حداقل دستمزد بر اساس تورم استانی ارائه کند.

این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل آماری داده‌های موجود انجام شده است و ارتباط حداقل دستمزد با شاخص‌های کلیدی اقتصاد ایران تحلیل آماری شده است.

در نهایت این مطالعه بر اساس دستاوردهای آماری و تجربی و واقعیات اقتصادی کشور در سطوح منطقه‌ای و ملی، ضمن بررسی چند سناریوی مختلف برای تعیین حداقل دستمزد بر اساس شاخص‌های محلی و منطقه‌ای، سناریوی پیشنهادی خود برای تعیین حداقل دستمزد بر اساس تورم استانی را ارائه می‌کند.

کلمات کلیدی: حداقل دستمزد، تورم، کارگر، کار، فقر





**عنوان: چشم‌انداز حوزه پوششی نظام رفاه و تأمین اجتماعی
کشور به تفکیک بیمه‌ای و حمایتی
مجری: داوود سوری**

**ناظر: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس
گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری
سال: ۱۳۹۶**

چکیده:

به‌طور کلی طراحی و اجرای برنامه‌های مقابله با فقر و نابرابری نیازمند بررسی میزان اثرگذاری برنامه‌های توسعه کشوری بر میزان و شدت فقر موجود در مناطق شهری و روستایی طی دوره اجرای برنامه‌ها است. بر این اساس در این طرح، پس از برشماری روش‌های موجود برای اندازه‌گیری فقر، به بررسی انواع سیاست‌های موجود در زمینه فقرزدایی و تجربه‌های ایران در برخی از موارد اجرا شده می‌پردازد تا وضعیت کشور در زمینه فقر و مقابله با این پدیده را مورد ارزیابی قرار دهد. گزارش همچنین به بررسی انواع روش‌های اندازه‌گیری فقر و سنجش سطح رفاه، رویکردهای مختلف اقتصادی از جمله رویکرد رفاه‌گرایی و مطلوبیت‌گرایی و ارتباط الگوهای رشد و گسترش و انواع سیاست‌های فقرزدایی و میزان اثربخشی آن‌ها می‌پردازد.

در این مطالعه از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌های موجود استفاده شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در ایران با افزایش بعد خانوار احتمال فقر نیز افزایش می‌یابد. احتمال فقر در بین خانوارهای با جمعیت ۲ نفر و کمتر ۱۲ و در بین خانوارهای ۳ و ۴ نفره ۲۱ درصد و در خانوارهای ۵ نفر به بالا ۴۶ درصد است. همچنین بررسی ساختار سنی فقرا نشان می‌دهد که فقر چهره‌ای میان‌سال پیدا کرده است. در سال ۱۳۸۴، نرخ فقر در بین خانوارهای جوان بیشتر بوده است اما در سال ۱۳۹۴ بیشترین نرخ فقر مربوط به خانوارهای میان‌سال بوده است.

بر اساس نتایج این مطالعه، نرخ رشد، بهبود رابطه مبادله به سود فقرا و کاهش نابرابری در توزیع درآمد به ترتیب بیشترین تأثیر را بر کاهش فقر دارند، از این‌رو مشخص می‌شود که جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی می‌بایست در راستای تحریک رشد اقتصادی پایدار به همراه سیاست‌های بازتوزیعی در راستای بهبود توزیع درآمد و همچنین کنترل تورم با توجه بیشتر به تورم مصرفی باشد.

مفاهیم کلیدی: فقر، نظام رفاه، تأمین اجتماعی، نابرابری، رشد اقتصادی پایدار، شکاف اقتصادی

**عنوان: بررسی تأثیر اجرای بازنشستگی سخت و زیان آور
بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی**
مجری: محسن ریاضی



ناظر: کیوان مرتضوی سرایی
گروه: اقتصاد و سرمایه گذاری
سال: ۱۳۹۶

چکیده:

این مطالعه به بررسی و محاسبه بار مالی اجرای طرح بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی می‌پردازد. در این تحقیق با توجه به تجارب جهانی در این زمینه و نیز تأثیراتی که این طرح بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی دارد، بار مالی این طرح بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی و پایداری مالی آن محاسبه شد و پیشنهادات لازم برای کاهش اثرات سوء آن بر سازمان تأمین اجتماعی با توجه به تجارب جهانی در این زمینه ارائه شده است. در این راستا در این تحقیق طرح بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور از ابعاد مختلف نظیر خصوصیات بازنشستگان مشاغل سخت و زیان آور نظیر مستمری برقراری، سن بازنشستگی، سابقه بازنشستگی، تاریخ بازنشستگی، جنسیت، مقایسه این خصوصیات با انواع دیگر بازنشستگی، هزینه و درآمدهای این طرح برای سازمان تأمین اجتماعی، مقایسه هزینه‌ها و درآمدها و سرانجام نرخ بهینه حق بیمه‌ای که تعادل هزینه‌ها و درآمدها را برقرار کند (در دو حالت مقایسه با شرایط عادی بازنشستگی و مقایسه با قانون اولیه بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور) مورد بررسی قرار گرفته است.

در این مطالعه از روش‌های مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای کیفی و از روش تحلیل آماری برای تحلیل داده‌های موجود برای محاسبه بار مالی قوانین بازنشستگی پیش از موعد بر سازمان تأمین اجتماعی استفاده شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سهم بازنشستگان مشاغل سخت و زیان آور از بازنشستگی‌های برقراری بین ۵,۴ درصد تا ۵۲ درصد در نوسان بوده است به نحوی که بیشترین فشار مربوط به سال‌های اولیه اجرای طرح می‌باشد و با گذشت زمان این فشار کاهش یافته است. با این وجود از لحاظ شاخص میزان مستمری برقراری، بازنشستگان مشاغل سخت و زیان آور نسبت به سایر انواع بازنشستگان دارای بالاترین میزان مستمری برقراری (۱۵,۸۷۳,۸۶۳ ریال در مقابل ۱۱,۰۷۶۹۹۵ ریال کل بازنشستگان در سال ۱۳۹۴) می‌باشند. همچنین نتایج حاصل از تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که طرح بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور بار مالی عظیمی برای سازمان داشته است. به نحوی که هزینه‌های طرح به قیمت‌های پایه و اسمی سال ۱۳۹۴ به ترتیب ۷,۴ و ۲,۵ برابر درآمدهای طرح بوده است که این امر روند نقطه سربه‌سری منابع و مصارف سازمان را که طی سال‌های اخیر از معضلات اصلی سازمان بوده است، سرعت بخشیده است.

مفاهیم کلیدی: مشاغل سخت و زیان آور، بازنشسته، تأمین اجتماعی، بار مالی





عنوان: تهیه سند ملی اشتغال و سرمایه‌گذاری برای دوره ۱۴۰۰-۱۳۹۶
مجری: بهروز هادی زنوز و افشین برمکی

گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری
سال: ۱۳۹۶

چکیده:

این طرح به بررسی و مطالعه وضعیت اقتصادی کشور برای تهیه سند ملی اشتغال و سرمایه‌گذاری برای دوره ۱۴۰۰-۱۳۹۶ می‌پردازد و تلاش می‌کند تا به بررسی علل و راهکارهای کاهش نرخ بیکاری آشکار در کشور؛ کاهش فاصله نرخ‌های بیکاری منطقه‌ای با سطح ملی در استان‌هایی که نرخ بیکاری آن‌ها بالاتر از میانگین ملی است؛ کاهش نرخ بیکاری در میان مردان و زنان جوان و تحصیل کرده کشور و بهبود بهره‌وری نیروی کار در دوران برنامه به‌منظور بهبود توان رقابتی اقتصاد کشور و ارتقای وضع معیشت نیروی کار و درنهایت افزایش نرخ مشارکت زنان تحصیل کرده در نیروی کار بپردازد.

این گزارش با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های موجود در مرکز آمار ایران انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که هرچند در اقتصاد ایران به دنبال کاهش قیمت نفت و رکود اقتصادی، بیکاری ادواری افزایش می‌یابد، اما استمرار نرخ‌های بیکاری بالا، در ادوار رونق و رکود اقتصادی، گویای آن است که بیکاری در کشور ما از نوع بیکاری درازمدت است که بیکاری ساختاری نامیده می‌شود. یعنی تعداد مشاغل موجود در کشور به‌طور مستمر کمتر از تعداد داوطلبان اشتغال بوده است. همچنین نتایج این مطالعه بیانگر آن است که برخلاف پیش‌بینی برنامه ریزان، رشد اقتصادی ۸ درصدی و کاهش نرخ بیکاری به سطح ۸,۶ درصد (تا سال ۱۴۰۰) تحقق نخواهد یافت و نرخ بیکاری در پایان این دوره می‌تواند به سطح بالاتر ۱۴ تا ۱۹ درصد افزایش یابد. واقع‌بینی حکم می‌کند که ریشه اصلی تنش‌های اجتماعی اخیر را در عملکرد ضعیف اقتصاد کشور و بی‌توجهی به سیاست‌های اصولی رفاه اجتماعی جستجو کنیم. نقش رقابت‌های جناحی و مداخله بیگانگان در این وضعیت اساساً بدون توجه به ریشه‌های اصلی این بحران قابل‌تعیین و تبیین نیست و چاره‌جویی ریشه‌ای برای حل و فصل مشکلات واقعی را به تأخیر خواهد انداخت.

مفاهیم کلیدی: سند ملی اشتغال و سرمایه‌گذاری، برنامه ششم، فقر، نرخ بیکاری



عنوان: ریسک‌های اکچوئری ادغام در صندوق سازمان تأمین اجتماعی
مجری: محمدمهدی امانی، محمدرضا اناری



ناظر: مرتضی اعلاباف

گروه: بیمه‌های اجتماعی و محاسبات

سال: ۱۳۹۶

چکیده:

این پژوهش به بررسی مسائل و مشکلاتی می‌پردازد که اکچوئرها در هنگام ادغام یا تصدی صندوق‌های بازنشستگی با آن مواجه می‌شوند و به این موضوع می‌پردازد که در صورت ادغام صندوق‌های بازنشستگی با صندوق بازنشستگی سازمان هزینه‌های صندوق بازنشستگی سازمان به چه صورتی خواهد بود؟ تحت فرضیات تورم و بهره که در هزینه‌های صندوق‌ها نقش اساسی دارند هزینه‌های صندوق بازنشستگی سازمان به چه صورتی خواهد بود؟ برای پاسخگویی به این پرسش‌ها به بررسی وضع موجود صندوق سازمان تأمین اجتماعی با تأکید بر روش تأمین اعتبار و نحوه پرداخت کسورات؛ با تأکید بر روش تأمین اعتبار و نحوه پرداخت کسورات و بررسی و مطالعه روش‌های محاسبه تعهدات اکچوئری در انتقال صندوق از منظر صندوق متصدی تلاش می‌کند تا یک دستورالعمل برای محاسبه نرخ‌های تأثیرگذار و محاسبه بار مالی تغییر مزایا، کسورات و قوانین بازنشستگی ارائه کند.

این پژوهش از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین تحلیل و بررسی داده‌های موجود استفاده شده است.

بر اساس نتایج این مطالعه، برای اینکه ادغام صندوق‌های بازنشستگی به‌طور مؤثر و منصفانه صورت پذیرد، باید هر دو صندوق بازنشستگی واگذارنده و پذیرنده از روش‌های استاندارد ارزیابی اکچوئریال، مانند روش پیش‌بینی اعتبار واحد و سن ورود نرمال و فرض‌های اقتصادی و جمعیت شناختی مناسب با شرایط صندوق و وضعیت اقتصادی استفاده کنند. در واقع، به‌کارگیری روش‌های ارزیابی استاندارد برای دارایی‌ها و تعهدات می‌تواند به‌عنوان پیش‌نیاز ادغام صندوق‌های بازنشستگی مطرح شود. همچنین، در این گزارش دو معیار جهت ادغام طرح‌های بازنشستگی مزایای معین در ایران پیشنهاد شده‌اند که شامل ادغام بدون سود یا زیان با طرحی دیگر (ملاک مالی) و عدم کاهش نسبت تأمین اعتبار پس از ادغام (ملاک اکچوئریال) است. رویکردی که در گزارش پیش‌رو برای فرایند ادغام صندوق‌های بازنشستگی پیشنهاد شده است، تفکیک فرایند ادغام به سه مرحله پیش، حین و پس از ادغام است. با این تفکیک می‌توان وظایف مشخصی را به مشاوران اکچوئری صندوق بازنشستگی پذیرنده محول کرد.

مفاهیم کلیدی: ارزیابی اکچوئریال، اکچوئر، ادغام صندوق‌های بازنشستگی





عنوان: سود جمعیتی و چشم انداز اثرات آن بر نظام تأمین اجتماعی در ایران

مجری: مجید کوشی

گروه: بیمه‌های اجتماعی و محاسبات
سال: ۱۳۹۶

چکیده:

این طرح به موضوع پنجره فرصت جمعیتی در ایران می‌پردازد. کشورهایی که این فرصت را پیدا کرده‌اند مانند آلمان، اتریش، چین، ژاپن و کره جنوبی توانسته‌اند از آن برای توسعه کشور خود استفاده کنند. اکنون برخی کشورهای در حال توسعه مانند ایران، نیز در این شرایط جمعیتی قرار دارند. بنابراین در سال‌های اخیر این پرسش مطرح شده است که آیا این کشورها نیز، تا پیش از رویارویی با سالخوردگی جمعیت، قادر خواهند بود از این فرصت برای رشد اقتصاد خود استفاده کنند؟ این پژوهش در مورد سطوح و روندهای سود جمعیتی در واقع فاصله و شکاف بین ظرفیت بالقوه ناشی از تغییر در ساختار سنی و بهره‌مندی نظام‌های مالی در اقتصاد کلان را توضیح می‌دهد و هدف اصلی آن مطالعه و تحقیق در مورد تغییرات ساختار سنی، پنجره فرصت جمعیتی، و روند تغییرات و چگونگی تحقق سود جمعیتی در ایران است. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل داده‌های موجود انجام شده است.

نتایج این مطالعه در مورد تغییرات جمعیتی و اثرات مثبت احتمالی آن نشان می‌دهد که غیر از مرحله اول سود جمعیتی، دو سود جمعیتی دیگر نیز اتفاق می‌افتد. مرحله اول سود جمعیتی بیان‌کننده اثر غیرمستقیم تغییرات جمعیتی و ساختار سنی بر اقتصاد ملی است. با کاهش سطح مرگومیر یعنی افزایش متوسط سال‌هایی که امید می‌رود هر فرد از یک نسل عمر کند، انتظار می‌رود که هم نرخ پس‌انداز افزایش یابد و هم سال‌های عمر فعال افزایش یابد یا بازنشستگی به تعویق بیفتد. با کاهش باروری نیز سرانه سرمایه‌گذاری خانوار و دولت در سرمایه انسانی (آموزش و سلامت) افزایش می‌یابد. مجموع این تغییرات که مستقیم یا غیرمستقیم ریشه در تغییرات جمعیتی دارند، می‌تواند محرکی در اقتصاد ملی ایجاد کند که سود دوم جمعیتی را رقم می‌زند. و بالاخره کاهش باروری دارای اثر دیگری نیز هست و آن کاهش اوقاتی است که یک زن در سال‌های باروری بالا صرف فرزندزایی، فرزند پروری و مراقبت از کودکان پرتعداد می‌کند و اکنون می‌تواند به بازار کارمزدی انتقال یابد و از این طریق افزایش و بهبودی مهم در نرخ بهره‌وری و اقتصاد ایجاد کند. به این سومین سود جمعیتی، سود جنسیتی گفته‌اند.

مفاهیم کلیدی: تغییرات جمعیتی، پنجره فرصت جمعیتی، سود جمعیتی

عنوان: منبع‌شناسی توصیفی حوزه رفاه و تأمین اجتماعی در پایگاه‌های اطلاعاتی ایران
مجری: پیمان زینتی



گروه: بیمه‌های اجتماعی و محاسبات
سال: ۱۳۹۷

چکیده:

این طرح به بررسی و جمع‌آوری کتاب‌ها و منابع تولیدشده در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی در کشور می‌پردازد و بیش از چهار هزار عنوان اثر شناسایی و دسته‌بندی‌شده و در گزارش نهایی طرح ارائه شده است.

کتابشناسی حاضر به دو گونه شمارشگر و تفسیری تهیه شده است.

خروجی بخش کتابشناسی شمارشگر شامل بیش از ۴۰۰۰ عنوان اثر (کتاب، پایان‌نامه، مقاله علمی-پژوهشی، طرح پژوهشی و گزارش) بر روی سامانه برخط کتابخانه مؤسسه بارگذاری شده است. بخش دوم کار، کتابشناسی تفسیری است که به تشریح و بررسی منابع برگزیده این حوزه می‌پردازد. در نهایت، در این اثر تفسیر کتابشناختی از ۲۴۲ منبع، شامل ۷۰ عنوان کتاب، ۶۶ عنوان پایان‌نامه، ۵۰ نسخه طرح پژوهشی و گزارش و ۵۶ مقاله علمی-پژوهشی عرضه شده است. این منابع از میان بیش از ۴۰۰۰ عنوان اثر در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی در چند مرحله غربال و گزینش شده است. برای تسهیل دسترسی به منابعی که در اینجا تفسیر شده‌اند، چند کار انجام شده است. اول اینکه، منابع در هر بخش از کتاب بر اساس الفبای نام پدیدآور مرتب شده‌اند. پس اگر با دانستن نام پدیدآور و نوع منبع موردنظر به سرعت به اثر موردنظر دست می‌یابید. دوم اینکه، در هر بخش از کتاب منابع به ترتیب شماره‌گذاری شده است. این لیست در بخش ارجاعات (منابع) پایان متن نیز موجود است. با یک نگاه کلی به عناوین و سایر اطلاعات، شماره مقابل ارجاع با شماره اثر در داخل کتاب هماهنگ است. از این طریق به راحتی می‌توان اثر موردنظر را پیدا کرد. راه سوم نیز، نمایه پایانی کتاب است. با بهره‌گیری از نمایه، می‌توانید مفاهیم یا موضوع‌های موردنظر خود را بر اساس شماره صفحه پیدا کنید.

مفاهیم کلیدی: کتابشناسی شمارشگر، کتابشناسی تفسیری، رفاه، تأمین اجتماعی





عنوان: معرفی بانک زمان و کاربرد آن برای خدمات رفاهی سالمندان
مجری: مهدی حاج امینی، حبیب انصاری سامانی، ربابه خیل کردی

گروه: بیمه‌های اجتماعی و محاسبات
سال: ۱۳۹۷

چکیده:

بانکداری زمان یک جنبش بین‌المللی است که به دنبال تبدیل مدل‌های خدمات اجتماعی نامتقارن سنتی به شبکه‌های اجتماعی است که در آن اعضا هم‌زمان، ارائه‌دهنده و دریافت‌کننده خدمات بوده که دارای ارزش برابر هستند، این پژوهش به بررسی و مطالعه کاربرد بانک زمان برای خدمات رفاهی سالمندان؛ به‌منظور دستیابی به سلامت و شادابی در دوران سالمندی و نیز نیل به آرمان سالمندی سالم، پویا و کارآمد می‌پردازد. روش این تحقیق توصیفی و تحلیل مبتنی بر اسناد کاوی بر اساس منابع موجود است.

نتایج این مطالعه در مورد کاربرد بانک زمان برای خدمات رفاهی سالمندان؛ به‌منظور دستیابی به سلامت و شادابی در دوران سالمندی و نیز نیل به آرمان سالمندی سالم، پویا و کارآمد نشان می‌دهد که عوامل متعددی در این موارد دخالت دارند. از آن جمله می‌توان به احساس هدفمندی در زندگی، برخورداری از حمایت‌های اجتماعی مؤثر و کارآمد، عادات درست بهداشتی در طول زندگی، محیط زندگی سالم، استقلال و مشارکت در امور فردی، خانوادگی و اجتماعی، ویژگی‌های رفتاری فردی و برخورداری از دیدگاهی مثبت و سازنده نسبت به زندگی اشاره کرد و باید باور داشت سالمندانی که از کار بازنشسته می‌شوند به سبب داشتن تجارب ارزشمند، همچنان می‌توانند در جامعه نقشی فعال و کارا داشته و در برنامه‌ریزی و امور اجرایی، به خانواده‌ها و افراد هم سن و سال کمک کنند بنابراین بایستی برای تقویت این نقش و تأثیرگذاری هرچه بیشتر این نسل در جوامع، برنامه‌ریزی کرد. لذا بانکداری زمان می‌تواند با برقراری ارتباط بین افرادی که هیچ راه ارتباطی با یکدیگر نداشته‌اند این خلأ را پر کند.

مفاهیم کلیدی: بانکداری زمان، خدمات رفاهی سالمندان، سالمندی سالم، شبکه‌های اجتماعی



**عنوان: حق برخورداری از تأمین اجتماعی در فضای کسب و کار
مجازی در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران
مجری: مصطفی السان و جعفر منوچهر**



**گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری
سال: ۱۳۹۷**

چکیده:

در این پژوهش با نگرش به قوانین بین‌المللی و نیز قوانین کشورهای پیشرو در خصوص تأمین اجتماعی افراد جامعه به خصوص افراد شاغل در مشاغل مجازی، قوانین داخلی و نظرات مسئولین در خصوص تأمین اجتماعی مشاغل مجازی بررسی گردیده و لزوم تحت پوشش بیمه اجتماعی قرار گرفتن شاغلین مشاغل مجازی بیان گردیده است.

این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند با گسترش شمول پوشش‌های تأمین اجتماعی به کسب و کارهایی که در فضای مجازی انجام می‌گیرد، ضوابط و دستورالعمل‌های مورد نیاز برای مدیریت این کسب و کارها را تدوین و اجرایی نماید. دغدغه اصلی بیمه مشاغل مجازی، موضوع تاب‌آوری اجتماعی و نیز بسترسازی فرهنگی است. امروزه کسب و کارهای مجازی، بر مبنای فرار یا کاستن از مالیات و دیگر هزینه‌ها با مشاغل سنتی یا با همدیگر در رقابت هستند. بنابراین، الزام تبعیض‌آمیز برخی از فعالان این فضا به پوشش بیمه تأمین اجتماعی، می‌تواند رقبا را در وضعیت بهتری حداقل در کوتاه‌مدت قرار دهد. زیرا پوشش بیمه و خدمات اجتماعی، هزینه تمام‌شده کالاها و خدمات را افزایش می‌دهد و اگر الزام در این حوزه نابرابر یا موردی باشد، شرکت یا شخصی که این هزینه‌ها به آن تحمیل می‌شود، زیان خواهد دید. چالش عمده دیگر، نحوه ارائه لیست کارکنان و سایر فهرست‌ها و حساب و کتاب‌هایی است که برای محاسبه نرخ حق بیمه و سرمایه قابل پرداخت ضروری است. چالش نبود آمار را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. این چالش در مورد برخی از مشاغل سنتی، مانند لنگه‌هایی که دارای کارگران متعدد هستند و نیز نحوه تقسیم سود و منفعت در آن‌ها چندان معلوم نیست، مطرح است؛ اما این امر مانع از پوشش بیمه تأمین اجتماعی در چنین مواردی نشده است.

مفاهیم کلیدی: بیمه اجتماعی، فضای مجازی، کسب و کارهای آنلاین، سازمان تأمین اجتماعی





عنوان: کدگذاری ارقام و مشاغل و فعالیتهای بانک اطلاعاتی مجری: کمال نژادی و زهرا نجفی

گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری
سال: ۱۳۹۷

چکیده:

این طرح به بررسی انواع کدگذاری ارقام و مشاغل و فعالیتهای بانک اطلاعاتی سازمان تأمین اجتماعی بر اساس استاندارد ISIC و ISCO پرداخته است. ابتدا به بررسی موضوع کدگذاری پرداخته و سپس ساختار طبقه‌بندی‌های مورد استفاده برای فعالیتهای اقتصادی و مشاغل تشریح شده است. طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی تمامی فعالیتهای اقتصادی (ISIC) از ساختاری منسجم و یکدست برای طبقه‌بندی فعالیتهای اقتصادی تشکیل شده است که بر پایه مجموعه‌ای از مفهومیها، تعریفها، اصول و قواعد طبقه‌بندی مورد توافق بین‌المللی متکی است. ساختار کلی ISIC / رسته‌های تکی ISIC در ۲۱ بخش فشرده شده‌اند که برای هر بخش معادل زبان فارسی در مرکز آمار ایران تولید شده است. طرح کدگذاری مشاغل سازمان تأمین اجتماعی بر اساس استاندارد ISCO نیز مورد بحث قرار گرفته است. این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که آمار کدگذاری فعالیتهای کارگاه‌های تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی به تفکیک گروه‌های اصلی ISIC بیشترین کد مربوط به تولید صنعتی (ساخت) با تعداد ۱۴۳۱ و کمترین مربوط به ۹ فعالیتهای خانوارها به‌عنوان کارفرما، فعالیتهای تفکیک‌ناپذیر تولید کالاها و خدمات توسط خانوارهای معمولی برای خودمصرفی با یک مورد و در کل با، با این شرح که ۶۴۷ مورد به‌صورت نامعین گزارش شده است. آمار تعداد و درصد کدگذاری فعالیتهای کارگاه‌های تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی به تفکیک گروه‌های اصلی ISIC نامعین ۶۴۷ گروه‌های پ: تولید صنعتی (ساخت) / چ: عمده‌فروشی و خرده‌فروشی؛ تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت / ب: استخراج معدن / ج: ساختمان / ط: سایر فعالیتهای خدماتی / س: اداره امور عمومی و دفاع؛ تأمین اجتماعی اجباری ۲۶۰۴ سایر گروه‌ها (۱۵ گروه) ۷۰۴. طرح کدگذاری مشاغل سازمان تأمین اجتماعی بر اساس استاندارد ISCO انجام شد. پس از انجام مراحل کدگذاری و تأییدیه مختلف از کارشناسان طرح، گزارش این طرح آماده شده و لازم است پس از بررسی و تأیید سازمان نسبت به اجرایی شدن نتایج آن اقدام شود. آمار نتایج به‌دست‌آمده از داده‌های کدگذاری شده مشاغل ISCO در سطح اصلی نامعین ۱۲۵۱۴ و بیشترین صنعتگران و کارکنان حرفه‌های مرتبط ۲۴۸۴۲ مورد و کمترین مشاغل نیروهای مسلح با ۲۲ مورد و در مجموع ۱۱۶۷۱۹ مورد عناوین اصلی بودند.

مفاهیم کلیدی: کدگذاری مشاغل، بانک اطلاعاتی، سازمان تأمین اجتماعی، استاندارد ISIC و ISCO

**عنوان: تبیین حقوقی استقلال اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی با
تأکید بر حدود و نقش دولت در دوره زمانی پس از انقلاب
مجری: زینب عصمتی**



**گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری
سال: ۱۳۹۷**

چکیده:

این مطالعه به تبیین حقوقی استقلال اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی با تأکید بر حدود و نقش دولت در دوره زمانی پس از انقلاب می‌پردازد و تلاش می‌کند با تبیین مفهوم استقلال اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی و نقش دولت در صندوق بیمه‌های تأمین اجتماعی و مطالعه تطبیقی قوانین، مقررات و رویه‌ها و نقش و حدود دخالت دولت در صندوق‌های بیمه‌های تأمین اجتماعی در کشورهایی با نظام بیمه‌های مختلف و شناسایی الگوها و معرفی راه‌حل‌های مناسب سایر کشورها و بررسی و تحلیل قوانین و مقررات در خصوص میزان و حدود نقش دولت در صندوق‌های بیمه‌های تأمین اجتماعی، کاستی‌های نظام حقوقی تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در زمینه استقلال اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی و نقش و حدود دخالت دولت در صندوق‌های بیمه‌های تأمین اجتماعی مشخص کند و راهکارها و پیشنهادهای کاربردی به منظور رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت، تدوین قوانین جدید و مقررات مناسب و اصلاح یا حذف قوانین ناکارآمد و زائد و ارائه تفسیر مناسب از قوانین ارائه کند. این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و مصاحبه کیفی انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سازمان تأمین اجتماعی به ظاهر استقلال اداری دارد لیکن در واقع، دولت در خیلی از موارد این استقلال اداری را خدشه‌دار کرده است. اصل سه‌جانبه‌گرایی به ظاهر رعایت می‌شود لیکن به واقع رعایت نمی‌گردد یعنی هرچند نمایندگان کارفرمایان و کارگران نیز در جلسات هیئت امناء شرکت می‌کنند لیکن در اصل نماینده کارگر و کارفرما نبوده و به نوعی این افراد نیز طرفدار، حامی و نماینده دولت‌اند. همچنین در بحث نظارت دیوان محاسبات بر سازمان تأمین اجتماعی از آنجا که سازمان از بودجه کل کشور استفاده نمی‌کند این دیوان نباید بر سازمان نقش نظارت داشته باشد. در بحث استقلال مالی نیز اگرچه سازمان دارای استقلال مالی است لیکن مشکل عمده‌ای که در این حوزه وجود دارد عدم پرداخت بدهی‌های دولت (سه‌م ۳ درصد) به سازمان و تحمیل قوانین بدون پیش‌بینی بار مالی آن بر سازمان می‌باشد. در مجموع نتیجه حاصل از مصاحبه نشان می‌دهد که سازمان تأمین اجتماعی از نظر اداری، دولتی و فاقد استقلال لیکن به لحاظ مالی غیردولتی و دارای استقلال است.

کلمات کلیدی: تأمین اجتماعی، دولت، استقلال اداری و مالی، شخصیت حقوقی





عنوان: امکان‌سنجی ساخت افزار هوشمند برای پایش الکترونیکی سلامت
مجری: دانشگاه صنعتی شریف

ناظر: شرکت اوزان – خانم دلیران
گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری
سال: ۱۳۹۷

چکیده:

این پروژه به بررسی تفصیلی عملکرد و ساختار سنسورهای تجاری موجود برای اندازه‌گیری پارامترهای سلامت از جمله دما، ضربان قلب و اکسیژن خون، عملکرد حرکتی و نوار قلب (ECG) می‌پردازد و تلاش می‌کند تا بررسی قیمت، عملکرد و دقت این دستگاه‌ها و همچنین قطعات شکل‌دهنده آن‌ها بپردازد. در نهایت یک جمع‌بندی در مورد ویژگی‌های لازم برای یک افزار هوشمند در داخل کشور ارائه کند.

این گزارش با استفاده از روش بررسی میدانی انجام شده است.

نتایج این گزارش نشان می‌دهد که دو محصول مچ‌بندهای MI Band ۲ و MI Band ۳ کمپانی شیائومی به لحاظ آرسی شارژ باتری، قیمت پایین، امنیت و قابلیت تنظیم حداکثر جریان این آرسی، به‌عنوان نمونه‌ای ایدئال برای این دست از محصولات معرفی شده است. همچنین استفاده از باتری‌های لیتیوم پلیمری با توجه به ظرفیت، ابعاد و کاربردشان بسیار توصیه می‌گردد. در مورد رگولاتور ولتاژ، حتماً باید از مبدل‌های Buck بهره برد. زیرا که بهینگی در مصرف باتری برای این محصولات جزو بالاترین اولویت‌ها است. TPS6۲۷۳۷ عنوان بهترین گزینه را می‌گیرد. این المان در کنار اقتصادی بودن و بهینگی، در مچ‌بندهای MI Band ۲ و MI Band ۳ کمپانی شیائومی به کار رفته است و بخش زیادی از عمر باتری این دو مچ‌بند مدیون این المان است. در مورد سایر المان‌ها مثل صفحه‌نمایش و موتور وایبره، بایستی توجه داشت که گرچه وجودشان جذابیت کار با محصول را افزایش می‌دهد ولی عمر باتری را کاهش داده و قیمت محصول را زیاد می‌کنند. این موضوع تصمیم‌گیری در موردشان را سخت می‌کند. به‌خصوص اینکه کمپانی‌های سازنده قیمت‌های متنوعی را گزارش می‌کنند که بسیار وابسته به تعداد سفارشات است. در نهایت اگر نیاز به استفاده از صفحه‌نمایش باشد، حتماً باید از تکنولوژی OLED استفاده کرد. زیرا سایر تکنولوژی‌ها مصرف باتری خیلی زیادی دارند. همچنین در مورد موتور وایبره نمونه‌هایی مثل موارد به‌کاررفته در مچ‌بندهای شیائومی (موتورهای وایبره ساخت چین) بهترین نمونه‌ها هستند.

مفاهیم کلیدی: مچ‌بند هوشمند، پایش سلامت، تشخیص ضربان قلب، گام شمار، تشخیص اکسیژن خون



**عنوان: تحلیل و بررسی اثر مؤلفه‌های بیرونی و درونی بر رفتارهای
شناختی کارکنان سازمان‌ها با استفاده از آزمایش‌های سایکوفیزیک
مجری: محمد باقر منهاج**



**گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری
سال: ۱۳۹۷**

چکیده:

این تحقیق بررسی و تحلیل رفتارهای شناختی کارکنان سازمان و ارتباط آن با عوامل محیطی می‌باشد. در این راستا از آزمون‌های روان‌شناسی شناختی برای سنجش اثر عوامل درونی و بیرونی بر رفتار کارکنان استفاده شده است و در حین پاسخ‌دهی به آزمون‌ها از افراد ثبت الکتروانسفالوگرافی صورت پذیرفته و مطالعه رفتارهای شناختی و عملکردی افراد در محیط سازمان، تأثیر سازمان بر ادراکات، احساسات و عملکرد آن‌ها، با بررسی فرآیندهای مغزی و به‌صورت تحلیلی صورت پذیرفته است.

این پژوهش بر روی تعداد چهل نفر از کارمندان سازمان تأمین اجتماعی شهر تهران انجام شده است، و داده‌ها با استفاده از روش‌های محاسباتی و پردازش سیگنال، آمار توصیفی و همبستگی پیرسون آنالیز شدند. همچنین آزمون‌ها با استفاده از سؤالات استاندارد مطابق با اصول روانشناسی و اساس‌نامه سازمان تأمین اجتماعی طراحی شدند.

نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی مسئولیت‌پذیری با درصد میانگین (۸۲/۸۱٪) و دل‌پذیری (۷۱/۱۰٪) بیشتر از سایر ویژگی‌ها در میان کارمندان سازمان مشاهده می‌شوند، که بیانگر این امر می‌باشد که افراد نسبت به انجام وظایف خود با اولویت‌بندی رفتار کرده، برآورد خواسته‌های خود را به تأخیر انداخته و در برخورد با سایر افراد احساس همدردی داشته و به آن‌ها کمک می‌کنند و از آنجایی که میانگین روان‌نژندی در حدود (۲۷/۶۰٪) قرار دارد و یک متغیر منفی است، بنابراین افراد با ثبات عاطفی معقول و سازگاری با محیط به فعالیت خود در سازمان ادامه می‌دهند. همچنین یافته‌ها نشانگر آن بود که ویژگی‌های شخصیتی و فاکتورهای جو سازمان و استرس شغلی به‌طور معناداری بر یکدیگر مؤثر هستند و فعالیت نواحی خاصی از مغز را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مفاهیم کلیدی: عوامل مؤثر بیرونی و درونی، رفتارهای شناختی، سیگنال‌های الکتروانسفالوگرام، آزمایش‌های سایکوفیزیک





عنوان: بررسی وضعیت فقر و نابرابری در ایران در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸
مجری: محدثه صف شکن

گروه: رصد و ارزیابی
سال: ۱۴۰۰

چکیده

این طرح به بررسی وضعیت فقر در استان‌های مختلف ایران می‌پردازد و تلاش کرده است تا ضمن شناخت فقرا با رویکرد درآمدی، به محرومیت از قابلیت‌های پایه که فقر چندبعدی را ایجاد نموده است، بپردازد. همچنین به سنجش فقر و نابرابری در کشور و شناسایی افراد فقیر در کل جامعه و در گروه‌های هدف همچون خانوارهای تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی، خانوارهای با سرپرست زن و خانوارهای با سرپرست سالمند می‌پردازد و خط فقر با استفاده از متدهای فقر مطلق، نسبی و چندبعدی سنجش شده و همبستگی انواع فقر در کشور و در استان‌ها بررسی و تحلیل شده است.

در این گزارش برای محاسبه فقر چندبعدی از روش آکایر و فاستر استفاده شده است. این روش که از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار است، امکان محاسبه در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، همچنین رصد افراد فقیر و مجموعه محرومیت‌های آنان در سطح خانوار را فراهم می‌کند.

نتایج این مطالعه به تفکیک استان‌های کشور ارائه شده است و برای هر استان با توجه به وضعیت خاص آن استان راهکارهایی برای کاهش فقر ارائه شده است. نتایج کلی این مطالعه نشان می‌دهد که در بخشی از جامعه ما با خانوارهایی مواجه هستیم که از نظر هر دو بعد درآمدی و چندبعدی فقیر محسوب می‌شوند، خانوارهایی که باید تحت پوشش قرار گرفته و ضمن دریافت بسته‌های حمایتی مستقیم که تأمین‌کننده حداقل نیازهای زندگی روزمره آنان است، سیاست‌هایی فقرزدایی در چارچوب قابلیت‌افزایی را نیز داشته باشند. همچنین گروهی از فقرا تنها بر اساس یکی از ابعاد فقر، فقیر شناسایی شوند که هر یک از آنها نیز نیازمند اتخاذ سیاست‌هایی مجزا هستند. خانوارهای محروم از نظر فقر درآمدی بدون فقر چندبعدی، در واقع خانوارهایی هستند که از سیاست‌های اقتصاد کلان آسیب دیده‌اند. از این رو لازم است که بازنگری در سیاست‌های طرف عرضه انجام شود تا به بهبود شرایط آنان بیانجامد. به‌طور مثال سیاست‌های پولی و مالی که به افزایش تورم و بیکاری در جامعه همراه هستند، می‌تواند به قرار گرفتن خانوارها در تله فقر منجر شود.

مفاهیم کلیدی: فقر چندبعدی، فقر مطلق، فقر مزمن، محرومیت، سیاست‌گذاری اجتماعی



عنوان: سلامت، رفاه و تأمین اجتماعی: منهای برجام

مجری: گروه نظر سنجی و افکار سنجی موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی



گروه: نظر سنجی و افکار سنجی

سال: ۱۳۹۷

چکیده:

این گزارش به پیامدهای احتمالی لغو «برجام» بر حوزه رفاه، سیاست‌گذاری و تأمین اجتماعی می‌پردازد. گزارش حاوی شش مقاله در چهار بخش می‌باشد که در بخش اول علی حسن‌زاده و ابوالقاسم پور رضا به پیامدهای برجام در حوزه سلامت، دارو و تجهیزات پزشکی می‌پردازند. در بخش دوم یاسر باقری به پیامدها در حوزه رفاه و سیاست‌گذاری می‌پردازد. در بخش سوم حسام نیکوپور و سهند ابراهیمی پورفائز به پیامدها در حوزه اقتصادی، حداقل دستمزد و بحران نقدینگی می‌پردازند و در نهایت در بخش چهارم فرشید یزدانی به پیامدهای احتمالی لغو برجام بر سازمان تأمین اجتماعی و بحران سه‌گانه، هویت، کارکرد و عملکرد در این سازمان می‌پردازد.

نتایج کلی برآمده از یادداشت‌های بالا نشان می‌دهد که با لغو برجام بحران‌هایی در حوزه‌های سلامت، تجهیزات پزشکی، اقتصاد، حوزه کار، و عملکرد و هویت سازمان تأمین اجتماعی به وجود می‌آید. در مجموع، لغو برجام از طرفی با افزایش نوسانات بازار ارز و هزینه‌های تولید به کاهش درآمدهای سازمان از محل سرمایه‌گذاری منجر خواهد شد. از طرف دیگر نیز با تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی یا خروج آن‌ها از اقتصاد رسمی، درآمدهای سازمان از محل حق بیمه‌های دریافتی بیمه‌شدگان نیز کاهش پیدا می‌کند. با کاهش مستمر نسبت پشتیبانی و نزدیک شدن صندوق بازنشستگی سازمان به سن بلوغ، در اثر تغییر ترکیب سنی جمعیت، احتمال نزدیک شدن سازمان به بحران نقدینگی رو بحران‌های حوزه سلامت و عملکرد را افزایش می‌دهد.

مفاهیم کلیدی: برجام، سازمان تأمین اجتماعی، سلامت، بحران نقدینگی، بحران هویت





عنوان: فرا تحلیل مطالعات و پژوهش‌های پیرامون رضایت سنجی و ارزیابی عملکرد مرتبط با سازمان تأمین اجتماعی مجری: ایوب سخایی

گروه: نظر سنجی و افکار سنجی
سال: ۱۳۹۷

چکیده:

این پژوهش به مرور نظام‌مند و فرا تحلیل مطالعات و پژوهش‌های انجام شده پیرامون رضایت سنجی و ارزیابی عملکرد مرتبط با سازمان تأمین اجتماعی طی دوره زمانی ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۶ می‌پردازد و تلاش می‌کند تا ویژگی‌های پژوهش‌های انجام شده در ایران در طی این دوره زمانی و همچنین عوامل مؤثر بر رضایتمندی ذینفعان سازمانی و عملکرد کاری و سازمانی را شناسایی کند. در این طرح تعداد ۸۱ سند پژوهشی (۵۹ مطالعه مرتبط با رضایتمندی ذینفعان سازمان و ۲۲ مطالعه مرتبط با عملکرد کاری و سازمانی) انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور انجام مرور نظام‌مند، به بررسی وضعیت مطالعات انجام شده از نظر معیارهای مختلف (سال انجام مطالعات، نوع مطالعات، چهره غالب آثار، جامعه آماری و محدوده جغرافیایی مطالعات انجام شده، رهیافت نظری، استراتژی و تکنیک گردآوری اطلاعات، مهم‌ترین یافته‌ها و پیشنهادات) پرداخته شده است.

در این پژوهش از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و روش فراتحلیل استفاده شده است. عمده آثار بررسی شده شامل پایان‌نامه‌های دانشگاهی می‌باشند.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در حوزه سنجش رضایت اکثریت ۶۴ درصدی از پژوهش‌ها از نوع توصیفی - همبستگی، ۲۵/۴ درصد توصیفی - تبیینی، ۶/۸ درصد توصیفی، ۱/۷ درصد تبیینی و ۱/۷ درصد علی مقایسه‌ای می‌باشند. در حوزه ارزیابی عملکرد ۳۶/۴ درصد از پژوهش‌ها از نوع توصیفی - همبستگی، ۳۱/۸ درصد توصیفی، ۱۸/۲ درصد توصیفی - تبیینی، و سه پژوهش نیز از انواع تبیینی، توصیفی - تبیینی و تفهیمی و شبه آزمایشی هستند. همچنین اکثریت ۸۶/۵۶ درصدی از پژوهش‌ها از روش پیمایشی استفاده کرده‌اند. در حوزه ارزیابی عملکرد نیز ۶۴ درصد از پژوهش‌ها از روش پیمایشی بهره برده‌اند. نتایج حاصل از فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه رضایتمندی ذینفعان سازمان هم نشان می‌دهد که «کیفیت خدمات درمانی، پاسخگویی کارکنان، وضعیت امکانات و تسهیلات» مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رضایتمندی شهروندان خدمت‌گیرنده از سازمان و «اجرای طرح پرکیس، ماهیت کار و پرداخت حقوق و دستمزد» مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رضایتمندی کارکنان سازمان بوده‌اند. شایان ذکر است با توجه به اینکه متغیرهای مورد بررسی در مطالعات عملکرد کاری و سازمانی هر کدام تنها در یک مطالعه بررسی شده بودند، فراتحلیل این متغیرها به منظور گزارش اندازه اثر ارائه نشده است.

مفاهیم کلیدی: سازمان تأمین اجتماعی، ارزیابی عملکرد، رضایتمندی، پژوهش، رفاه



**عنوان: بررسی و پژوهش اصلاحات قانون تأمین اجتماعی و
بازنشستگی در روسیه
مجری: جعفر خاشع**



**گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۷**

چکیده:

نظام بازنشستگی روسیه با چالش‌های مختلفی از جمله چالش تأمین مالی روبه‌رو است. دولت برای پاسخگویی به چالش‌های پیش رو طرح جدیدی را طرح و تصویب نموده است. طرح بازنشستگی قبلی روسیه به ارائه پوشش‌های مزایای معین (DB) می‌پرداخت که بدهی عمده‌ای برای دولت ایجاد نموده و در چشم‌انداز ده سال آینده فشارهای زیاد مالی را به بودجه ملی روسیه تحمیل می‌نمود. این مسئله دولتمردان را به تلاش جهت اصلاح سیستم بازنشستگی و جلوگیری از بحران وادار نموده است. پژوهش حاضر به مسئله چالش‌های نظام بازنشستگی روسیه، اصلاحات ایجاد شده و پیامدهای سیاسی اجتماعی این اصلاحات می‌پردازد و تلاش می‌کند تا اطلاعاتی در مورد چالش‌های سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی روسیه و راهکارها و سیاست‌هایی دولت روسیه برای مقابله با این چالش‌ها ارائه کند.

این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که دولت روسیه در برابر چالش تأمین مالی مستمری بازنشستگان از بین گزینه‌های متعدد افزایش سن بازنشستگی را انتخاب نموده و با یک استراتژی چندمرحله‌ای توانست این لایحه را به قانون تبدیل نماید و از سال ۲۰۱۹ اجرا کند. به دلیل اصلاحات جزئی انجام شده در لایحه اولیه، تسلط نیروهای امنیتی بر اوضاع جامعه و نبود رهبر مورد وثوق مردم این اعتراضات از سطح شهرها جمع شد و پایان یافت. اما این اعتراضات در ذهن تک‌تک شهروندان روسی نقش بسته به‌ویژه به دلیل ارتباط برقرار نمودن بین چالش‌های با ناکارآمدی سیستم و فساد سیاسی - اقتصادی موجود در آن پایدار خواهد ماند و با بروز کوچک‌ترین فرصت دوباره این اعتراضات به سطح جامعه بر خواهد گشت. با ارزیابی تصمیم دولت روسیه در زمینه اصلاح نظام بیمه و افزایش سن بازنشستگی در این کشور که واکنش شدید مردم روسیه را به دنبال داشت، به این نتیجه می‌رسیم که ضرورت دارد اصلاحات در این زمینه حساب‌شده و به‌صورت گام‌به‌گام و مرحله‌ای در ایران انجام شود تا افرادی که نزدیک به سن بازنشستگی هستند، احساس نکنند که دولت در حق آن‌ها بی‌عدالتی و ظلم کرده و آن‌ها از این تصمیمات متضرر شده‌اند.

مفاهیم کلیدی: نظام تأمین اجتماعی روسیه، صندوق‌های بازنشستگی، اصلاحات چندمرحله‌ای





عنوان: ارزیابی خدمات سازمان تأمین اجتماعی - بیمه
از کارافتادگی در ایران
مجری: حمیدرضا هندی

گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۷

چکیده:

این پژوهش به ارزیابی وضعیت فعلی بیمه از کارافتادگی در ایران و شناسایی بهترین ساختار ارائه خدمات تأمین اجتماعی در زمینه بیمه از کارافتادگی با توجه به تجربیات کشورهای منتخب می‌پردازد و تلاش می‌کند به دو پرسش اساسی پاسخ گوید: اول اینکه وضعیت بیمه از کارافتادگی در ایران از ابتدای پیدایش تا زمان حال چگونه هستند؟ و دوم اینکه برای بهبود برنامه‌های بیمه از کارافتادگی و اثربخشی آن در ایران چه اقدامات و مداخلاتی می‌توان صورت داد؟ همچنین تلاش می‌کند تا با اتکا به سازوکار بیمه از کارافتادگی در ایران و کشورهای منتخب جهان، به لحاظ بررسی تاریخ، ادبیات و آمار و ارقام بپردازد.

این گزارش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شده است.

بر اساس دستاوردهای این پژوهش اکثر برنامه‌های بیمه از کارافتادگی در جهان، افرادی را از کارافتاده کلی (اعم از ناشی از کار یا غیر ناشی از کار) قلمداد می‌کنند که به میزان حداقل دوسوم از ظرفیت و توان کاری خویش را از دست داده باشند و این از دست دادن برای همیشه ادامه داشته باشد. همچنین در بسیاری از کشورهای جهان، نحوه محاسبه میزان مزایای از کارافتادگی غیر ناشی از کار بسیار شبیه به نحوه محاسبه مزایای افراد بازنشسته می‌باشد، چراکه در بسیاری از کشورها بازنشستگی نیز نوعی از کارافتادگی (بر اثر کهولت سن) محسوب می‌شود. مزایا برای از کارافتادگی جزئی دائمی، در اکثر کشورها تنها برای از کارافتادگی‌های ناشی از کار پرداخت می‌شود، اما کشورهای معدودی وجود دارند که به از کارافتادگی جزئی غیر ناشی از کار نیز مزایا می‌پردازند. در بیشتر کشورهای دنیا، از کارافتادگی ناشی از کار نیاز به هیچ شرطی برای احراز از کارافتادگی و برخورداری از مزایا ندارد، این در حالی است که از کارافتادگی غیر ناشی از کار نیاز به شروطی از جمله سابقه پرداخت حق بیمه مشخص دارد.

مفاهیم کلیدی: بیمه‌های اجتماعی، از کارافتادگی ناشی از کار، از کارافتادگی غیر ناشی از کار، تأمین اجتماعی

عنوان: تصویری از وضعیت موجود سازمان تأمین اجتماعی
مجری: مطالعات اجتماعی و فرهنگی



گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۷

چکیده:

در این مطالعه عملکرد سازمان تأمین اجتماعی در حوزه‌های مختلف فعالیتی مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا در ابتدا وظایف و تکالیف سازمان حسب اسناد بالادستی مانند قانون اساسی، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، قانون برنامه ششم و قانون تأمین اجتماعی کشور بحث شده که بر اساس آن سازمان تأمین اجتماعی یک سازمان بیمه‌گر اجتماعی است و وظیفه اصلی این سازمان، اجرا و تعمیم و گسترش انواع بیمه‌های اجتماعی و استقرار نظام هماهنگ و متناسب با برنامه‌های تأمین اجتماعی کشور است. در ادامه به بررسی عملکرد سازمان در حوزه‌های بیمه‌ای، درمان و سرمایه‌گذاری پرداخته شده است.

این طرح با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌های موجود انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان‌دهنده افزایش ۲۰۴ هزار نفری تعداد بیمه‌شدگان در سال ۱۳۹۶ (رشد ۱,۴ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۵)، افزایش ۱۹۰ هزار نفری تعداد مستمری‌بگیران سازمان در سال ۱۳۹۶ (رشد ۷,۵ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۵)، افزایش ۸,۲ هزار نفری مقرر بگیریان بیمه بیکاری در سال ۱۳۹۶ (رشد ۴ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۵) و افزایش ۲۰۴۸۶ کارگاه‌های فعال در سال ۱۳۹۶ نسبت به ۱۳۹۵ (افزایش ۱,۷ درصدی) است. همچنین پیشرفت‌هایی در زمینه توسعه دولت الکترونیک و هوشمند سازی اداری مانند راه‌اندازی پورتال بازرسی الکترونیک، ایجاد و توسعه طرح نام‌نویسی متمرکز کارگاه، صدور کارت بازرگانی الکترونیک، توسعه پرونده الکترونیک فنی بیمه‌شدگان، راه‌اندازی سامانه مشاهده سوابق برای بیمه‌شدگان، امکان مشاهده ریز و مجموع سوابق به تفکیک سال، ماه و روز و استعلام استحقاق درمان از طریق اپلیکیشن موبایل با عنوان "تأمین اجتماعی همراه"، ایجاد سیستم مدیریت راهبری حساب کاربری و دریافت اطلاعاتی نظیر شماره تلفن همراه و ایمیل، طراحی و راه‌اندازی سیستم متمرکز تعهدات کوتاه‌مدت و توسعه وب سرویس بیمه بیکاری انجام گرفته است.

مفاهیم کلیدی: سازمان تأمین اجتماعی، بیمه‌شدگان، ذینفعان، پرونده الکترونیک، قانون تأمین اجتماعی





**عنوان: تحلیل نگرش سیاست‌گذاران در حوزه اصلاحات صندوق‌های
بازنشستگی (اقتصاد سیاسی سازمان تأمین اجتماعی در جمهوری اسلامی)
مجری: بهمن احمدی اموی**

**گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۷**

چکیده:

این طرح به تفاوت نگرش‌ها و برنامه‌های سیاستمداران و کارشناسان در حوزه تأمین اجتماعی و اثرگذاری هر کدام از آن‌ها بر وضعیت فعلی و آینده سازمان می‌پردازد. در واقع به این پرسش می‌پردازد که سرانجام صندوق‌های حمایتی و مشخصاً تأمین اجتماعی در چالش بین وسوسه‌های یک سیاستمدار و دغدغه‌های یک کارشناس چه می‌شود؟ و در عمل کدام یک بر دیگری ترجیح داده شده و چرا؟ برای پاسخگویی به این پرسش تلاش شده است تا عوامل مؤثر بر ساختار فکری مدیران و تصمیم‌سازان سازمان تأمین اجتماعی، گرایش‌های اجتماعی و سیاسی آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

در این پژوهش از روش کیفی مصاحبه عمیق با کارشناسان و سیاستمداران استفاده شده است.

بر اساس دستاوردهای این پژوهش نگاه مقامات سیاسی، اقتصادی و تصمیم‌گیر جمهوری اسلامی در مواجهه با صندوق‌های حمایتی و مشخصاً سازمان تأمین اجتماعی، یک نگاه برآمده از باقی ساختار اقتصاد سیاسی بوده است. منبع و محل مالی بزرگ و قابل‌اتکایی که می‌تواند با استفاده از آن بحران‌های ناشی از سوءمدیریت و ناکارآمدی و همچنین هزینه طرح‌های بلند پروازانه سیاسی، اقتصادی و پوپولیستی را تأمین کرد. همانند همان نوع نگاهی که به منبع ظاهراً پایان‌ناپذیر نفت دارند. هرچند به نظر می‌رسد هنوز برای سیاستمداران به‌خوبی روشن نشده که عمق و عظمت مشکلات ناشی از بحران پیش رو صندوق‌های تأمین اجتماعی و دیگر صندوق‌های حمایتی به چه میزان است. باین‌همه هر چه به از بین رفتن منابع قابل‌اتکا بیشتر نزدیک می‌شویم، جایگاه کارشناسان پررنگ‌تر خواهد شد. غارت‌گری، مال خودسازی منابع عمومی و توزیع رانت‌های نهفته در این فرایند به همراه عدم شفافیت و ملزم ندانستن خود به پاسخگویی مهم‌ترین معضلات این نوع نگاه است که کنار زدن پرده‌های چندلایه این نمایش بسیار پرهزینه، زمان‌بر و دشوار می‌نماید.

مفاهیم کلیدی: تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی، سیاست‌گذاران، کارشناسان



عنوان: برنامه جامع سالمندی تأمین اجتماعی
مجری: گروه مطالعات اجتماعی و فرهنگی



گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی

سال: ۱۳۹۷

چکیده:

این پژوهش به مسئله سالمندی و چالش‌های آن برای سازمان تأمین اجتماعی می‌پردازد و در پی آن است با شناسایی چالش‌ها و مشکلات فعلی و آینده سالمندان راهکارهایی برای مدیریت هرچه بهتر وضعیت سالمندان و مواجهه با چالش‌های آتی این حوزه، در قالب سند جامع سالمندی ارائه کند. این پژوهش ابتدا به تعریف سالمندی و ویژگی‌های جسمی و روحی این دوره از زندگی می‌پردازد و سپس به هزینه‌های سالمندی و بهداشتی می‌پردازد. سپس به تجربه جهانی و چالش‌های پیش روی کشورهای مختلف در حوزه سالمندی، چارچوب‌های سیاستی و حقوق بین‌الملل، چالش‌های تدوین خط‌مشی‌ها و برنامه‌های جهانی و تجارب خاص کشورها برای مقابله با چالش‌های دوره سالمندی می‌پردازد. سپس به وضعیت موجود چالش سالمندی و برنامه‌های سازمان تأمین اجتماعی می‌پردازد و در نهایت بر ضرورت تدوین سند جامع سالمندی و ارائه چارچوب تدوین این سند می‌پردازد.

این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد با توجه به روند سالمندی جمعیت در همه کشورهای جهان و به تبع آن افزایش هزینه‌های صندوق‌های بازنشستگی به نظر می‌رسد که تقریباً تمام کشورهای جهان در فرایند اصلاح سیستم‌های بازنشستگی وارد شده‌اند اما انگیزه اصلاحات و روش‌های خاص انجام آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در واقع با افزایش تعداد مستمری‌بگیران مخارج سیستم افزایش می‌یابد و همزمان درآمدها و تعداد افرادی که به سیستم حق بیمه می‌پردازند کاهش می‌یابد. این فرایند جمعیتی محصول مشترک دو پدیده متفاوت اما کاملاً مرتبط کاهش نرخ زادوولد و افزایش امید به زندگی است. مطالعات اولیه در کشور از ابعاد چالش‌ها و مخاطرات بسیار جدی حکایت می‌کند که نظام بازنشستگی ایران را تهدید می‌نماید. پیامدهای این مخاطرات در صورتی که اهتمام جدی برای مقابله با آن‌ها از هم‌اکنون به کار گرفته نشود به ریسک‌های مهم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منجر خواهد شد. در حال حاضر عدم توازن آشکاری در روند منابع و مصارف صندوق‌های بازنشستگی کشور دیده می‌شود. عدم تناسب شاخص‌های اساسی این سیستم‌ها نسبت به سطوح استاندارد نشان از عمق مشکلات صندوق‌های بازنشستگی دارد. بنابراین نیاز به اصلاحات اساسی صندوق‌های بازنشستگی در کشور ضروری به نظر می‌رسد.

مفاهیم کلیدی: اصلاحات صندوق‌های بازنشستگی، سالمندی، نظام‌های بیمه‌ای،





عنوان: مروری بر آثار مطالعاتی مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی

مجری: مریم پور میر غفاری و مهشید شهیدی

گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی

سال: ۱۳۹۷

چکیده:

این پژوهش به مرور نظام‌مند ۲۲۷ طرح پژوهشی مؤسسه پژوهش عالی تأمین اجتماعی و با هدف توصیف و طبقه‌بندی ویژگی‌ها و دستاوردهای آن‌ها می‌پردازد. سؤال اصلی این پژوهش این است که مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در این مؤسسه به چه مسائلی و چگونه پرداخته‌اند و چه نتایجی به دست آورده‌اند.

جهت پاسخگویی به این سؤال ابتدا با مطالعه طرح‌ها، ویژگی‌های روشی، محتوایی و نظری آن‌ها را اعم از گروه پژوهشی، عنوان، نویسنده/ نویسندگان، سال انتشار، محدوده جغرافیایی، کلمات کلیدی، چکیده، روش پژوهش (کمی، کیفی)، تکنیک پژوهش، تکنیک جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات، سؤال پژوهش، رویکرد نظری یا مفهومی، جامعه آماری، تعداد نمونه، روش نمونه‌گیری استخراج و طبقه‌بندی و سپس با گرفتن درصد فراوانی هریک از این ویژگی‌ها به توصیف طرح‌ها پرداخته شده است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که طرح‌های پژوهشی بیشتر در گروه اجتماعی و فرهنگی نگاشته شده و از حیث نوع پژوهش بیشتر کاربردی، توصیفی و اکتشافی هستند. از این میان مطالعات «مروری، حقوقی»، «ارزشیابی: ارزیابی عملکرد، ارزیابی تأثیرات» و «نظرسنجی و رضایت‌سنجی» به ترتیب بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. بالغ‌بر ۵۴ درصد از محتواهای پژوهشی مؤسسه بین سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ تولید شده است. بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته متعلق به سال ۱۳۷۷ می‌باشد، از حیث روش نیز بیش از نیمی از طرح‌ها از روش کیفی بهره گرفته‌اند و باقی روش کمی و یا تلفیق این دو. از حیث تکنیک پژوهش تکنیک‌های «اسنادی» و «پیمایش» به ترتیب بیشترین تکرار را داشته‌اند و «مراجعه به اسناد» و «استفاده از پرسشنامه» دو تکنیک برتر در جمع‌آوری اطلاعات بوده‌اند. اکثر پژوهش‌های صورت گرفته تنها از آماره‌های توصیفی مانند جداول فراوانی، انحراف معیار، میانگین و غیره برای تحلیل استفاده کرده‌اند. بررسی جامعه آماری پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها بر روی سه گروه انجام شده «بیمه‌شدگان»، «مدیران و کارمندان و سازمانی» و «اسناد، مدارک و پرونده‌ها» است.

مفاهیم کلیدی: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، طرح‌های پژوهشی، فراتحلیل



عنوان: پژوهش اکتشافی سیمای رفاه و تأمین اجتماعی کشورهای جهان (نمونه‌های آلمان، ترکیه و اتیوپی)
مجری: امیرحسین غلامپور



گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۷

چکیده:

در این مطالعه سیمای رفاهی بیشتر کشورهای دارای شاخص‌های توسعه‌ای بالا و بسیار بالا به‌طرزی جامع و زمینه‌مند مورد مقایسه قرار گرفته است. در این مطالعه سه کشور آلمان، ترکیه و اتیوپی (سه کشور از سه گروه درآمدی بالا، متوسط و پایین برحسب شاخص سرانه درآمد ملی) را به‌طور موردی بررسی شده است و تلاش شده است تا شناخت نسبتاً مفصل و جامعی از وضعیت رفاهی این سه کشور از لحاظ نوع خدمات ارائه‌شده در حوزه‌های مختلف رفاه و تأمین اجتماعی، نظام بازنشستگی و بیمه‌های اجتماعی، نظام و بیمه‌های سلامت، شرایط برخورداری از خدمات رفاهی یادشده، نهادهای ارائه‌کننده خدمات، شیوه تأمین مالی، نقش و جایگاه دولت در این موارد، تحولات حوزه سیاست‌گذاری در این عرصه، ضعف‌ها و مشکلات موجود در نظام رفاهی، سیاست‌های فقرزدایی و... ارائه شود.

این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

در این پژوهش مواردی از جمله تاریخچه رفاه اجتماعی در کشورهای موردبررسی، نیروی کار و نرخ بیکاری، رویکرد اقتصادی حاکم، تغییرات مهم اقتصادی و سیاسی کشور، شیوه‌های مداخله دولت در حوزه رفاهی، سیاست‌گذاری در دیگر حوزه‌های اجتماعی مانند مسکن، آموزش و اشتغال، سیاست‌های فقرزدایی، شدت و میزان فقر، افراد تحت پوشش خدمات رفاهی و شرایط برخورداری از خدمات، نظام بازنشستگی و صندوق‌های بیمه، میزان افراد تحت پوشش انواع بیمه‌ها، معرفی انواع خدمات ارائه شده، شیوه‌های تأمین مالی و نقاط ضعف و قوت نظام بیمه‌ای غالب این کشورها موردبحث قرار گرفته است.

مفاهیم کلیدی: رفاه اجتماعی، نظام بیمه‌ای، آلمان، ترکیه، اتیوپی





عنوان: ارزیابی خدمات سازمان تأمین اجتماعی - غرامت دستمزد مجری: خیام عزیزی مهر

گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۷

چکیده:

این پژوهش به ارزیابی خدمات غرامت دستمزد ایام بیماری در ایران، به‌عنوان یکی از خدماتی که از سوی سازمان تأمین اجتماعی به بیمه‌شدگان ارائه می‌شود، پرداخته است و تلاش کرده است تا وضعیت کمی و کیفی ارائه خدمات غرامت دستمزد ایام بیماری در ایران را بررسی کند و راهکارهایی برای ارتقا و بهبود آن‌ها ارائه کند. برای این کار ابتدا تصویری از وضعیت غرامت دستمزد ایام بیماری در ایران ارائه شده و دگرگونی تاریخی این خدمات در آیین‌ها قوانین و مقررات و هم وضعیت کنونی آن‌ها توضیح داده شد. پس از آن وضعیت غرامت دستمزد در ۹ کشور انتخابی بررسی شده است تا بتوان از تجارب آن‌ها در بهبود شرایط این خدمات در ایران استفاده کرد. درنهایت یافته‌های حاصل از مصاحبه با کارشناسان و کارکنان این حوزه و مشمولان غرامت دستمزد ارائه شد که چالش‌های وضعیت کنونی خدمات غرامت دستمزد در ایران و راهکارهایی برای بهبود آن‌ها را نشان دادند. این پژوهش با استفاده از دو روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و مصاحبه عمیق با کارشناسان انجام شده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شیوه کنونی ارائه خدمات غرامت دستمزد با چالش‌های مختلفی روبه‌رو است که هم می‌توانند کارآمدی این خدمات را کاهش دهند و هم سبب ایجاد نارضایتی در میان بیمه‌شدگان شود. چالش‌هایی مانند طولانی شدن فرایند رسیدگی به پرونده‌ها و پرداختی‌ها؛ عدم آگاهی بیمه‌شدگان از قوانین و مقررات که سبب ایجاد سردرگمی در تشکیل و پیگیری پرونده‌ها می‌شود؛ عدم آموزش کافی کارکنان برای استفاده از نرم‌افزار جدید مربوط به ارائه خدمات؛ وقوع برخی خطاها در ثبت داده‌ها و در نتیجه دشوارتر شدن فرایند رسیدگی به پرونده‌ها؛ مشکلات مربوط به استعلام وضعیت؛ کمبود نیروی کار نسبت به حجم کارهای این بخش؛ ناکافی بودن تعداد شعبه‌های رسیدگی‌کننده که هم سبب کندی بررسی پرونده‌ها و هم ایجاد زحمت برای بیمه‌شدگان. دسته‌ای دیگر از مسائل نیز وجود دارد که ناشی از عملکرد کارفرمایان است مانند: برخی خطاها و اشکالات در لیست‌های ارسالی از سوی کارفرما به تأمین اجتماعی و شعبه‌های آن؛ احتمال اخراج مشمولین غرامت دستمزد و نیز در مواردی که بازگشت به کار مشمولین سریع رخ می‌دهد، با توجه به طولانی بودن فرایند رسیدگی پرونده، فرد مشمول برای پیگیری کارها لازم است که از مرخصی استفاده کنند و کارفرما با آن مخالفت کند. مجموع این چالش‌ها هم نارضایتی مشمولان را افزایش داده و هم در پاره‌ای موارد اعتماد آن‌ها به سازمان تأمین اجتماعی را خدشه‌دار کرده است.

مفاهیم کلیدی: غرامت دستمزد، سازمان تأمین اجتماعی، بیمه‌شدگان، کارفرما، کارگر، بازگشت به کار

**عنوان: ارزشیابی خدمات تأمین اجتماعی در ایران (مورد مطالعه):
بیمه حوادث حین کار)
مجری: زهرا فرضی زاده**



**گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۷**

چکیده:

این طرح به ارزشیابی بیمه حوادث حین کار به عنوان یکی از خدمات تأمین اجتماعی در ایران پرداخته است. طرح پس از مروری بر قوانین برخی کشورهای پیشگام و مقایسه آنها با قوانین ایران به شناسایی انواع خلاءها و ضعفها در خصوص بیمه حوادث حین کار و همچنین مقوله پیشگیری و ارتباط مهم آن با حوادث ناشی از کار پرداخته است.

این پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های کیفی و نیمه سازمان یافته عمیق و روش تحلیل موضوعی انجام گرفته است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، برخی خلأها و ضعفها در زمینه بیمه حوادث حین کار عبارت بود از: سهل‌انگاری و تأخیر کارفرما در پرداخت حق بیمه کارگران و تحویل به موقع لیست (که موجب محرومیت کارگر از مستمری از کارافتادگی می‌شود)؛ نبود نماینده غیر وابسته به سازمان تأمین اجتماعی در کمیسیون پزشکی برای پیگیری منافع و مطالبات از کارافتاده‌ها؛ عدم کفایت غرامت نقص عضو، مستمری از کارافتادگی جزئی، مستمری از کارافتادگی کلی برای گذران زندگی؛ عدم تناسب خدمات ارائه شده و حادثه؛ وجود فاصله زمانی طولانی بین زمان شروع از کارافتادگی تا زمان برقراری مستمری از کارافتادگی؛ عدم امکان اشتغال افراد دریافت کننده غرامت نقص عضو و مستمری از کارافتادگی جزئی به دلایل مختلف و نبود مرجعی برای رسیدگی به وضعیت اشتغال آنها متناسب با توانایی جسمی فعلی؛ ناعادلانه بودن میزان مستمری پرداختی به افراد از کارافتاده نزدیک به ۶۶ درصد و افراد از کارافتاده ۶۶ درصد و بیشتر؛ عدم حمایت تأمین اجتماعی از کارگران حادثه دیده در حین تعمیرات جزئی ساختمان (بعد از گذشت تاریخ پایان کار ساختمان)؛ فرار بیمه‌ای کارفرما؛ عدم اطلاع رسانی به موقع کارفرما به سازمان تأمین اجتماعی در خصوص وقوع حادثه ناشی از کار؛ عدم مطالبه و پیگیری حقوق از سوی کارگر حادثه دیده به دلیل ترس، نگرانی از اخراج و بیکاری؛ و وجود اشکالاتی در نحوه تشخیص و احراز نوع از کارافتادگی و تعیین میزان مستمری.

مفاهیم کلیدی: حوادث حین کار، پیشگیری، توانمندسازی، مستمری از کارافتادگی





عنوان: سنجش و پایش میزان رضایتمندی و رعایت حقوق مشتری
در سازمان تأمین اجتماعی
مجری: علی اکبر تاج مزینانی

گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۷

چکیده:

این طرح به سنجش و پایش میزان رضایتمندی و رعایت حقوق مشتری در سازمان تأمین اجتماعی و با عطف به عرصه‌های خدمت‌رسانی سازمانی، عملکردها و رویکردها در سازمان تأمین اجتماعی پرداخته است. در این پژوهش تلاش شده است تا میزان و نحوه رضایتمندی در سه گروه اصلی مخاطب خدمات سازمان تأمین اجتماعی شامل مستمري‌بگیران، بیمه‌شدگان و کارفرمایان با رویکردی ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی مورد بررسی قرار گیرد.

در این پژوهش از روش ترکیبی (آمیخته) با رویکرد «متوالی اکتشافی» استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا داده‌های کیفی و سپس داده‌های کمی جمع‌آوری و تحلیل شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها مرتبط بوده و ترکیب در مرحله تفسیر و بحث انجام شده است. در این پژوهش در مجموع با ۱۸۰ نفر و در ۹ استان و شرق تهران، غرب تهران و شهرستان‌های تهران مصاحبه انجام شده است.

یافته‌های پیمایش مستمري‌بگیران نشان می‌دهد که بیشتر افراد (۵۸ درصد) نگرشی بینابین نسبت به سازمان داشته‌اند. با این حال ۲۵/۵ درصد افراد نگرشی مثبت نسبت به سازمان و خدمات آن دارند. در طرف مقابل نیز ۱۶/۵ درصد افراد قرار هستند که در پاسخ‌هایشان نگرش منفی نسبت به سازمان را بیان کرده‌اند. همچنین، نتایج حاکی از آن است که از بین متغیرهای مستقل وارد شده در تحلیل رگرسیون، تنها سه متغیر "میزان رضایت از خدمات فیزیکی شعب"، "میزان رضایت از رفتار پرسنل" و نیز "میزان رضایت از خدمات درمانی سازمان" تأثیر معنی‌داری بر نگرش نسبت به سازمان تأمین اجتماعی داشته‌اند.

مفاهیم کلیدی: رضایت سنجی، حقوق مشتری، سازمان تأمین اجتماعی



عنوان: بررسی و تحلیل تعاریف موضوع بند ن تبصره ۵ بودجه
سال ۱۳۹۷

مجری: حسن خوشپور



گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری
سال: ۱۳۹۷

چکیده:

دولت برای تأدیه بخشی از بدهی‌های خود به سازمان تأمین اجتماعی، بند (ن) تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ را به تصویب رسانده است. بند (ن) تبصره ۵ در مراحل تصویب قانون و از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در قانون قرار گرفته و در لایحه وجود نداشته و از این رو در نهادهای دولت به صورت کارشناسی تجزیه و تحلیل نشده است. در این طرح امکان‌پذیری اجرای بند (ن)، صرفه و صلاح سازمان تأمین اجتماعی از اجرای این بند قانونی و آثار مالی، اقتصادی و مدیریتی تهاتر ۵۰۰,۰۰۰ میلیارد ریال دارایی‌های مشخص شده در بند (ن)، برای سازمان تأمین اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است.

این طرح با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مفاد بند (ن) تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ از پشتوانه کارشناسی برخوردار نیست و برای اجرا نیز دارای مشکلات بسیاری است و همین امر باعث می‌شود تا با پایان سال مالی ۱۳۹۷ اعتبار این بند نیز به اتمام برسد. هیچ‌گونه ارتباط معناداری هم بین رقم ۵۰۰,۰۰۰ میلیارد ریال با ارزش دارایی‌ها و منافع نام برده شده در متن بند (ن) هم وجود ندارد. تنها نقطه قوت بند (ن)، طرح آن در متن قانون است که زمینه طرح مسائل مهم‌تری را فراهم می‌کند.

مفاهیم کلیدی: تأمین اجتماعی، تأدیه بدهی‌ها، بند (ن) تبصره ۵ قانون بودجه





عنوان: تعیین سهم عوامل تولید با استفاده از الگوی داده-ستانده مجری: حسن طائی

گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری سال: ۱۳۹۷

چکیده:

در این پژوهش سعی شده است با استفاده از جداول داده-ستانده در سال‌های مختلف سهم عامل نیروی کار از ارزش‌افزوده که خود به دو بخش سهم نیروی کار خویش‌فرما از ارزش‌افزوده و سهم نیروی کار (آزاد و حقوق‌بگیر) از ارزش‌افزوده تقسیم می‌شود و سهم عامل سرمایه از ارزش‌افزوده برای بخش‌های مختلف اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد.

این طرح با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. همچنین از جداول متقارن فعالیت در فعالیت سال ۱۳۸۰ مرکز آمار ایران که با استفاده از جداول ساخت و جذب مرکز آمار محاسبه شده و نیز جدول فعالیت در فعالیت به هنگام شده سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران و دو جدول متقارن داده-ستانده بانک مرکزی مربوط به سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳ استفاده شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در رابطه با اقتصاد ایران، بر اساس جداول داده-ستانده و نیز در قالب الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی برای سه سال ۱۳۸۱، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۱، هر دو رویکرد نتایج مشابهی را حاصل کرده‌اند. در سال ۱۳۸۱ سهم نیروی کارمزد و حقوق‌بگیر (نسبت جبران خدمات کارکنان به ارزش‌افزوده) ۲۰/۲۶٪ سهم نیروی کار خویش‌فرما (نسبت درآمد مختلط) به ارزش‌افزوده ۲۴/۲۴٪ سهم کل نیروی کار (جمع سهم نیروی کار حقوق‌بگیر و سهم نیروی کار خویش‌فرما) ۴۵/۵٪ و در نهایت سهم عامل سرمایه (نسبت مازاد عملیاتی ناخالص به ارزش‌افزوده) ۵۴/۶۶٪ از ارزش‌افزوده کل اقتصاد، در سال ۱۳۸۵ این سهم‌ها به ترتیب برابر ۱۸/۶۸٪، ۲۴/۲۲٪، ۴۲/۹٪ و ۵۷/۱۹٪ است. در سال ۱۳۹۱ نیز سهم نیروی کارمزد و حقوق‌بگیر، سهم نیروی کار خویش‌فرما و سهم نیروی کار کل به ترتیب برابر ۱۹/۱۸٪، ۲۴/۳۶٪، ۴۳/۴۴٪ سهم عامل سرمایه ۵۵/۰۳٪ از ارزش‌افزوده کل اقتصاد می‌باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش همچنین مشاهده می‌شود که از ابتدای دهه ۸۰ تا اواخر این دهه یعنی سال ۱۳۹۱، سهم نیروی کار از ارزش‌افزوده کاهش یافته و سهم سرمایه از ارزش‌افزوده در حدود ۰/۳۷٪ افزایش را نشان می‌دهد.

مفاهیم کلیدی: عوامل تولید، کارگر، سرمایه، داده-ستانده

عنوان: مالیات اجتماعی در ایران و مقایسه با کشورهای منتخب
مجری: صالح قویدل



گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری
سال: ۱۳۹۷

چکیده:

این طرح به بررسی وضعیت مالیات اجتماعی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا مالیات اجتماعی و ابعاد آن در ایران را مورد تحلیل قرار دهد و نتایج آن را با مالیات اجتماعی در دیگر کشورهای جهان مقایسه کند. با استفاده از شواهد سایر کشورها نشان می‌دهد که بخشی از مالیات اجتماعی از طریق تأمین اجتماعی باید به زیان‌های اجتماعی اختصاص یابد. برای این منظور با بهره‌گیری از تجربه سایر کشورها میزان مالیات اجتماعی در ایران برآورد و با سایر کشورهای منتخب مقایسه شده است.

این طرح با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل آماری داده‌های موجود انجام گرفته است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در ایران تقریباً مالیات بر عایدی سرمایه وجود ندارد. مالیات بر نقل و انتقال املاک، سهام و سرقفلی (موضوع ماده ۵۲، ۶۴، و ۵۹ ق.م.م) تنها مالیاتی است که می‌توان تا حدودی جایگزین مالیات بر عایدی سرمایه نامید. درآمد مالیاتی حاصل از این قانون بسیار ناچیز و قابل مقایسه با میزان مالیات بر عایدی سرمایه نیست. مالیات بر عایدی سرمایه‌های غیرمولد نیز یک نوع مالیات اجتماعی است. در این زمینه هم آمار دقیق از میزان سرمایه غیرمولد در ایران وجود ندارد. بر اساس گزارش‌های غیررسمی، میزان طلا و جواهر نزد خانواده‌های ایرانی حدود ۱۰۰ تن است (رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان طلا و جواهر ایران-۱۳۹۳). آمارهای موجود در خصوص املاک افراد که برای سرمایه‌گذاری نگه می‌دارند یا میزان ارزهای خارجی نزد خانواده‌ها مشخص نیست. در هر حال یکی از تفاوت‌های اساسی اقتصاد ایران با کشورهای دیگر وجود سرمایه‌های غیرمولد و سرمایه‌گذاری ایرانیان در دارایی‌های غیرمولد است. بر اساس تجربیات کشورهای دیگر پیشنهاد می‌شود در مرحله اول در ایران برای اعمال مالیات اجتماعی ابتدا باید میزان دارایی‌های غیرمولد برآورد شود. در مرحله دوم نیاز به یک سیستمی است که دارایی‌های مولد از غیرمولد تشخیص دهد. مرحله سوم سیستم اخذ مالیات است که باید توسط کارشناسان طراحی شود. این سیستم مالیاتی شامل تعیین نرخ مالیات بر عایدی سرمایه، تعیین نظام مالیاتی اعم از تحقیقی یا تعهدی برای هر یک از سه نوع دارایی مذکور می‌باشد.

مفاهیم کلیدی: سرمایه مولد، سرمایه غیر مولد، مالیات اجتماعی، مالیات بر عایدی سرمایه





**عنوان: محاسبه هزینه اقامت (هتلینگ) در بیمارستان میلاد
تهران در سال ۱۳۹۵**
مجری: علی ابوترابی

گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت

سال: ۱۳۹۷

چکیده:

این پژوهش به محاسبه هزینه اقامت (هتلینگ) در بیمارستان میلاد تهران در سال ۱۳۹۵ می‌پردازد. برای این کار هزینه‌های اقامت، هزینه و درآمد بخش‌های پاراکلینیک بیمارستان و متوسط هزینه K جراحی را محاسبه و به مقایسه نسبت هزینه و درآمد کل بیمارستان بر اساس دو سناریوی تعرفه دولتی و عمومی غیردولتی پرداخته است.

این مطالعه از نوع توصیفی و گذشته‌نگر می‌باشد. در این مطالعه به منظور محاسبه هزینه تمام‌شده خدمات هتلینگ (هزینه اقامت) بیمارستان میلاد در سال ۱۳۹۵، با استفاده از آمار و اطلاعات عملکردی و مالی بیمارستان سعی شده است که هزینه تمام‌شده هر یک از مراکز مسئولیت بیمارستان تعیین و در نهایت هزینه تمام‌شده محصولات نهایی بیمارستان تعیین شود. به همین منظور از سیستم هزینه‌یابی جذبی و به روش مرحله‌ای، شناسایی هزینه‌ها و تخصیص آن‌ها به مراکز مسئولیت صورت گرفته است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد در سال ۹۵ درآمدهای بیمارستان مورد مطالعه تأمین‌کننده هزینه‌های آن بوده است. لازم به ذکر است که درآمدهای بیمارستان به صورت خالص و پس از انجام ممیزی و اعمال کسور بیمه‌ای سازمان‌های بیمه‌گر طرف قرارداد در نظر گرفته شده است. با مقایسه هزینه تمام شده هتلینگ بیمارستان با تعرفه‌های مصوب در بخش‌های دولتی و عمومی غیردولتی مشاهده می‌شود که تعرفه‌های مذکور به‌طور چشمگیری کمتر از هزینه تمام‌شده خدمات متناظر آن‌ها در بیمارستان است. بنابراین به نظر می‌رسد که درآمدهای بیمارستان از محل خدمات سرپایی و خدمات مبتنی بر K (مندرج در کتاب ارزش نسبی خدمات پزشکی) جبران شده است.

مفاهیم کلیدی: سرمایه‌گذاری، هزینه K، هتلینگ، بیمارستان میلاد، بهای تولید، هزینه‌یابی

**عنوان: امکان‌سنجی تمرکز خدمات تخصصی منتخب در مراکز
درمانی ملکی تأمین اجتماعی استان تهران
مجری: علی آزاد**



ناظر: علی جنتی

گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت

سال: ۱۳۹۷

چکیده:

این پژوهش به امکان‌سنجی تمرکز خدمات تخصصی منتخب در مراکز درمانی ملکی تأمین اجتماعی استان تهران می‌پردازد و تلاش می‌کند تا از منظر شاخص‌های عملکردی توصیفی از وضع موجود ارائه خدمات تخصصی منتخب در مراکز درمانی ملکی استان تهران را به تفکیک نوع و حجم خدمات در سال ۱۳۹۴ ارائه کند.

ماهیت کلی پژوهش، در زمره پژوهش‌های توصیفی-کاربردی قابل‌طبقه‌بندی است و از روش مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد مربوط به آمار و عملکرد مراکز درمانی مورد مطالعه استفاده شده است. همچنین وضعیت شاخص‌های ارائه خدمات از طریق اخذ نظرات کارشناسی از طریق پانل خبرگان انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اختلاف بهره‌وری نیروی انسانی در مراکز درمانی و به تفکیک درمانگاه و اتاق عمل و با شاخص‌هایی از قبیل تعداد ویزیت در یک ساعت و ساعت کار نیروی انسانی اتاق عمل به ازای یک عمل جراحی، در برخی مراکز درمانی قابل توجه می‌باشد. همچنین شاخص‌های بررسی تجهیزات پزشکی نیز در برخی مراکز، نشان‌دهنده عدم تناسب تجهیزات موجود با نیروی انسانی و میزان خدمات ارائه‌شده بوده است. همچنین تفاوت در نتایج شاخص‌هایی از قبیل تعداد خدمات سرپایی/عمل جراحی به ازای یک پکیج تجهیزات و تعداد پزشک معادل تمام‌وقت به ازای یک پکیج تجهیزات در درمانگاه و اتاق عمل در بین مراکز درمانی مشهود است. طبیعتاً بهره‌وری نامناسب نیروی انسانی و تجهیزات به ازای خدمات ارائه‌شده بر هزینه‌های نیروی انسانی به ازای خدمات تأثیرگذار بوده که نوسان شاخص‌های هزینه‌ای گویای آن است. در نهایت بر اساس دستاوردهای پژوهش، راهکارهایی برای تمرکز خدمات تخصصی در بیمارستان‌های سازمان ارائه شده است.

مفاهیم کلیدی: خدمات سلامت، تأمین اجتماعی، بهره‌وری، نیروی انسانی، بیمارستان‌ها





عنوان: کیفیت‌سنجی تعاملات درون سازمان معاونت درمان مجری: سعیده گراوند

گروه: نظر‌سنجی و افکار‌سنجی
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این گزارش به سنجش رضایت واحدهای سازمانی از تعاملات نهادی با معاونت درمان سازمان تأمین اجتماعی می‌پردازد و رضایتمندی پاسخگویان در مورد تعاملات نهادی با واحد درمان، برنامه‌ریزی معاونت درمان به تفکیک موقعیت‌سازمانی و واحدهای متناظر و نظارت و ارزیابی معاونت درمان به تفکیک موقعیت‌سازمانی و واحدهای متناظر را مورد بررسی و سنجش قرار داده است.

این پژوهش با استفاده روش پیمایش پرسشنامه انجام شده است.

نتایج این مطالعه در مورد رضایتمندی کلی از معاونت نشان می‌دهد که پاسخگویان میزان رضایتمندی کلی خود از معاونت درمان را بالاتر از متوسط ارزیابی کرده‌اند. همچنین ۵,۲۷ درصد از پاسخگویان از تعاملات نهادی با معاونت درمان ناراضی و ۵,۷۲ درصد راضی بوده‌اند. ۷,۲۳ درصد از پاسخگویان از برنامه‌ریزی‌های معاونت درمان ناراضی و ۳,۷۶ درصد راضی بوده‌اند. ۶,۳۸ درصد از پاسخگویان از تدوین و دستورالعمل‌های معاونت درمان، ناراضی و ۴,۶۹ درصد راضی بوده‌اند. ۴,۳۲ درصد از پاسخگویان از نظارت و ارزیابی معاونت درمان ناراضی و ۶,۶۷ درصد راضی بوده‌اند.

مفاهیم کلیدی: رضایت‌سنجی، معاونت درمان، سازمان تأمین اجتماعی



عنوان: تحلیل محتوای پیامک‌های اعتراض به طرح کمک‌هزینه معیشتی
مجری: گروه نظر سنجی و افکار سنجی موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی



گروه: نظر سنجی و افکار سنجی
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

با تغییر نرخ بنزین و افزایش آن از هزار به ۱۵۰۰ تومان سهمیه‌ای و ۳۰۰۰ تومان آزاد، دولت اعلام کرد از منابعی که ایجاد هر ماه در قالب کمک حمایتی به حساب خانوارهای مشمول واریز می‌شود، در این میان سرپرست خانوارهایی که مشمول سبد حمایتی نشده‌اند اما خود را واجد شرایط می‌دانند، می‌توانند شماره ملی سرپرست خانوار خود را به کد دستوری #۶۳۶۹* ارسال کنند و طی ۲۴ ساعت، درخواست آن‌ها به صورت سیستمی بررسی و برای آن‌ها کد رهگیری ارسال می‌شود. در این میان ۵۸۲۱ پیامک از طرف هم‌وطنان به اشتباه، به شماره ۶۳۶۹ ارسال شده است. گزارش حاضر نتیجه توصیف و تحلیل محتوای این پیامک‌ها به مدت ۱۴ روز، در بازه زمانی سوم تا شانزدهم آذرماه ۹۸ است. این پژوهش با استفاده از تحلیل محتوای کمی و کیفی پیامک‌های ارسالی انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مردم در مورد بسته حمایت معیشتی اعلامی دچار ابهام شدید هستند. این ابهام خود را تقریباً در تمامی اجزاء مربوط به این موضوع نشان می‌دهد: از استحقاق تا عدم استحقاق تا شیوه محاسبه تا میزان کمک‌هزینه مذکور تا فرآیند دریافت آن. این واقعیت نشان می‌دهد که ما نتوانسته‌ایم در تمامی این اجزاء، اطلاعات لازم و کامل را به جامعه منتقل نماییم. پیام‌ها، به صورت شفاف، حاکی از بی‌اعتمادی گسترده به متولیان امور رسمی و نهادهای دولتی و حاکمیتی هستند. این بی‌اعتمادی را نه تنها در محتوای پیام‌ها، که حتی در تعدد پیامک‌های ارسالی و سپس واکنش‌های احساسی و عاطفی شدید شهروندان می‌توان مشاهده کرد. همچنین پیام‌های ارسالی، به وضوح حاکی از تعمیق انواعی از اعتراض و تشدید ناامیدی از عملکردهای دولتی و حاکمیتی با تمرکز بر اقدام اخیر مداخله‌ای است. این ترکیب ناامیدی و اعتراض، خود را در شش ساحت از کل به جزء نشان داده است: اعتراضات به شیوه حکمرانی، اعتراض به عدم تخصیص کلی، اعتراض به کارآمدی ملاک‌های تخصیص، اعتراض به دیرنگام بودن واریز مبلغ بسته حمایت معیشتی، اعتراض به کم بودن مبلغ واریزی و درنهایت، اعتراض به عدم واریز به هنگام.

مفاهیم کلیدی: نرخ بنزین، گرانی، سبد معیشتی، دولت، بی‌اعتمادی، نارضایتی





عنوان: تاریخ شفاهی فعالیت‌های رسانه‌ای سازمان در سه دههٔ گذشته (تا سال ۱۳۹۷)
مجری: شادی خوشکار

گروه: نظر سنجی و افکار سنجی
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این پژوهش به دنبال ارائه تصویری از اهداف، رویکردها و روش‌های فعالیت‌های رسانه‌ای سازمان تأمین اجتماعی با استفاده از روش تاریخ شفاهی و مستندسازی تجربیات و خاطرات فعالان و مسئولان گذشته و حال نشریات و رسانه‌های این سازمان است. برای این منظور با افراد تأثیرگذار و نیروهای اصلی شش رسانه سازمان شامل "پایگاه اطلاع‌رسانی رسمی سازمان تأمین اجتماعی"، "نشریه داخلی تأمین"، "پایگاه خبری تحلیلی تأمین ۲۴"، "هفته‌نامه آتیه‌نو" و "ماهنامه قلمرو رفاه"، گفتگوهای مفصلی انجام شده است.

در این پژوهش از روش کیفی مصاحبه عمیق و روش تحلیل موضوعی استفاده شده است.

داده‌های به دست آمده نشان می‌دهند که این رسانه‌ها بسته به موقعیت اجتماعی-سیاسی جامعه و همچنین رویکرد ارتباطی مدیران مقاطع مختلف سازمان، رفتار و کارکردهایی بعضاً متفاوت داشته‌اند. آغاز انتشار رسانه‌های اختصاصی سازمان تأمین اجتماعی را می‌توان دوره مدیریت مهدی کرباسیان در این سازمان دانست که ناشی از نگاه ارتباطی مدیرعامل سازمان و باور تیم مدیریتی سازمان به لزوم استفاده از ابزار رسانه برای شناساندن اهداف، مسئولیت‌ها و چهره تأمین اجتماعی به جامعه و متخصصان و تصمیم‌گیران، انتشار نخستین نشریه تخصصی حوزه رفاه، تأمین اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی با حمایت این سازمان آغاز شد. هرکدام از این رسانه‌ها (پایگاه اطلاع‌رسانی رسمی سازمان، تأمین، آتیه‌نو، قلمرو رفاه، تأمین ۲۴) مسئولیت تلاش برای بخشی از اهداف اطلاع‌رسانی و ارتباطی سازمان تأمین اجتماعی را به عهده داشته و دارند. در سه دهه‌ای که از عمر فعالیت رسانه‌ای این سازمان می‌گذرد، با توجه به تغییرات و تحولات سیاسی و اجتماعی کشور و تغییرات مدیریتی در سازمان تأمین اجتماعی، این رسانه‌ها نیز دستخوش تغییراتی در ظاهر و محتوا شده‌اند، با این وجود بر هدف اولیه و اصلی خود برای انتشار اخبار، اطلاع‌رسانی و گفتمان سازی حوزه رفاه و تأمین اجتماعی پایبند بوده‌اند.

مفاهیم کلیدی: رفاه و تأمین اجتماعی، اطلاع‌رسانی، گفتمان سازی، آتیه‌نو، تأمین ۲۴، قلمرو رفاه

**عنوان: رضایت سنجی از بیماران بستری بیمارستان‌های ملکی سازمان
مجری: مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا)**



**گروه: نظر سنجی و افکار سنجی
سال: ۱۳۹۸**

چکیده:

این گزارش به بررسی میزان رضایت بیماران بستری در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی ملکی سازمان تأمین اجتماعی از خدمات ارائه‌شده می‌پردازد. در این گزارش میزان رضایت بیماران از خدمات مراکز درمانی ملکی سازمان تأمین اجتماعی به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای؛ به تفکیک استان‌ها و بیمارستان‌های کشور و به تفکیک بخش ورود و پذیرش، اقامت و ترخیص ارائه شده است.

در این تحقیق از روش پیمایش پرسشنامه‌ای استفاده شده است و حجم نمونه تحقیق ۲۶۳۵ نفر بوده است.

نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که رضایت نسبتاً بالایی نسب به خدمات و امکانات بیمارستان‌های ملکی سازمان

تأمین اجتماعی شعب شهرستان وجود دارد به طوری که تقریباً می‌توان گفت میانگین ۹۰ از ۱۰۰ نسبت به خدمات و امکانات بیمارستان‌های تحت پوشش تأمین اجتماعی رضایت وجود دارد. باین حال بیشترین رضایت از «رفتار محترمانه پزشک معالج»، «رفتار محترمانه پرستاران»، «رعایت حریم خصوصی در زمان انجام خدمات بالینی توسط پرستاران»، «رفتار محترمانه پرسنل پذیرش»، «اقدامات لازم برای برطرف سازی درد ناشی از بیماری طبق دستور پزشک» و «ارائه آگاهی در خصوص نوع بیماری و نحوه درمان توسط پزشک معالج» وجود دارد. در این میان از خدمات و امکانات بیمارستانی نظیر «ارائه آموزش رژیم غذایی کاربردی در هنگام ترخیص»، «ارائه غذای گرم متناسب با شرایط بیمار»، «مشخص بودن میزان هزینه درمان قبل از بستری» و «ارائه غذای متنوع و باکیفیت» رضایت به نسبت کمتری وجود دارد.

مفاهیم کلیدی: خدمات درمانی، مراکز ملکی، سازمان تأمین اجتماعی، بیمارستان، رضایت سنجی





عنوان: طراحی الگوی محاسبه و اعلام تعرفه‌های خدمات درمانی (دولتی و غیردولتی) در کشورهای منتخب و ارائه الگو برای ایران
مجری: فرهاد کوهی

ناظر: علی اکبری ساری
گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این طرح به بررسی وضع موجود نظام تعرفه‌گذاری خدمات درمانی در کشور ایران و چالش‌ها و تبعات آن با توجه به فضای کلی نظام سلامت می‌پردازد. همچنین به بررسی تجربیات و نظام‌های تعرفه‌گذاری در برخی کشورهای منتخب پرداخته است تا بتوان بر اساس آن‌ها به راه‌حلهایی جهت اصلاح نظام تعرفه‌گذاری کشور ارائه کند. برای این کار تلاش کرده است تا توصیفی از فرایند تعرفه‌گذاری خدمات سلامت در کشورهای منتخب و فرایند تعرفه‌گذاری خدمات سلامت در ایران بپردازد و متغیرهای تأثیرگذار بر فرایند تعرفه‌گذاری در ایران و کشورهای منتخب را شناسایی کند.

این پژوهش به لحاظ روش‌شناسی از نوع توصیفی - تطبیقی است و از طریق جستجو در منابع اطلاعاتی قابل‌دسترس در اینترنت، انجام مصاحبه و در صورت امکان مراجعه حضوری نمایندگان پژوهشگر به مراجع تعرفه‌گذاری ایران و کشورهای منتخب و اخذ اطلاعات موردنیاز از آن‌ها، اطلاعات لازم را گردآوری و تحلیل کند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین سهم از تولید ناخالص داخلی و سرانه هزینه مراقبت سلامت مربوط به کشور آمریکا است و کمترین آن مربوط به کشور چین می‌باشد. پایین‌ترین سهم پرداخت از جیب مربوط به کشور ژاپن (با ۳ درصد) می‌باشد. این در حالی است که بیش از ۲۵ درصد جمعیت کشور ژاپن سالمند (بیشتر از ۶۵ سال سن) می‌باشند. همچنین ۳ در تمام کشورهای مورد مطالعه مداخله دولت در حوزه سلامت به اشکال مختلف مشهود است. شاید کمترین مداخله دولت مربوط به کشور آمریکا است که از طریق دو طرح بیمه‌ای عمده با عناوین مدیکر و مدیکید صورت می‌گیرد.

همچنین نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در نظام سلامت و تعرفه‌گذاری کشورهای منتخب نیز اغلب آن‌ها نهادها یا سازمان‌های مشخصی برای موضوعاتی همچون سنجش و تضمین کیفیت خدمات مراقبت سلامت مراکز درمانی، ارزیابی تکنولوژی‌های جدید مرتبط با سلامتی جهت ورود به کشور، سنجش کیفیت خدمات درمانی از دیدگاه مصرف‌کنندگان و رتبه‌بندی مراکز درمانی و ... ایجاد شده‌اند. درنهایت در این طرح بر اساس تجربه کشورهای منتخب، الگویی برای تدوین و بازنگری در تعرفه‌های خدمات تشخیصی و درمانی کشور توسط شورای عالی بیمه پیشنهاد شده است.

مفاهیم کلیدی: تعرفه‌گذاری، خدمات درمانی، بیمه همگانی، شورای عالی بیمه

عنوان: ارائه الگو و سنجش کیفیت خدمات سلامت در بخش درمان
سازمان تأمین اجتماعی
مجری: جعفر صادق تبریزی



ناظر: رضا دهنویه

گروه: سیاست گذاری و اقتصاد سلامت

سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این پژوهش تلاش می کند یک الگوی معتبر برای سنجش کیفیت خدمات سلامت سازمان تأمین اجتماعی ارائه کند. برای این کار تلاش می کند تا الگوهای سنجش کیفیت خدمات درمانی در دنیا و شاخص های مورد استفاده در هر کدام از این الگوها و شاخص های بومی شده قابل اندازه گیری و مناسب برای ایران را شناسایی و معرفی کند و برای هر کدام یک شناسنامه (تعریف شاخص، فرمول، سطح سازمانی شاخص، دوره زمانی و ...) و یک نرم بین المللی تدوین کند.

در این پژوهش از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه ای برای شناسایی الگوهای جهانی و از روش های کیفی همچون مصاحبه، پانل خبرگان و تکنیک دلفی با مشارکت متخصصین برای تعیین الگوهای بومی برای ایران و تعیین شناسنامه شاخص ها استفاده شده است.

این پژوهش در نهایت یک چارچوب (مدل) برای ارتقای کیفیت در بیمارستان های تأمین اجتماعی (QISSH) ارائه می کند، این چارچوب (مدل) QISSH: این مدل شامل ۹۳ شاخص ارزیابی عملکرد (کیفیت) در ۸ حیطه و در سه سطح ساختار (Structure)، فرایند (Process) و پیامد (Outcome) می باشد. چارچوب (مدل) طراحی شده ترکیبی بوده (Departmental and Functional) و تأکید فراوانی بر پاسخگویی مبتنی بر جنبه های بالینی و عملکردی دارد.

مفاهیم کلیدی: خدمات سلامت، سازمان تأمین اجتماعی، ارزیابی عملکرد





**عنوان: بررسی وضعیت تجویز دارو در بیماران سرپایی مراکز
ملکی سازمان تأمین اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن
مجری: افسون آیین پرست**

ناظر: گیتا افشارمنش

گروه: سیاست گذاری و اقتصاد سلامت

سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این پژوهش با توجه به جایگاه سازمان تأمین اجتماعی به عنوان بزرگ‌ترین سازمان بیمه‌ای کشور و نیز نقش آن در ارائه خدمات سلامت به جامعه، تلاش می‌کند تا الگوی تجویز دارو در بیماران سرپایی مراکز ملکی سازمان تأمین اجتماعی و نیز عوامل مؤثر بر آن و نهایتاً عملکرد کنونی مراکز ملکی این سازمان در زمینه تجویز دارو در بیماران سرپایی را مورد مطالعه قرار دهد.

روش مطالعه در این پژوهش مقطعی به است. جامعه پژوهش شامل کلیه مراجعات سرپایی مراکز ملکی سازمان تأمین اجتماعی بوده است. این مراکز شامل بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و دی کلینیک‌های سازمان در سراسر کشور بود. در این مطالعه اطلاعات موجود در بانک داده‌های سیستم حذف دفترچه سازمان تأمین اجتماعی در خصوص داروهای تجویز شده برای بیماران سرپایی مراکز ملکی در سال ۹۶ به گروه پژوهش تحویل و از جانب آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است.

نتایج مطالعه نشان داد که اکثر مراجعات سرپایی زنان (۴۶/۱ درصد)، گروه سنی ۳۵ - ۲۵ سال (۱۷/۴ درصد) و بیمه شده تأمین اجتماعی - عادی (۹۷/۹ درصد) بودند. بیشتر مراجعات سرپایی به درمانگاه‌های تخصصی سازمان (۵۹,۶ درصد) و پزشکان عمومی (۶۷/۰ درصد) صورت گرفته بود. بررسی فراوانی تعداد داروهای تجویز شده برای ۴ بیماران سرپایی نشان داد که قرص سرماخوردگی بزرگ‌سالان با در نظر گرفتن دفعات تجویز، پر تجویزترین دارو برای بیماران سرپایی در سال ۹۶ بود. بررسی وضعیت نسخ سرپایی نشان داد که میانگین هزینه دارو در هر نسخه ۳۶۴,۱۰۲ ریال و میانگین تعداد دارو در هر نسخه ۳/۳۳ قلم بود.

تعداد اقلام داروهای تجویز شده در نسخه‌های پزشکان عمومی به‌طور متوسط ۳/۴۲ قلم بود که به‌طور معنی‌داری بالاتر از متخصصین بود. هزینه دارویی نسخ تجویز شده متخصصان گروه داخلی نیز بالاتر از سایر گروه‌های تخصصی بود. باین حال به دلیل بالا بودن تعداد نسخه‌های تجویز شده توسط پزشکان عمومی (بیش از ۷۵ درصد) عمده هزینه‌های دارویی بیماران سرپایی به نسخ تجویز شده توسط پزشکان عمومی اختصاص دارد.

کلیدواژه‌ها: بیمار سرپایی، تجویز دارو، داده‌کاوی، سازمان تأمین اجتماعی



**عنوان: بررسی و تعیین علل و عوامل مؤثر بر حوادث ناشی از
کار طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴
مجری: عادل مظلومی**



ناظر: علی خوانین
گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

در این پژوهش به شناسایی علل و عوامل حوادث شغلی در بین مشاغل کشور ایران به‌منظور تشخیص مشاغل پرخطر و عوامل تأثیرگذار بر روی این حوادث پرداخته است و تلاش می‌کند تا با بهره‌برداری از داده‌های تحلیلی این حوزه و بررسی آن‌ها به برنامه‌ریزی صحیح سازمانی برای کاهش هزینه‌های تحمیلی از دیدگاه اقتصادی و نیز کاهش تعداد حوادث با ارائه راهکارهای متناسب با داده‌های موجود برای پیشگیری از حوادث، کمک کند.

این مطالعه با روش تحلیل داده‌های موجود و در مقیاس ملی انجام شده است. در واقع با استفاده از داده‌های موجود در زمینه حوادث شغلی در ایران، که از طریق بانک‌های اطلاعاتی بخش‌های مختلف سازمان تأمین اجتماعی فراهم شده است. همچنین از روش‌های مصاحبه حضوری و تلفنی و یا مراجعه به شعب سازمان برای گردآوری داده‌های تکمیلی استفاده شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که درصد افراد حادثه‌دیده به نسبت بیمه‌شده، طی سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، روند کاهشی داشته است. عمده‌ترین علل وقوع حوادث شغلی مربوط به بی‌احتیاطی کارکنان (با میانگین ۵۹/۵ درصد طی پنج سال) بوده است. در کل علل حوادث در دو گروه کلی علل مستقیم شامل مواردی همچون سوختگی، کشیدگی و بریدگی و علل سطحی حوادث فاکتورهایی مانند برداشتن حفاظ ماشین‌آلات، استفاده از ابزارآلات معیوب، استفاده از وسایل حفاظتی معیوب، کارگران آموزش ندیده، نبود زمان کافی، کار بیش‌ازحد و موارد مشابه تقسیم‌بندی می‌شود.

مفاهیم کلیدی: کار، حوادث شغلی، تأمین اجتماعی، از کارافتادگی





عنوان: امکان‌سنجی ارائه خدمات بهداشتی و پیشگیری در حوزه بیمه‌های اجتماعی در ایران
مجری: نادر جهان مهر

ناظر: حمیدرضا صفی‌خانی
گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

مطالعه حاضر به امکان‌سنجی ارائه بیمه‌های پیشگیری محور در ایران در حوزه بیماری‌ها و آسیب‌های روانی و اجتماعی از طریق بررسی تجارب کشورهای جهان و بررسی شرایط فعلی کشور، نظام سلامت و بیمه‌ها می‌پردازد. همچنین تلاش می‌کند تا شناسایی انواع بسته خدمات پیشگیری در بیمه‌های اجتماعی سلامت دنیا و تعیین مزایا و معایب اجرای بسته خدمات پیشگیری در بیمه‌های اجتماعی سلامت دنیا، راهکارهایی کاربردی و اولویت‌بندی شده به سازمان‌های بیمه اجتماعی جهت اجرایی ساختن ارائه خدمات پیشگیری در بیمه‌های اجتماعی ایران ارائه کند. این تحقیق یک مطالعه تطبیقی-مقایسه‌ای و از نوع توصیفی خواهد بود که با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، منابع علمی معتبر و تجارب منتشرشده شرکت‌های بیمه و وزارت بهداشت کشورهای منتخب و سایت سازمان جهانی بهداشت انجام شده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سازمان‌های بیمه‌ای در کشورهای گوناگون بر اساس الزام قانونی یا تصمیم‌گیری خود وارد به تحت پوشش قرار دادن حوزه پیشگیری شده‌اند به‌عنوان مثال قانون خدمات مقرون‌به‌صرفه ACA در ایالات‌متحده شرکت‌های بیمه‌ای را الزام به تحت پوشش قرار دادن بسته پیشگیرانه تعریف شده می‌نماید. حال آنکه سازمان‌های بیمه‌ای در سایر کشورها بر اساس هزینه-اثربخشی، فایده بررسی شده با حمایت حاکمیت بسته‌های مداخلات پیشگیرانه را تحت پوشش قرار داده‌اند.

درنهایت این پژوهش بر اساس وضعیت فعلی بیمه‌ها در ایران و مرور نظام‌های چندلایه تأمین اجتماعی در کشورهای جهان مدلی پیشنهادی برای تحت پوشش قرار دادن خدمات پیشگیرانه بر اساس میزان حق بیمه افراد تحت پوشش سازمان ارائه می‌کند که نحوه تأمین مالی بسته‌ها را برای هر گروه درآمدی متفاوت از دیگر گروه‌ها مدنظر می‌گیرد. در این مدل کمک‌های دولت به‌سوی قشرهای ضعیف تحت پوشش سازمان سوق داده می‌شود و درعین حال خدمات پیشگیرانه اولویت‌بندی و در لایه‌های سطح‌بندی شده قرار می‌گیرند.

مفاهیم کلیدی: خدمات پیشگیری، نظام سلامت، بیمه‌ها، تأمین اجتماعی



**عنوان: برآورد بار اقتصادی از دست رفته در اثر مراقبت ناکافی
در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو در تهران
مجری: مجید داوری**



ناظر: مهدی مهدوی

گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت

سال: ۱۳۹۸

چکیده:

در این پژوهش میزان تأثیر مراقبت (درمان)‌های ناکافی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ در ایران بر روی پیامد نهایی (عوارض میکرو و ماکروواسکولار) و هزینه‌های تحمیل‌شده در اثر این مقدار مراقبت ناکافی در بیماران با دیابت نوع ۲ بر سیستم سلامت و ارائه یک دیدگاه بهتر از مقدار هزینه‌های تحمیلی به واسطه مراقبت ضعیف و ناکافی در بیماران دیابتی مورد بررسی قرار گرفته است و تلاش کرده است ضمن آگاه ساختن سیاست‌گذاران بخش سلامت نسبت به یافتن برنامه‌های جایگزین و یا اصلاح برنامه‌های جاری، پیشنهادهای کاربردی جهت بهبود بخشیدن به وضعیت موجود ارائه کند.

در این طرح از روش پیمایشی مبتنی بر پرسشنامه (پرسشنامه سنجش کیفی زندگی EQ-5D، اطلاعات دموگرافیک بیمار، پرسشنامه تعیین هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم) و همچنین تحلیل اطلاعات بالینی ثبت‌شده بیماران با دیابت نوع ۲ با مراجعه به مراکز ثبت بیماران دیابتی در ۷ استان کشور، استفاده شده است.

یافته‌های مطالعه نشان دادند که برنامه‌های کنترل دیابت در هیچ‌کدام از گروه‌های مورد مطالعه مطلوب نبوده و به کنترل بهینه منجر نشده است. یافته‌ها حاکی از آن است که تغییرات هموگلوبین A1C کل در کل جمعیت از لحاظ آماری معنی‌دار نبوده است. ۶۷٫۶ درصد از بیماران در سنین بهره‌وری مجموعاً ۵۲۹٫۵ هزار میلیارد تومان سرمایه از دست‌رفته به بار می‌آورد. با توجه به اینکه هزینه به ازای طول عمر به دست‌آمده در مراقبت کامل کمتر از ۳ درصد درآمد سرانه کشور هست، انجام مراقبت کامل برای بیماران دیابتی یک برنامه هزینه-اثربخش می‌باشد.

مفاهیم کلیدی: مطالعات هزینه-بیماری، دیابت، میکرو و ماکروواسکولار





عنوان: بررسی وضعیت روش‌های ارزیابی ایمنی و ارگونومیکی در شرکت‌های زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی
مجری: حامد سلمان زاده

ناظر: رضا تویسرکان منش
گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این پژوهش به ارزیابی روش‌های ایمنی و ارگونومیکی در شرکت‌های زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی می‌پردازد و تلاش می‌کند با بررسی و تحلیل روش‌های ایمنی و ارگونومی محیط‌های کاری کارکنان و کارگران و تعیین معیارهای انتخاب روش‌های منحصربه‌فرد ارزیابی و پایش ایمنی و ارگونومی در شرکت‌های زیرمجموعه سازمان، یک رویکرد مناسب جهت انتخاب روش‌های ارزیابی و پیاده‌سازی وضعیت ایمنی و ارگونومی ارائه کند.

این پژوهش با استفاده از روش کیفی و میدانی و با ابزار مشاهده، مصاحبه و ارزیابی حضوری در شرکت‌های زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی انجام شده است.

دستاوردهای حاصل از این پژوهش برای هر یک از شرکت‌های زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی در قالب سه فاز ارائه شده است. در فاز اول مواردی مانند طبقه‌بندی ریسک فاکتورهای موجود در کارخانه، بررسی آمار موجود شرکت‌ها برحسب سال‌های موردنظر، در تک‌تک ریسک فاکتورها، تشکیل اولویت ریسک‌ها برحسب RPN برای غربالگری برای انتخاب ایستگاه‌های با اولویت بالای ریسک مدنظر قرار گرفته است.

در فاز دوم، مطابق ریسک فاکتورهای ده‌گانه موجود در چک‌لیست‌ها، ارزیابی‌های ریسک قبلی انجام گرفته در شرکت و روش‌های ارزیابی آن‌ها، مورد ارزیابی مجدد قرار گرفته و نمراتی برای هر یک از معیارهای روش ارزیابی مربوطه تعلق گرفته است.

در فاز سوم و فاز نهایی، روش‌های پیشنهادی برای ارزیابی ریسک‌های ایمنی و ارگونومی، برحسب چک‌لیست فاز ۳ مورد ارزیابی قرار گرفته است تا نواقص و نقاط ضعف و قوت هر یک از روش‌های ارزیابی ریسک فاکتورهای موجود، در مقایسه با روش‌های پیشنهادی مشخص شود.

مفاهیم کلیدی: ریسک فاکتور، ارزیابی ایمنی و ارگونومیکی، شستا، تأمین اجتماعی



**عنوان: ارزیابی اقتصادی مدل‌های ارائه خدمت سنگ‌شکن برون‌اندازی
در درمان سازمان تأمین اجتماعی**
مجری: رامین شیردل



گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

خدمت سنگ‌شکن برون‌اندازی از خدمات با تکنولوژی بالا و نیازمند سرمایه‌گذاری اولیه زیاد است که در برخی از مراکز ملکی سازمان تأمین اجتماعی ارائه می‌شود. مطابق کتاب ارزش نسبی، این خدمت در مجموع ۵۷,۵ کا ارزش دارد و با توجه به اینکه خدمت سرپایی است فرانشیز این خدمت ۳۰ درصد می‌باشد. سازمان تأمین اجتماعی دو راه برای ارائه خدمت دارد یا دستگاه‌های جدید خریداری نموده و تولید خدمت نماید و یا اینکه از مراکز طرف قرارداد خرید خدمت نماید لذا این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که از نظر مالی، کدام‌یک از روش‌های ارائه خدمت مذکور، به نفع سازمان تأمین اجتماعی است.

این گزارش در سطح سازمان تأمین اجتماعی و مراکز درمانی دولتی و با استفاده از روش‌های اقتصاد مهندسی (ارزیابی مالی) مانند ارزیابی احداث پروژه و تحلیل سرمایه‌گذاری اضافی انجام شده است. با توجه به اینکه در زمان انجام پروژه، آخرین داده‌های موجود مربوط به سال ۹۶ بوده است، از داده‌های سال مذکور استفاده شده است تمامی داده‌ها از مراکز داده‌ای سازمان تأمین اجتماعی اخذ شده است یا اینکه با خبرگان سازمان، مصاحبه و گردآوری شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که کارایی خدمت سنگ‌شکن برون‌اندازی در مراکز ملکی سازمان تأمین اجتماعی بسیار پایین است و نیاز است تمهیداتی جهت افزایش فروش خدمت مذکور در مراکز دارای دستگاه، اندیشیده شود. ضمناً با توجه به تقاضا و هزینه‌های موجود، از نظر مالی، خرید خدمت به نفع سازمان است. همچنین پیشنهاد می‌شود جهت تولید خدمات سرپایی نیازمند تکنولوژی و سرمایه‌گذاری بالا، حتماً ارزیابی مالی انجام شود؛ چون احتمالاً خرید خدمت، ارزان‌تر از تولید خدمت می‌باشد.

مفاهیم کلیدی: ارزیابی سلامت، امکان‌سنجی مالی، خدمات سنگ‌شکن، برون‌اندازی





عنوان: رضایتمندی مستمري بگيران، بیمه‌شدگان و کارفرمایان
از سازمان تأمین اجتماعی
مجری: شیوا آقایی

گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این پژوهش به بررسی رضایتمندی سه گروه مستمري بگيران، بیمه‌شدگان و کارفرمایان از سازمان تأمین اجتماعی در قالب سه گزارش جداگانه می‌پردازد. این پژوهش تلاش می‌کند تا رضایتمندی و رعایت حقوق ذینفعان در عرصه‌های خدمت‌رسانی سازمانی، عملکردها و رویکردهای سازمان تأمین اجتماعی را بررسی کند. ابتدا برنامه‌ها و اقدامات انجام‌گرفته در سازمان برای کسب رضایت ذینفعان شناسایی شده است، سپس میزان رضایتمندی سه گروه فوق‌موردبررسی قرار گرفته است و درنهایت راهکارهایی برای ارتقای سطح رضایتمندی مخاطبان و ذینفعان سازمان ارائه شده است.

این پژوهش با استفاده از روش ترکیبی کمی و کیفی، مصاحبه عمیق و پیمایش پرسشنامه‌ای انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در میان هر سه گروه تا حدودی نارضایتی از عملکرد سازمان وجود دارد. در مورد مستمري بگيران بیشترین میزان رضایت در رابطه با رفتار و برخورد محترمانه کارکنان و وضعیت ظاهری کارکنان اظهار شده و بیشترین نارضایتی در رابطه با وجود مشاوران بیمه‌ای در شعب به ثبت رسیده است. در مورد کارفرمایان معتقدند که قوانین و دستورالعمل‌ها غیرعادلانه و جانب‌دارانه‌اند و اغلب به نفع سازمان تأمین اجتماعی بوده و به ضرر کارفرمایان، که به ایشان تحمیل می‌شوند. در مورد بیمه‌شدگان نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بیمه‌شدگان از امکانات الکترونیکی سازمان چندان رضایت ندارند، با این‌وجود رضایت از کارمندان و شعب سازمان بالاتر از متوسط است، اما رضایت از مشاورین تا حدودی پایین است.

مفاهیم کلیدی: رضایت سنجی، سازمان تأمین اجتماعی، بیمه‌شدگان، مستمري بگيران، کارفرمایان



عنوان: تحلیل سیاست‌گذاری تسویه حساب‌های بیمه‌ای قراردادهای

پژوهشی

مجری: پیمان زینتی



گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی

سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این پژوهش به مطالعه سیاست‌گذاری تسویه حساب‌های بیمه‌ای و به‌طور خاص بحث مفاصا حساب قراردادهای پژوهشی مشمول ماده ۳۸ قانون تأمین اجتماعی و اثرات آن بر روابط بین پژوهشگران و مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی به‌عنوان یک مؤسسه پژوهشی حوزه رفاه و تأمین اجتماعی می‌پردازد. تسویه حساب‌ها و بحث مفاصا حساب به پیچیده‌تر شدن روند قراردادها و بروز تعارضات منافع میان طرف‌های درگیر در آن دامن می‌زند و موجی از نارضایتی را در فضای مناسبات پروژه‌های تحقیقاتی سبب می‌شود. از این‌رو این گزارش تلاش کرده است این فرایند را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد و نقاط ضعف و مسائل و مشکلات آن را شناسایی کند.

این پژوهش با استفاده از روش مصاحبه کیفی و عمیق با پژوهشگران مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مشکلاتی مانند طولانی بودن فرایند مفاصا حساب است به‌نحوی که تمام پیمانکاران فارغ از مدتی که درگیر اخذ مفاصا بوده‌اند آن را پروسه‌ای طولانی ارزیابی می‌کنند. مشکل بعدی عدم آشنایی شعب با قراردادهای پژوهشی از مسائلی است که به‌کرات توسط مجریان عنوان می‌شد، بنا بر گفته پیمانکاران کارشناسان شعب نسبت به حق بیمه قراردادهای پژوهشی آگاهی کافی ندارند و با آن به‌مثابه قرارداد عمرانی برخورد می‌کنند. درنهایت نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ارزیابی پیمانکاران از رویه جاری بر فرایند مفاصا حساب، قطع شدن همکاری پژوهشگران با مؤسسه و عدم تمایل به همکاری‌های مجدد و انجام پروژه پژوهشی برای مؤسسه است و ضروری است هم‌سازمان و هم مؤسسه عالی پژوهش به اصلاح این وضعیت بپردازند.

مفاهیم کلیدی: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، قراردادهای پژوهشی، تسویه حساب، مفاصا حساب





عنوان: بررسی مواد ۶۷، ۶۸ و ۶۹ قانون تأمین اجتماعی مجری: سعیده گراوند

گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این پژوهش به بررسی و مطالعه وضعیت تدوین و اجرای مواد ۶۷، ۶۸ و ۶۹ قانون تأمین اجتماعی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا شناختی جامع از قانون تأمین اجتماعی (با تأکید بر مواد ۶۷ تا ۶۹) ارائه کند. همچنین تلاش می‌کند تا تحلیلی از عوامل اجتماعی مؤثر بر فضای تدوین قانون تأمین اجتماعی و استدلال و منطق پشتیبان مواد ۶۷ تا ۶۹ ارائه کند و بر این اساس به بررسی امکان اصلاحات در سازمان تأمین اجتماعی بر اساس مواد مذکور پردازد.

این پژوهش از روش‌های مصاحبه نیمه ساختاریافته، مطالعه اسناد، معاهدات بین‌المللی، قوانین و آئین‌نامه‌های سازمان تأمین اجتماعی استفاده شده است.

بررسی‌های این پژوهش در مورد قوانین مذکور نشان می‌دهد که ماده‌هایی با محتوای مرخصی زایمان و کمک بارداری برای اولین بار در قانون کار مصوب ۱۳۲۵ به قوانین بیمه‌ای ایران راه پیدا کردند. توجه به موضوع مرخصی زایمان با گذشت زمان برای قانون‌گذار افزایش یافت به گونه‌ای که مدت‌زمان آن از ۱۲ هفته در قانون پیش‌گفته به بیش از ۳۸ هفته در قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده مصوب ۱۳۹۲ رسید. همچنین بررسی‌های حاصل از مصاحبه با صاحب‌نظران به‌منظور شناسایی چالش‌های تدوین و اجرای مواد قانونی ۶۷، ۶۸ و ۶۹ قانون تأمین اجتماعی بر پنج مضمون کلی تفسیرپذیری قوانین، نبود مطالبه از طرف بیمه‌شدگان، تعجیل در تصویب قانون تأمین اجتماعی، گشاده‌دستی قانون‌گذار و چالش‌های اجرای قوانین جنبی دلالت داشتند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ماده ۶۷ برای «همسر بیمه‌شده مرد» اجرا نمی‌شود. بخش «کمک‌ها»ی ماده ۶۸ و همچنین ماده ۶۹ برای «بیمه‌شده زن» و «همسر بیمه‌شده مرد» نیز اجرا نمی‌شود. در نهایت اگر بر اساس متون مورد مطالعه در پژوهش، وضعیت کفایت مزایای کمک بارداری را بر اساس خط‌کش کنوانسیون شماره ۱۸۳ سازمان بین‌المللی کار اندازه‌گیری کنیم، وضعیت ایران در شاخص مدت‌زمان مرخصی زایمان با بیش از ۳۸ هفته، مطلوب و حتی با اختلاف چشم‌گیری از استانداردهای این کنوانسیون بیشتر است؛ همچنین مزایای نقدی پرداختی از طرف سازمان با استانداردهای کنوانسیون شماره ۱۸۳ برابر است. لذا وضعیت شاخص کفایت مزایای کمک بارداری در ایران به مراتب از استانداردهای مورد نظر سازمان بین‌المللی کار بالاتر است.

مفاهیم کلیدی: قانون تأمین اجتماعی، مرخصی زایمان، سازمان بین‌المللی کار، بیمه‌شده، بارداری



عنوان: بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی بر عملکرد سازمانی سازمان
تأمین اجتماعی

مجری: مرتضی مناف پور قمی



گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

مدیریت مؤثر در عصر ما، مدیریتی است که از محدود اندیشی سازمان خود را رها ساخته و به جامعه و محیط‌های وسیع‌تری بیندیشد و سازمان‌ها می‌باید خودشان را به حساسیت‌های جامعه و ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی آن متعهد بدانند و اخلاقاً خود را نسبت به عملیاتشان مسئول بدانند. با توجه به اهمیت بسیار زیاد موضوع رفاه جامعه و مسئولیت اجتماعی و با توجه به این‌که هدف نهایی تمام کسب‌وکارها، دستیابی به بهبود عملکرد سازمانی، این طرح به تعیین تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اساس راهنمای استاندارد ایزو ۲۶۰۰۰ بر عملکرد سازمانی می‌پردازد.

ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق از طریق پرسشنامه استاندارد ISO ۲۶۰۰۰ و ای کی‌م ۲۰۰۸ توسط محقق استخراج گردید و برای سنجش آن‌ها از پرسشنامه جداگانه و برای عملکرد سازمانی از پرسشنامه استاندارد ای کی‌م ۲۰۰۸ استفاده شده است.

نتیجه آزمون ضریب همبستگی بتا رگرسیونی تأیید رابطه معنی‌داری بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد سازمانی می‌باشد. و نتایج نشان می‌دهد که بیشترین ضریب همبستگی بین محور مصرف‌کننده و محور توسعه جامعه و عملکرد سازمانی رابطه وجود دارد.

مفاهیم کلیدی: مسئولیت اجتماعی، ایزو ۲۶۰۰۰، رعایت محور، حقوق آحاد جامعه، عملکرد سازمانی





عنوان: طبقه‌بندی سهم نیروی کار در قراردادهای پیمانکاری با موضوع ساختمان (رشته ساختمان و ابنیه و رشته تأسیسات و تجهیزات)
مجری: مهندسین مشاور شاخه تجربی معماری کلان شهر

ناظر: مهرداد بهمنی
گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این پژوهش به بررسی راهکارهای تعیین عادلانه حق بیمه مبتنی بر تعیین سهم نیروی کار در قراردادهای پیمانکاری صنعت ساختمان می‌پردازد و تلاش می‌کند ابتدا راهکار و روش مناسبی برای تدقیق سهم نیروی کار ارائه کند و سپس بر اساس آن روشی مؤثر برای تعیین عادلانه ضریب حق بیمه از قراردادهای صنعت ساختمان تعیین کند. همچنین تلاش می‌کند تا با توجه به تغییرات تکنولوژی ساخت و کاربری سرمایه در پروژه‌های مختلف و در بازه‌های زمانی مختلف، میزان سهم نیروی کار در این قراردادها را به‌روزرسانی کند.

در این مطالعه در مراحل مختلف از دو روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، تحلیل داده‌های موجود شامل صورت‌وضعیت‌های پروژه‌های نمونه استفاده شده است.

نتایج این مطالعه بیانگر روند معناداری از کاهش سهم دستمزد نسبت به کل مبلغ قرارداد در طول دوره بررسی از سال ۱۳۷۰ به بعد است. همچنین بررسی شاخص‌های بهای واحد بخش دستمزد و مصالح در طول دوره زمانی موردبحث از داده‌های سری زمانی مرکز آمار و بانک مرکزی کشور دلالت بر این دارد که نرخ رشد قیمت بخش دستمزد در دوره زمانی ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۵ حدود دو برابر نرخ رشد قیمت مصالح بوده است که از مقایسه این نتایج می‌توان دریافت که کاهش سهم دستمزد در طول دوره زمانی فوق به دلایلی به‌جز قیمت نهاده‌ها و به دلایل ساختاری بوده است.

در نهایت مجری این طرح به توجه به این مسئله که تعیین سهم دستمزد بر مبنای مقادیر واقعی بهای واحد نهاده‌های ساختمانی (دستمزد و مصالح) و احتساب ضریب بالاسری قرارداد که بیشترین انطباق با واقعیات یک عملیات پیمانکاری را دارد بر این باور است که درصد حق بیمه بر مبنای این گزینه یعنی ۷,۷٪ حق بیمه و ۰,۸۹٪ بیمه بیکاری و در مجموع ۸,۵۹٪ مناسب‌ترین گزینه برای اخذ بیمه از قراردادهای بر مبنای فهرست بهای سال ۱۳۹۷ (مرجع زمانی سه‌ماهه چهارم ۱۳۹۶) است.

کلمات کلیدی: ضریب حق بیمه، صنعت ساختمان، سهم نیروی کار، دستمزد



**عنوان: امکان‌سنجی بهره‌برداری از ارزش برند شرکت‌های تابعه
سازمان تأمین اجتماعی در بازارهای داخلی و بین‌المللی
مجری: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس**



ناظر: یگانه موسوی جهرمی
گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این مطالعه باهدف استفاده مطلوب از برند در شرکت‌های تابعه سازمان تأمین اجتماعی تلاش کرده است تا یک برنامه جامع برندینگ کل سازمان تأمین اجتماعی و شرکت‌های تابعه آن را به‌منظور افزایش ارزش کل سازمان با افزایش ارزش برند شرکت‌های تابعه، تدوین کند. در این مطالعه همچنین نقش برند و برند سازی این شرکت‌ها در حفظ و گسترش سهم بازار، استفاده از فرصت‌های مالی و تجاری و هم‌افزایی و افزایش پتانسیل درون‌گروهی بین این شرکت‌ها پرداخته است.

در این مطالعه از روش‌های مختلفی برای تعیین ارزش برند شامل روش‌های ارزیابی مبتنی بر تحقیق، رویکردهای مبتنی بر هزینه، رویکردهای مقایسه‌ای و همچنین روش اینتربرند استفاده شده است.

درنهایت در این مطالعه، با توجه به دیدگاه‌های نظری و بررسی روش‌های مختلف ارزیابی ارزش برند، روش «اکر» پیشنهاد شده است که بر اساس آن ارزش برند بر اساس پنج جزء آگاهی از برند، وفاداری به برند، کیفیت ادراک‌شده، تداعی برند و سایر دارایی‌هایی نظیر حق امتیاز، حق اختراع و ... تعیین می‌شود. همچنین با توجه به این اجزاء شاخص‌ها و معیارهایی برای ارزش‌گذاری برندهای شرکت‌های تابعه سازمان تأمین اجتماعی و طراحی نقشه راه برای افزایش ارزش برندهایشان، ارائه شده است.

کلمات کلیدی: ارزش برند، برندینگ، سازمان تأمین اجتماعی، شرکت‌های تابعه، اینتربرند





عنوان: ارزیابی وضعیت موجود پوشش بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی در کشور و ارائه الگوی بهینه سامان بخشی و توسعه آن
مجری: عبدالرضا مسلمی

ناظر: علی چگینی
گروه: اقتصاد و سرمایه گذاری
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این مطالعه به ارزیابی و آسیب شناسی الگوی موجود بیمه کارگر ساختمانی در ابعاد مختلف و بررسی و پیشنهاد الگویی بهینه جهت اجرای آن در قالب پیش نویس لایحه قانونی تحت نظر سازمان تأمین اجتماعی پرداخته است. این مطالعه ابتدا شناخت جامعی را از وضع موجود صنعت ساختمان در کشور، خصوصاً در ارتباط با وضعیت کارگران ساختمانی ارائه کرده است و پس از تحلیل وضعیت طرف های ذینفع و دست اندرکار در طرح، به ارزیابی الگوی موجود پرداخته است و نهایتاً یک پیش نویس لایحه قانونی را جهت اجرای بهینه طرح (مبتنی بر اصلاح فرآیندهای موجود یا تغییر آن ها) تدوین کرده است.

روش شناسی این مطالعه ترکیبی بوده است و از روش اسنادی و کتابخانه ای برای مرور اسناد و مطالعات پیشین و از روش پیمایشی برای گردآوری تجربیات افراد خبره در این زمینه استفاده شده است. در نهایت داده های پرسشنامه ها مورد تحلیل آماری قرار گرفته است.

نتایج این مطالعه نشان می دهد که در ۱۳ کشور مورد مطالعه، بخش عمده ای از جمعیت، تحت پوشش بیمه اجتماعی همگانی و یکسان قرار گرفته اند و در این کشورها از ایجاد بیمه های اجتماعی خاص و جداگانه برای برخی مشاغل اجتناب شده است. در هیچ یک از کشورهای مورد بررسی بیمه کارگران ساختمانی به صورت مجزا از نظام بیمه جاری در کشور، موضوعیت ندارد. همچنین نتایج بخش دوم مطالعه نشان می دهد که علیرغم اینکه یک طرح بازنشستگی می بایستی چهار شرایط اساسی پایداری مالی، پوشش حداکثری، توان پرداخت و کفایت مزایا را تأمین کند؛ اما نتایج این مطالعه واقعیت های فراوانی را پیرامون کاستی ها و ضعف های ساختارهای نهادی، اداره و نظام انگیزش ذینفعان طرح فعلی بیمه کارگران ساختمانی را روشن کرده است و نشان می دهد که شرایط پایداری و پوشش حداکثری به طرز چشمگیری از استانداردهای لازم دور هستند. در مورد شرط سوم یعنی کفایت مزایا با توجه به حجم اندک مستمری بگیران طرح و تمرکز کمتر هدف مطالعه، نمی توان نظر قطعی را ارائه نمود. موضوع توان پرداخت نیز از جمله شاخص هایی است که با توجه به ماهیت درآمدی شاغلین مربوطه، ممکن است تحقق طرح را با چالش مواجه نماید.

مفاهیم کلیدی: بیمه اجتماعی، کارگران ساختمانی، تأمین اجتماعی، فرار بیمه ای، صندوق های بازنشستگی

**عنوان: امکان‌سنجی حمایت از کالای داخلی از طریق کارت
خرید مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی**
مجری: حسن یحیوی رازلیقی



گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این مطالعه به امکان‌سنجی حمایت سازمان تأمین اجتماعی از تولید داخلی از طریق کارت اعتباری به مستمری‌بگیران پرداخته است. فروشگاه‌های شهروند به‌عنوان مطالعه موردی و پایلوت برای اجرای طرح در تهران انتخاب شده است و مواردی از قبیل، بررسی توزیع فراوانی و میزان مستمری دریافتی انواع مستمری‌بگیران؛ بررسی بودجه خانوار شهری؛ شناسایی کالاهای تولید داخلی در بودجه خانوار و تعیین نرخ تخصیص مستمری به کالاهای داخلی؛ بررسی فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهروند و سازوکارهای اجرای طرح مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

این مطالعه با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل آماری داده‌های موجود انجام گرفته است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که شاخص‌های مورد مطالعه به‌طور متوسط ۱۰ درصد از بودجه هر خانوار را به خود اختصاص می‌دهند. از این رو پیشنهاد شده است تا به‌منظور دخالت و تأثیرگذاری حداقلی بر نظام بودجه خانوار، حداکثر ۱۰ درصد از مستمری ماهانه به‌صورت اعتبار خرید کالای داخلی در اختیار مستمری‌بگیران قرار گیرد. همچنین به‌منظور افزایش جذابیت و استقبال از طرح، پیشنهاد شده است این مبلغ در سررسیدهای ۳ ماهه به افراد پرداخت شود. یعنی هر مستمری‌بگیر، ۱۰ درصد از مستمری سه ماه آینده خود را به‌صورت یکجا به‌عنوان اعتبار خرید کالای داخلی در اختیار داشته باشد.

مفاهیم کلیدی: تأمین اجتماعی، اقتصاد خانوار، کالاهای داخلی، اقتصاد مقاومتی





**عنوان: تبیین راهبرد بهینه برای برون رفت سازمان تأمین اجتماعی
از بحران نقدینگی**
مجری: گروه توسعه مالی فیروزه

گروه: اقتصاد و سرمایه گذاری
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

ثبت و راه اندازی یک صندوق سرمایه گذاری مشترک برای تبدیل دارایی های مالی سازمان تأمین اجتماعی - که در بورس و اوراق بهادار تهران پذیرش شده اند - به واحدهای قابل انتقال به مستمری بگیران متقاضی درازای قبول عدم دریافت بخشی از مستمری ماهانه شان یا درازای پرداخت های دوره های شان به صندوق، به عنوان یکی از راهکارهای کلی خروج از بحران نقدینگی سازمان مطرح شده است. در این مطالعه ابعاد اقتصادی، عملیاتی و اجتماعی اجرای این راهکار برای ذی نفعان مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین در ادامه ابعاد تشکیل صندوق، شامل ارکان اجرایی و بسته های تشویقی برای جذب بیشتر مستمری بگیران تشریح شده است.

این مطالعه از روش مطالعه کتابخانه ای و اسنادی و همچنین روش کیفی مصاحبه با خبرگان استفاده شده است. در مواردی نیز داده های موجود و قابل دسترس سازمان مورد تحلیل آماری قرار گرفته است.

نتایج این مطالعه بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه با خبرگان، گذر از لایه اجباری و ایجاد یک لایه اجباری/اختیاری در سازمان تأمین اجتماعی برای مشارکت در صندوق سرمایه گذاری مشترک را پیشنهاد کرده است. اجرای این طرح منافع زیادی برای سازمان به همراه دارد. از جمله کاهش نیاز مالی از طریق سیستم بانکی، انتقال مالکیت اوراق بهادار از طریق اعطای واحدهای صندوق درازای بخشی از پرداخت های نقدی و جلوگیری از فروش سهام های پرارزش، عدم امکان بهره مندی مستقیم سازمان از عواید سهام های تحت مالکیت

مفاهیم کلیدی: تأمین اجتماعی، صندوق سرمایه گذاری مشترک، اوراق بهادار، خروج از بنگاه داری



عنوان: سیاست‌های خروج سازمان تأمین اجتماعی از بنگاهداری
مجری: شرکت خدمات پژوهش و مشاوره مالی تابان خرد



ناظر: محمد کاظم مهدوی

گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری

سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این مطالعه در درجه اول ضرورت موضوع خروج از بنگاهداری را با توجه به تجارب تجاری بررسی می‌کند، و در درجه دوم سیاست‌هایی را توضیح می‌دهد که از طریق آن‌ها خروج از بنگاهداری امکان‌پذیر می‌شود. غیر از دو موضوع محوری مذکور، که بدنه اصلی این مطالعه را تشکیل می‌دهد، مسائل پیرامونی مربوط به موضوع از قبیل مسئله گزارش دهی، مسئله مالیات، ظرفیت‌های مدیریتی، ظرفیت بازارهای مالی و ... در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است.

در این مطالعه از روش‌های مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین تحلیل آماری داده‌های موجود استفاده شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که خروج سریع از بنگاهداری برای سازمان تأمین اجتماعی امکان‌پذیر نیست. از جمله دلایل این امر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: وجود حجم عظیم و تنوع بسیار در دارایی‌ها و شرکت‌های تحت تملک تأمین اجتماعی، بهره‌وری و سودآوری پایین شرکت‌ها و دارایی‌ها و عدم شفافیت در مورد آن‌ها، نبود زیرساخت‌های مناسب جهت تسهیل و استانداردسازی فرایند خروج، وضعیت نامناسب اقتصادی کشور و عدم تمایل صاحبان سرمایه به انتقال سرمایه‌های خود از اموال منقول (نظیر سپرده، طلا، ارز) و ملک به سمت تولید و دخالت بیش‌ازحد نهادهای نظارتی و سلب اختیار از مدیران و کارشناسان سازمان و وجود روحیه محافظه‌کاری شدید در مسئولان امر.

مفاهیم کلیدی: تأمین اجتماعی، شستا، خروج از بنگاهداری





عنوان: شناسایی راهکارهای بهره‌مند شدن سازمان تأمین اجتماعی از مفاد بند "ن" تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷
مجری: کامبیز لعل

گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این مطالعه به شناسایی راهکارهای بهره‌مند شدن سازمان تأمین اجتماعی از مفاد بند "ن" تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ می‌پردازد. در قانون بودجه سال جاری و در تبصره ۵ آن به موضوع تسویه بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی پرداخته شده است. این موضوع همراه با عدم شفافیت بوده و چارچوب اجرایی آن نامشخص است. به نظر می‌رسد که مقاومت‌هایی هم در بدنه دولت وجود دارد. از سوی دیگر، اعتبار تبصره‌های بودجه فقط یک سال است و ممکن است سال آینده چنین امکانی وجود نداشته باشد. از این رو این طرح قابلیت اجرای این بند و راهکارهای آن را با توجه به روابط دولت و سازمان تأمین اجتماعی در گذشته، تشریح می‌کند.

در این طرح از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین روش کیفی مصاحبه با خبرگان و مدیران سازمان تأمین اجتماعی استفاده شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بند "ن" تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ برای اجرایی شدن، علاوه بر اینکه نیاز به زمانی بیشتر از یک سال دارد، نیاز به شفاف‌سازی و تشریح نیز دارد. تعریف نشدن برخی مفاهیم و برخی ابهام‌ها در متن بند تبصره ۵ با پیچیده بودن و مشخص نبودن نحوه همکاری دستگاه‌های دولتی در اجرای این بند همراه شده است. همچنین اجرایی شدن این بند کاملاً به اراده دولت برای بازپرداخت بدهی‌هایش به سازمان بستگی دارد و ضمانت اجرای چندانی ندارد. چنانچه اراده‌ای برای بازپرداخت بدهی‌ها باشد، برای آن نیاز به قانون و آیین‌نامه و بخشنامه نیست. همان‌طور که پیش‌تر، چنین قوانینی نبوده ولی چون در بالاترین سطح دولت، فهم درستی از تأمین اجتماعی و اهمیت آن بوده، واگذاری‌های مهمی هم انجام شده است. بنابراین مهم‌ترین عامل در اجراء تبصره "و" و تبصره "ن" قانون بودجه سال ۱۳۹۷ فهم درست دولت از حوزه رفاه و تأمین اجتماعی و اراده دولت برای بازپرداخت بدهی‌هاست.

مفاهیم کلیدی: بند "ن"، تبصره ۵، قانون بودجه، تأدیه بدهی، دولت، سازمان تأمین اجتماعی

عنوان: امکان‌سنجی توسعه سرمایه‌گذاری خارجی شرکت‌ها و نهادهای
تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی با عنایت به شاخص‌های کسب‌وکار و
گرایش‌های کلان بازارهای خارجی
مجری: علی همت جو



ناظر: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری

سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این مطالعه به امکان‌سنجی توسعه سرمایه‌گذاری خارجی شرکت‌ها و نهادهای تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی با عنایت به شاخص‌های کسب‌وکار و گرایش‌های کلان بازارهای خارجی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا فرصت‌های کسب‌وکار در بازارهای مختلف کشورهای خارجی علی‌الخصوص کشورهای همسایه و کشورهای آسیایی را موردبررسی و تحلیل قرار دهد. در این راستا تلاش شده است تا با تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف، فرصت و تهدید بازارهای هدف در تعامل با نقاط قوت و ضعف، فرصت و تهدید بنگاه‌های اقتصادی زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی فرصت‌های سرمایه‌گذاری شناسایی شده و بر این اساس توصیه‌ها و پیشنهادهای لازم برای حضور در بازارهای هدف مربوطه به همراه فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از حضور ارائه گردد.

این طرح با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل آماری داده‌های موجود انجام گرفته است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بازار سرمایه کشور دارای کارآمدی و عمق زیادی نبوده و به‌ناچار سازمان تأمین اجتماعی برای تنوع بخشیدن به سبد دارایی‌های خود باید از سرمایه‌گذاری در خارج از کشور استفاده کند. کارآمدترین و مدرن‌ترین بازار سهام در کشورهای توسعه‌یافته مربوط به ایالات متحده آمریکا و انگلستان می‌باشد، که سرمایه‌های شرکت‌های ایرانی در بازار سهام آن‌ها با محدودیت‌های زیادی مواجه می‌باشد، بر اساس راهبرد شماره ۲ ارائه شده در گزارش، بازار سهام کشورهای که با ایران دارای تعاملات اقتصادی پایدار و بلندمدتی می‌باشد، از عمق و کارآمدی زیادی برخوردار نبوده و در حد بازارهای سهام دو کشور یادشده نمی‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که سرمایه‌گذاری به صورت مستقیم (FDI) نسبت به سرمایه‌گذاری در بازار سهام (FPI) آن‌ها در اولویت قرار گیرد. همچنین یکی از دلایل پایین بودن بازدهی اقتصادی در سرمایه‌گذاری‌های صندوق تأمین اجتماعی فقدان زنجیره تولید می‌باشد. استفاده از پتانسیل‌های اقتصادی کشورهای خارجی در جهت تکمیل زنجیره تولید سازمان می‌تواند منجر به افزایش بازدهی اقتصادی سرمایه‌گذاری‌ها در صندوق تأمین اجتماعی گردد.

مفاهیم کلیدی: تأمین اجتماعی، سرمایه‌گذاری، بازار سهام، FDI، FPI، زنجیره تولید





عنوان: تحولات نماگرهای اقتصاد ایران در سال ۹۹ و تأثیر آن
بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی
مجری: محمود محمودزاده

گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این پژوهش به دو موضوع ارزیابی تحولات و تغییرات نماگرهای اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۹ و سپس ارزیابی تصویر کلان اقتصادی بر منابع و مصارف تأمین اجتماعی پرداخته است. در بخش نخست تمرکز بحث بر روابط بین‌الملل ایران و تبیین آثار آن بر رشد اقتصادی، اشتغال، نرخ ارز، نرخ تورم، هزینه-درآمد خانوار است. بخش دوم به آثار متغیرهای کلان اقتصادی بر منابع درآمدی و مخارج تأمین اجتماعی می‌پردازد.

این طرح با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل آماری داده‌های موجود انجام گرفته است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که با فروض پیش‌بینی نرخ رشد دستمزدها ۲۰ درصد، نرخ رشد مستمری‌ها ۱۳ درصد، نرخ بیکاری ۱۲/۲ درصد، نرخ پوشش بیمه‌ای ۵۸ درصد، نرخ کسور بازنشستگی ۲۱ درصد و نرخ کسور درمان ۹ درصد، تعداد بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران سازمان در سال ۱۳۹۹ به ترتیب حدود ۱۴/۳ و ۳/۴ میلیون نفر خواهد بود. انتظار می‌رود تعداد بیمه‌شدگان سازمان در این سال با نرخ ۱/۵ درصد نسبت به سال پیش کاهش یابد. با این حال، تعداد مستمری‌بگیران نسبت به سال ۱۳۹۸ با ۰/۷ درصد همانند سال گذشته افزایش می‌یابد. از این‌روست که بر اساس نتایج، نسبت پشتیبانی کاهش یافته و به عدد ۴/۱ در سال ۱۳۹۹ خواهد رسید.

با کاهش نرخ رشد تعداد بیمه‌شدگان نسبت به سال ۱۳۹۸ و افزایش نرخ رشد دستمزدها، درآمدهای کسورات سازمان با احتساب سهم دولت حدود ۲،۱۶۱ هزار میلیارد ریال پیش‌بینی می‌شود. انتظار می‌رود درآمد سازمان نسبت به سال ۱۳۹۸ اندکی (حدود ۲ درصد) افزایش یابد. البته تعهدات مستمری سازمان نیز افزایش خواهد یافت. با این حال، چون تعداد بیمه‌شدگان از تعداد مستمری‌بگیران بیشتر است، دستکم در کوتاه‌مدت وضعیت شاخص مالی تعهدی سازمان مثبت خواهد بود.

مفاهیم کلیدی: نماگر اقتصادی، تورم، اشتغال، منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی

**عنوان: بازنگری و اصلاح شرایط بازنشستگی و نحوه محاسبه مستمری‌ها
در جهت پایداری مالی و تقویت عدالت در بهره‌مندی از مزایا
مجری: دانشگاه الزهرا (س)، حمید کر دیچه**



ناظر: عباس خندان

گروه: بیمه‌های اجتماعی و محاسبات

سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این پژوهش به بررسی و ارائه اصلاحات پیشنهادی در خصوص شرایط بازنشستگی و نحوه محاسبه مستمری بازنشستگی در سازمان تأمین اجتماعی و شناخت اصلاحات پیشنهادی درباره شرایط بازنشستگی در این سازمان می‌پردازد. و تلاش می‌کند تا ضمن ارائه تصویری دقیق از شرایط و روندهای گذشته تا به امروز سازمان تأمین اجتماعی پیشنهادهای مناسب درباره مقررات (شرایط بازنشستگی و نحوه محاسبه بازنشستگی) و دستورالعمل‌های موردنیاز ارائه کند. این پژوهش از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و داده‌ها و اطلاعات موجود استفاده کرده است.

نتایج این مطالعه و بررسی اصلاحات نشان می‌دهد که نمی‌توان الگویی ثابت برای شیوه محاسبه و شرایط بازنشستگی در کشورها یافت اما می‌توان از تجارب کشورها استفاده کرد تا گزینه اصلاحات ممکن و مطلوب برای ایران را طراحی و پیاده‌سازی نمود. نتایج حاکی از آن است که افزایش سن و سابقه بازنشستگی (با محدودیت سقف سن و سابقه)، افزایش تعداد سال‌های ملاک برای تعیین مستمری (به شرط شاخص بندی با معیار مشخص)، تعیین شیوه دقیق شاخص بندی مستمری، تعدیل شیوه و میزان بهره‌مندی بازماندگان، عدم افزایش نرخ حق بیمه، بازنگری در شرایط بازنشستگی پیش از موعد و ایجاد لایه پایه برای سیستم بازنشستگی، استراتژی تدریج گرایي در طراحی و اجرای اصلاحات، از جمله مهم‌ترین اقدامات و استراتژی‌های اصلاحات است که می‌توان بر مبنای آن مدل متناسب با ایران را طراحی کرد. درنهایت، تأثیر این اصلاحات بر پایداری مالی و کفایت مستمری موضوعی است که در نتیجه طراحی نمونه‌های مختلف اصلاحات و محاسبه نتایج آن باید سنجیده شود.

مفاهیم کلیدی: مستمری، تأمین اجتماعی، اصلاحات صندوق‌های بازنشستگی، سن بازنشستگی، بازماندگان





عنوان: مطالعه امکان‌سنجی طرح بیمه اجتماعی فراگیر با تأکید بر

روش‌های تأمین مالی

مجری: علی‌رضا اشرفی احمدآباد

ناظر: اسمعیل گر جیبور

گروه: بیمه‌های اجتماعی و محاسبات

سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این پژوهش به ارائه راهکارهایی برای طراحی طرح بیمه اجتماعی فراگیر، با ویژگی‌هایی متفاوت نسبت به بیمه اجتماعی مزد و حقوق‌بگیران و متناسب با شرایط شغلی و درآمدی اقشار غیر حقوق‌بگیر می‌پردازد و تلاش می‌کند ضمن ارائه مبانی نظری و تجربیات سایر کشورها در مورد تأمین اجتماعی، به‌ویژه در مورد طرح بیمه فراگیر و توسعه دامنه پوشش نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و نظام تأمین اجتماعی چندلایه و برقراری تور ایمنی اجتماعی، راهکارهایی برای اجرای طرح بیمه فراگیر و تأمین مالی و توجیه منطقی هزینه‌ها زمینه را برای اجرای برنامه‌های اقتصادی، رفع موانع کسب‌وکار و توسعه اشتغال پایدار فراهم سازد.

در این پژوهش از روش پیمایشی پرسشنامه‌ای استفاده شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که به دلیل اجباری نبودن این بیمه‌ها، عملاً بخش قابل توجهی از این اقشار که اتفاقاً بخش واقعی اقتصاد (نه اداری) را به گردش درمی‌آورند، اقدام به بیمه پردازی نمی‌کنند. لذا واقعیت جامعه امروز ایران این است که اقشار کارمند و اداری (به اصطلاح یقه‌سفید) برخوردار از مزایای بازنشستگی مناسب با پوشش تقریباً کاملی هستند، در حالی که قشر کارگر درگیر تأمین حداقل نیازهای رفاهی خود است. این در حالی است که بخش قابل توجهی از مشارکت در پرداخت حق بیمه از سوی دولت انجام می‌شود. لذا عدالت اجتماعی در چنین مدلی قابل تحقق نیست. مطالعات این تحقیق نشان داد که این مشکل در بسیاری دیگر از کشورها نیز وجود دارد. راهکار برخی از کشورها، ایجاد یک تور حمایتی فراگیر برای تحت پوشش قرار دادن اقشار آسیب‌پذیر و فاقد بیمه است تا حداقل نیازهای ایشان تأمین گردد. در این مدل که عموماً تحت نظام‌های بیمه چندلایه دنبال شده، رکن نخست بیمه‌ای کشور، بیمه پایه‌ای فراگیر برای تمامی اقشار جامعه تعریف می‌شود. در این حالت، سطح حداقلی از مزایای بازنشستگی (عمدتاً مستمري بازنشستگی حداقلی، از کارافتادگی و فوت) برای همه اقشار تعریف می‌شود و در رکن‌های ثانویه و طرح‌های تکمیلی، افراد می‌توانند با مشارکت بیشتر اقدام به افزایش سطح این مزایا نمایند. ضمن اینکه رکن‌های دیگری همچون صندوق‌های پس‌انداز یا بازنشستگی شرکتی یا خصوصی نیز وجود دارد که افراد با مشارکت در آنها می‌توانند سطح مزایای دریافتی در دوران بازنشستگی خود را به حداکثر برسانند.

مفاهیم کلیدی: بیمه اجتماعی فراگیر، نظام جامع رفاه نظام تأمین اجتماعی چندلایه، تور ایمنی اجتماعی



**عنوان: ارزیابی مالی قوانین تأثیرگذار بر جریان منابع و مصارف
سازمان تأمین اجتماعی
مجری: حسین مشیری تبریزی**



ناظر: نرگس اکبرپور روشن
گروه: بیمه‌های اجتماعی و محاسبات
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این پژوهش به ارزیابی مالی قوانین تأثیرگذار بر طرح تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ می‌پردازد و تلاش می‌کند ضمن شناسایی قوانین تأثیرگذار، به مواردی از قبیل احصا تعداد افراد متأثر به تفکیک قوانین؛ بررسی شاخص‌های اصلی بیمه‌ای (نظیر نسبت منابع به مصارف، نسبت پشتیبانی و...) طرح تأمین اجتماعی بر اساس صرف قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴؛ ارزش‌گذاری مالی قوانین و مقررات تأثیرگذار و بررسی ابعاد اجتماعی قوانین و مقررات تأثیرگذار بپردازد.

این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نظام تأمین اجتماعی کشور از ابتدای فعالیت خود دستخوش تحولات و تغییراتی بوده که اغلب دارای آثار مالی کوتاه‌مدت یا بلندمدت بوده است. طی سالیان گذشته و با کاهش میزان اشتغال‌زایی در کشور، سیاست‌ها و برنامه‌های مختلفی جهت رفع این مشکل به اجرا درآمد که اغلب این سیاست‌ها و برنامه‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر سازمان تأمین اجتماعی تأثیر گذاشت. قانون‌های مختلف بازنشستگی پیش از موعد و در بعضی مواقع تحت عنوان سخت و زیان‌آور، قانون نوسازی صنایع، معافیت سهم حق بیمه کارفرمایان و... از جمله راهکارهایی بوده که در چند دهه اخیر، جهت حل مشکلات بازار کار و تنظیم خروجی‌ها ورودی‌های آن، اتخاذ شده است. به عبارتی در این سیاست‌ها و برنامه‌ها، دولت به قیمت فشار بر جریان منابع مالی و مصارف سازمان تأمین اجتماعی، به دنبال حل مشکلات بازار کار بوده و به‌نوعی سازمان تأمین اجتماعی بار مسئولیت دولت در این زمینه را به دوش گرفته است. تعهدات مالی اضافی قانون‌گذار برای بازنشستگی‌های پیش از موعد و امتیازات حمایتی که بر عهده دولت گذاشته بود، به‌موقع پرداخت نگردید و همین امر بر وخامت وضع مالی سازمان تأمین اجتماعی افزود. در ۴۰ سال تجربه بازنشستگی پیش از موعد، حدود ۶۳۴ هزار نفر از کل بازنشستگان در سال ۱۳۹۵ را شامل می‌شوند که در مجموع نزدیک به ۵۴ هزار میلیارد تومان بار مالی برای سازمان به همراه داشته است. همچنین، تحلیل بار قوانین یادشده به تفکیک بر چهار مبنای تعداد مشمولین، تعداد سال‌های ارفاق شده، مقدار کل حق بیمه پرداخت نشده و درنهایت بار مالی سرانه ارائه شده است.

مفاهیم کلیدی: ارزیابی مالی قوانین، نظام تأمین اجتماعی، شاخص‌های بیمه‌ای، بازنشستگی پیش از موعد





**عنوان: تهیه داشبورد برای مدل سیستمی منابع و مصارف سازمان
تأمین اجتماعی**
مجری: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرنداگ)

گروه: بیمه‌های اجتماعی و محاسبات
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این طرح به ایجاد یک بستر سیستمی و نرم‌افزاری برای تحلیل کمی حلقه‌های تشدیدکننده یا تضعیف‌کننده شکاف تعهدات سازمان تأمین اجتماعی می‌پردازد. دلیل انجام این طرح نبود یک تحلیل جامع سیستمی از وضعیت سازمان بوده است که از طریق آن بتوان ابعاد گوناگون و سؤالات متنوع پیرامون مدیریت منابع و مصارف سازمان را در یک نگاه جامع‌نگر تحلیل کرده، اثر سناریوهای مؤثر برای پایدارسازی جریان نقدی سازمان را بررسی نماید. این طرح، با ایجاد بستر نرم‌افزار شفاف‌سازی عوامل و ریشه‌های مؤثر بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی با بهره‌گیری از رویکرد سیستمی (همه‌جانبه‌نگر)، زمینه یک فضای تعاملی برای سیاست‌گذاری مبتنی بر دانش و اطلاعات را فراهم کرده است.

در این پژوهش طراحی و تدوین داشبورد برای مدل سیستمی با استفاده از روش سیستم‌های پویا انجام شده است.

دست‌آورد این طرح در قالب داشبوردی مبتنی بر وب توسعه‌یافته و امکاناتی چون دریافت گزارش نموداری، تحلیل حساسیت، سناریوسازی به آن اضافه شده است. این سامانه به تصمیم‌گیران برای درک جامع، هم‌زمان و دینامیک شرایط سازمان برای اتخاذ تصمیمات مبتنی بر داده‌ها و ساختار منطقی-سیستمی روابط بین عوامل مؤثر بر منابع و مصارف سازمان کمک می‌کند. از جمله قابلیت‌های سامانه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: در نظرگیری حدود ۶۰۰ متغیر در زیرسیستم‌های مختلف سازمان، نمایش وضع موجود سازمان، امکان ساخت سناریوهای مختلف و امکان مقایسه وضع موجود با سناریوهای ساخته شده است. با توسعه این سامانه می‌توان به سؤالات متعددی پاسخ داد. این پاسخ‌ها بر اساس تعداد بسیاری متغیر و داده‌ها حاصل می‌شود.

مفاهیم کلیدی: داشبورد، مدل سیستمی منابع و مصارف، سازمان تأمین اجتماعی

عنوان: بررسی امکان سنجی خرید ایام فاقد بیمه پردازی بیمه شدگان
سازمان تأمین اجتماعی
مجری: رضا افقی



ناظر: دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی
گروه: بیمه‌های اجتماعی و محاسبات
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این طرح به محاسبه حق بیمه لازم برای خرید ایام فاقد بیمه پردازی و ارزیابی آکچوئرال تأثیرات ناشی از فروش ایام فاقد بیمه پردازی به بیمه‌شدگان اجباری بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی می‌پردازد. در این مطالعه، از اطلاعات تعداد ۹،۵۱۷،۲۸۲ نفر بیمه‌شدگان اجباری سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۷، برای انجام محاسبات در دو سناریو استفاده شده است. در سناریوی اول کل بیمه‌شدگان اجباری و بیمه‌شدگان اجباری که در بازه سنی ۴۵ الی ۵۵ سال قرار دارند و دارای سابقه کاری ۱۵ الی ۲۵ سال هستند و حداکثر سال‌های قابل خرید در این سناریو ۵ سال در نظر گرفته شده است. در سناریوی دوم، تمامی بیمه‌شدگان اجباری دارای ایام فاقد سابقه بیمه پردازی با سن حداکثر ۶۰ سال در نظر گرفته شده‌اند.

این مطالعه از روش هزینه‌یابی اعتبار پیش‌بینی‌نشده مبتنی بر واحد، استفاده شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که منابع مالی حاصله (حق بیمه‌های دریافتی) مابین ۲۱۶ تا ۳۲۱۲ هزار میلیارد ریال خواهد بود. از طرف دیگر سازمان تأمین اجتماعی می‌بایست با توجه به سناریوهای محتمل حداقل ۱۴۰ برابر و حداکثر ۶۵۰ برابر حق بیمه دریافتی را طی ۵۰ الی ۷۰ سال آینده بازپرداخت نماید. علاوه بر آن، بالغ بر ۳۶۰۰۰ ضریب آکچوئرال به تفکیک جنسیت و وضعیت تأهل برای ترکیبات مختلف سن، سابقه، تعداد سال‌های ایام فاقد بیمه پردازی برآورد شده است. کاربران با به‌کارگیری ضرایب مذکور، به‌راحتی قادر به محاسبه حق بیمه مربوطه برای بیمه‌شدگان خواهند بود.

مفاهیم کلیدی: محاسبه حق بیمه، ایام فاقد بیمه پردازی، ارزیابی آکچوئرال، منابع و مصارف، سازمان تأمین اجتماعی





عنوان: رویکردهای سرمایه‌گذاری در صندوق‌های بیمه اجتماعی با تأکید بر انطباق زمانی دارایی‌ها و تعهدات
مجری: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

ناظر: حبیب انصاری سامانی
گروه: بیمه‌های اجتماعی و محاسبات
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

در این طرح رویکردهای سرمایه‌گذاری در صندوق‌های بیمه اجتماعی با تأکید بر انطباق زمانی دارایی‌ها و تعهدات مورد بررسی قرار گرفته است و در این راستا به موضوعاتی چون سرمایه‌گذاری منفعلانه و فعالانه، درون‌سپاری یا برون‌سپاری حوزه‌های سرمایه‌گذاری، انطباق زمانی دارایی‌ها و تعهدات و ... پرداخته شود. همچنین این طرح ضمن بررسی الزامات و ویژگی‌های جریان نقدی سرمایه‌گذاری‌ها در صندوق‌های تأمین اجتماعی، به بررسی تجربه سایر کشورها از منظر نوع صندوق، میزان ذخایر، عمر صندوق و دیگر موارد مذکور می‌پردازد و در نهایت با توصیف وضعیت فعلی سازمان تأمین اجتماعی در این زمینه، راهکارهایی ارائه می‌کند.

در این پژوهش از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از جریان درآمدها و مصارف سازمان تأمین اجتماعی و روند زمانی آن‌ها، استفاده شده است.

نتایج این مطالعه و بررسی عملکرد مالی سازمان تأمین اجتماعی حکایت از آن دارد که اصلی‌ترین عامل پایین بودن جریان درآمدی نقدی نسبت به جریان هزینه‌ای، بدهی بالای دولت به سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد. بخش اعظم جریان درآمدی صندوق تأمین اجتماعی را مجموع درآمد حاصل از حق بیمه‌های بازنشستگی و درمان (بین ۸۱ تا مرز ۹۸,۷ درصد) و بزرگ‌ترین بخش جریان هزینه‌ای صندوق را مجموع حقوق و مزایای بازنشستگی اعضا (بین ۶۲ تا ۶۹ درصد) تشکیل می‌دهد. این آمارها نشان می‌دهند که مؤلفه سرمایه‌گذاری و بازدهی ناشی از آن در درآمدهای صندوق تأمین اجتماعی ایران تقریباً تأثیری ندارد و کمتر از ۵ درصد از جریان درآمدی را تشکیل می‌دهد. همین نکته به‌تنهایی ضرورت تغییر رویکرد کلی نسبت به مقوله سرمایه‌گذاری در صندوق تأمین اجتماعی را نمایان می‌سازد. بر همین اساس، امکان‌سنجی اتخاذ رویکردهای منفعلانه و فعالانه و همچنین درون‌سپاری و برون‌سپاری در مدیریت سرمایه‌گذاری منابع سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند یک راهبرد اساسی به حساب آید.

مفاهیم کلیدی: سرمایه‌گذاری منفعلانه، سرمایه‌گذاری فعالانه، صندوق‌های بیمه اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی



عنوان: تدوین و پیاده‌سازی نظام ارتباطی با مجلس شورای اسلامی
مجری: فرحناز قهقرایی



گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این پژوهش به بیان مبانی و بایسته‌های قانونی دو وظیفه اصلی (تقنین و نظارت) قوه مقننه به محوریت مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی و فرآیند انجام آن می‌پردازد و به تشریح چگونگی تعاملات سازمان تأمین اجتماعی با اشاره به دوره‌های اخیر یعنی سه دوره نهم، دهم و یازدهم مجلس در این بستر قانونی می‌پردازد. همچنین در این پژوهش تلاش شده است تا چالش‌ها و مشکلات ارتباطی سازمان با مجلس شناسایی شود و راهکارهایی برای آن ارائه شود. این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه کیفی انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سازمان تأمین اجتماعی در این تعاملات در حوزه تقنین در هر دوره قانون‌گذاری به‌صورت فزاینده در ارتباط با بیش از ۱۰٪ کل طرح‌ها و لوایح در دستور کار مجلس شورای اسلامی که مرتبط با مقوله تأمین اجتماعی بوده و همواره در این راستا ناگزیر به انجام فعالیت‌های گسترده قانونی گردیده و بدیهی است با توجه به اینکه سازمان تأمین اجتماعی صرفاً یکی از نهادهای اجرایی کل کشور در میان تمامی وزارتخانه‌ها و نهادهای دیگر می‌باشد، اختصاص ۱۰٪ اقدامات تقنینی مجلس به تأمین اجتماعی که به‌منظور اثرگذاری کارشناسی همواره مستلزم تعاملات گسترده‌ای نیز می‌باشد، رقم‌چشمگیری در این فرآیند به نظر می‌رسد. در حوزه نظارت مجلس نیز پاسخگویی به رقم بالغ بر ۵۵ هزار مکاتبه نمایندگان مجلس با سازمان تأمین اجتماعی صرفاً در دو دوره نهم و دهم و نیز کیفیت و کمیت سایر اقدامات نظارتی نمایندگان مجلس از قبیل تذکر، سؤال از وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی و انجام تحقیق و تفحص و شکایات مردمی به کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی از عملکرد سازمان تأمین اجتماعی، گستردگی انجام تعامل مستمر سازمان تأمین اجتماعی در این حوزه مجلس را نشان می‌دهد.

مفاهیم کلیدی: نظام ارتباطی، سازمان تأمین اجتماعی، مجلس شورای اسلامی،





**عنوان: بررسی الزامات رعایت اصل سه‌جانبه‌گرایی در سازمان
تأمین اجتماعی**
مجری: محمدرضا جوان جعفری و احمد کتابی رودی

گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این طرح به بررسی اصول و مبانی حقوقی الزامات رعایت سه‌جانبه‌گرایی در تأمین اجتماعی می‌پردازد و تلاش می‌کند به بررسی و معرفی الزامات رعایت اصل سه‌جانبه‌گرایی در اسناد بین‌المللی و سیر تطور قانونی اصل سه‌جانبه‌گرایی در قوانین و مقررات حوزه تأمین اجتماعی بپردازد. همچنین تلاش می‌کند ضمن معرفی آثار و نتایج مطلوب رعایت اصل سه‌جانبه‌گرایی در سازمان تأمین اجتماعی به معرفی موانع و چالش‌های پیش روی تحقق اصل سه‌جانبه‌گرایی در سازمان تأمین اجتماعی بپردازد و راهکارهایی برای ارتقای آن ارائه کند.

در این پژوهش از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین روش مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سازمان تأمین اجتماعی در عمل و مطابق رویه‌های جاری، کاستی‌هایی در انطباق و رعایت معیارهای نظام عدم تمرکز اداری در مورد آن مشاهده می‌گردد. از جمله اینکه شخصیت حقوقی آن که به موجب ضوابط قانونی متعددی مستقل تعیین گردیده است، گاهی مورد خدشه قرار می‌گیرد، برخی از اعضا و ارکان آن با دخالت دولت انتخاب می‌گردند و نظارت دولت بر آن در برخی موارد فراتر از نظارت خفیف و قیمومیتی اعمال می‌گردد و این امر در مواردی منجر به کاهش اثربخشی آن می‌شود. نقض اصول و معیارهای عدم تمرکز اداری در مورد سازمان تأمین اجتماعی بیشترین تأثیرات منفی را بر نحوه اجرای رویکرد سه‌جانبه‌گرایی بر این سازمان به جا می‌گذارد. بیشترین سهم در اعمال رویکرد سه‌جانبه‌گرایی در سازمان تأمین اجتماعی، متعلق به هیئت امناء است؛ چراکه جایگاه آن در رأس ساختار سازمان تأمین اجتماعی قرار دارد و نقش مستقیمی در تشکیل و انتخاب اعضای سایر ارکان سازمان تأمین اجتماعی ایفا می‌نماید.

مفاهیم کلیدی: سازمان تأمین اجتماعی، نظام عدم تمرکز اداری، سه‌جانبه‌گرایی.

عنوان: کدگذاری ارقام و مشاغل و فعالیتهای بانک اطلاعاتی

سازمان تأمین اجتماعی بر اساس استاندارد ISIC و ISCO

مجری: محمدعلی بابایی زکلیکی



ناظر: اکبر حسن پور

گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری

سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این طرح به آسیب‌شناسی و تعیین شکاف‌های استراتژیک نظام جذب و استخدام در سازمان تأمین اجتماعی می‌پردازد و تلاش می‌کند با مطالعه و تدوین چارچوب‌های نظری مرتبط با نظام تأمین نیروی انسانی، مطالعه وضعیت موجود نیروی انسانی و تحلیل ضوابط و فرایندهای مدیریت منابع انسانی سازمان تأمین اجتماعی، تحلیل عوامل محیطی، روند متغیرهای جمعیت شناختی، ترکیب جمعیتی و پیش‌بینی عرضه و تقاضا در حوزه منابع انسانی سازمان تأمین اجتماعی و انجام مطالعات تطبیقی (سازمان‌های داخلی و خارجی) در زمینه نظام‌های جذب و استخدام به تدوین فرایندها و فعالیتهای برنامه‌ریزی، کارمند یابی، جذب و به‌کارگیری مبتنی بر شایستگی و تدوین شاخص‌ها و روش‌های ارزیابی کارایی و اثربخشی فرایندهای پیشنهادی در این سازمان بپردازد.

در این پژوهش از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در حال حاضر نظام جذب و استخدام سازمان در چارچوب ساختار و مقررات جاری از جمله مفاد آیین‌نامه استخدامی سازمان، ضابطه استخدامی و قوانین و مقررات بالادستی عمل می‌نماید که ضرورت بازطراحی آن به منظور ایجاد یکپارچگی فرایندهای مدیریت منابع انسانی از طریق بازتعریف ورودی‌ها و خروجی‌ها و نحوه تعامل و اولویت‌بندی آن‌ها بر اساس اصول و مبانی و چارچوب‌ها و استانداردهای مدیریت منابع انسانی، در سطح راهبردی سازمان تشخیص داده شده است. لذا با عنایت به شرح پیشگفت، لازم است در راستای هدف فوق‌الشاره، با پیشروی قرار دادن سند جهت‌گیری راهبردی و مدل مدیریت منابع انسانی سازمان، به‌منظور دسترسی به منابع انسانی کافی و باکیفیت در زمان لازم، فعالیتهای برنامه‌ریزی، کارمند یابی، جذب و به‌کارگیری، بازطراحی و چارچوب‌ها و الزامات حاکم بر هر یک از آن‌ها، تشریح گردد. برخی فرآیندهایی که باعث می‌شوند شایستگی‌های محوری با عملیات منابع انسانی تطبیق یابند تا سازمان بتواند قابلیت‌های نوین در راستای دستیابی به استراتژی‌ها را کسب نماید عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی، کارمند یابی، آموزش، کارگیری، ترک یا جابه‌جایی. شایان ذکر است رابطه متقابل بین برآورد نیروی کار (برنامه‌ریزی) و مدیریت کارراهه شغلی وجود دارد، زیرا برنامه‌ریزی مشخص می‌کند نیازها کدامند و چه بخشی از آن‌ها از طریق منابع داخلی قابل تأمین است.

مفاهیم کلیدی: نظام جذب، استخدام، سازمان تأمین اجتماعی، منابع انسانی، شایستگی





عنوان: سیر تطور قوانین، مقررات و آرای هیئت عمومی دیوان عدالت
اداری مرتبط با بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور موضوع قانون تأمین
اجتماعی در پرتو اصل امنیت حقوقی
مجری: احمد کتابی رودی و محمدرضا جوان جعفری

گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

در این پژوهش قوانین، مقررات و آرای مربوط به بزرگ‌ترین و مهم‌ترین صندوق بازنشستگی در کشور یعنی صندوق تأمین اجتماعی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. همچنین از آنجا که با دید حقوقی به این تحولات نگریسته شده است، تحولات مزبور از حیث انطباق با «اصل امنیت حقوقی» که جامع بسیاری از اصول شکلی و ماهوی حقوق است، موردسنجش و ارزیابی قرار گرفته است.

این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای با تأکید بر مطالعه تاریخی انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نشان می‌دهد که تورم قوانین و مقررات متعارض در این حوزه بسیار زیاد است و قوانین و مقررات مکرراً دستخوش تغییر و اصلاح شده‌اند. قانون‌گذار و مقررات‌گذار به نحو گسترده و بدون توجه به اصول و مبانی محاسبات بیمه‌ای به دنبال توسعه دامنه شمول بازنشستگی پیش از موعد و اعطای سنوات ارفاقی بوده است. متأسفانه در این زمینه هیچ توجهی به منابع مالی و فشار درهم‌شکننده‌ای که بر پیکره نظام بیمه‌ای تأمین اجتماعی و مجموعه بیمه پردازان آن وارد می‌شود، نشده است. گویا قوانین و مقررات مزبور راه‌حل تمام سختی‌ها، مصائب و مشکلات پیش روی کارگران شاغل در مشاغل سخت و زیان‌آور را تنها در بازنشستگی پیش از موعد ایشان دانسته‌اند. لطفی که نه از هزینه عمومی، بلکه از جیب سایر بیمه‌شدگانی که ۳۰ یا ۳۵ سال به نظام بیمه‌ای حق بیمه پرداخت نموده‌اند و کارفرمایانی که مجبور به پرداخت ۴٪ حق بیمه‌ی مازاد بر حق بیمه عادی (۲۰٪) موضوع ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی و ۳٪ بیمه بیکاری شده‌اند، پرداخت می‌شود. در چنین شرایطی وضع «قانون جامع بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان‌آور» که دربرگیرنده اصلاحات تمامی نواقص و معایب اشاره‌شده در قوانین و مقررات سابق این حوزه باشد و تا حد امکان از شناسایی و ایجاد مشاغل سخت و زیان‌آور جدید جلوگیری کند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

مفاهیم کلیدی: دیوان عدالت اداری، بازنشستگی پیش از موعد، مشاغل سخت و زیان‌آور

عنوان: ارتقاء جایگاه مدیریت فناوری اطلاعات در ساختار تشکیلاتی واحدها
مجری: سیده‌های سجادی



ناظر: علیرضا حسن‌زاده (دانشگاه تربیت مدرس) و بهروز کتابی (دفتر راهبری سیستم‌ها)
گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

در این پژوهش که باهدف «تبیین وضع موجود حاکمیت فناوری اطلاعات در سازمان و آسیب‌شناسی آن و دستیابی به طرح توسعه حاکمیت فناوری اطلاعات در قلمرو سازمان تأمین اجتماعی» انجام گرفته، سعی شده است مبانی منطقی و چهارچوب پیشنهاد ارتقاء جایگاه مدیریت فناوری اطلاعات در یک سازمان عمومی که دارای تکالیف دولتی است و ذی‌نفعان مختلفی اعم از حاکمیت، مردم و بخش‌های خصوصی دارد، ارائه گردد. سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان مطالعه موردی در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

این پژوهش با استفاده از روش کیفی و مبتنی بر بررسی مستندات و مصاحبه‌ها انجام شده است.

بر اساس نتایج این پژوهش در مقایسه‌ای با دیگر سازمان‌های داخلی و خارجی انجام شد و مشخص گردید که در تعداد زیادی از کشورها در ۸۰ درصد موارد رابطه سازمانی مدیریت فناوری اطلاعات با عالی‌ترین مقام سازمان به‌صورت مستقیم تعریف شده است. از منظر داخلی نیز در بیش از ۷۰ درصد سازمان‌های هم‌اندازه و مشابه از حیث مأموریت و انتصاب، جایگاه مدیریت فناوری اطلاعات در سلسله‌مراتب اداری بدون واسطه با عالی‌ترین مقام سازمان دیده شده که یا به‌صورت یک معاونت مستقل و یا در حد اداره کل و دفتر مستقل تعریف شده‌اند. همچنین با بررسی وضعیت بلوغ حاکمیت فناوری اطلاعات از شش وجه مهم آگاهی، فرآیند، ابزار، مهارت، مسئولیت و اینکه آیا هدف‌گذاری‌های این زمینه به‌درستی صورت می‌پذیرد یا خیر، نمودار به‌دست‌آمده در این شش وجه به‌صورت بصری نشان داد که توسعه حاکمیت فناوری اطلاعات به‌صورت متوازن در شش وجه فوق پیش نرفته است و نیازمند تقویت جدی در وجه فرآیند هستیم که یکی از مهم‌ترین توانمندسازهای حاکمیت فناوری اطلاعات است. وضعیت آگاهی به نسبت خوب بوده ولی وجوه مهارت و ابزار بهتر از وجوه دیگر هستند.

مفاهیم کلیدی: مدیریت فناوری اطلاعات، آسیب‌شناسی، سازمان دیجیتال، پیشران فناوری





عنوان: برون‌سپاری، بازطراحی ساختار و سازوکارهای اجرایی طرح‌های فناوری اطلاعات
مجری: پوراندخت نیرومند

ناظر: قیومی / ناظر اجرایی: دفتر راهبری سیستم‌ها
گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

برون‌سپاری در حوزه خدمات فناوری اطلاعات در سازمان‌های محلی نه یک گزینه بلکه یک ضرورت استراتژیک محسوب می‌شود تا سازمان‌ها بتوانند بر وظایف اصلی خود تمرکز نمایند و با کاهش هزینه‌های عملیاتی و ریسک فناوری، منابع برون‌سازمانی را در خدمت اهداف سازمانی خود قرار دهند. در این پژوهش با تبیین وضعیت موجود فرآیند برون‌سپاری طرح‌های فناوری اطلاعات در ۱۲ محور اصلی برون‌سپاری و آسیب‌شناسی فرآیند برون‌سپاری با یک مدل پنج‌وجهی، و مطالعه آخرین دستاوردها و تجارب برون‌سپاری در کشور و همچنین رهنمودهای نهادها و استانداردهای بین‌المللی چون «ایسا»، «کوبیت»، «آی.تی.آی.آل»، «ایزو»، پیشنهادهای اجرایی و کاربردی ارائه شد.

این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و روش کمی پیمایش پرسشنامه‌ای انجام شده است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش، الگوی بازطراحی و سازوکارهای اجرایی برون‌سپاری طرح‌های فناوری اطلاعات سازمان تأمین اجتماعی دارای ابعاد ذیل می‌باشد: بروز رسانی آیین‌نامه معاملاتی سازمان، تدوین بخشنامه برون‌سپاری طرح‌های فناوری اطلاعات، بروز رسانی آیین‌نامه مالی سازمان، تدوین شیوه‌نامه شورای فاوا، الگوی مطلوب فرآیند برون‌سپاری طرح‌های فناوری اطلاعات، پیشنهاد همکاری با استارت آپها، الزامات اسناد مناقصه، پیشنهادات ساختاری، پیشنهادات حوزه قراردادهای، آموزش، شایسته‌گزینی در انتصابات کمیته‌ها و کمیسیون‌های برون‌سپاری، پیشنهادات پژوهشی، سازمانی و بانک اطلاعاتی

مفاهیم کلیدی: سازمان تأمین اجتماعی، فناوری اطلاعات، برون‌سپاری



عنوان: طراحی الگوی مدیریت منابع انسانی مبتنی بر تفاوت نسل‌ها در سازمان تأمین اجتماعی (با تأکیدی بر جنبه‌های انگیزشی مدیریت کارکنان)
مجری: نوش آفرین چترچی



گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

هدف اصلی در پژوهش حاضر، طراحی الگوی مدیریت منابع انسانی مبتنی بر تفاوت نسل‌ها در سازمان تأمین اجتماعی با تأکیدی بر جنبه‌های انگیزشی مدیریت کارکنان (ابزارهای تشویق، ابزارهای تنبیه، ابزارهای انگیزه‌بخشی، ابزارهای رضایتمندی شغلی) بود. نسل‌های متفاوت دارای رویکردها و چشم‌اندازهای متفاوتی در خصوص اخلاق کاری، رهبری و اختیار هستند. این تفاوت‌ها می‌تواند عامل ایجاد تضاد، یأس و ناامیدی یا سوءتفاهمی شود که در صورت عدم اعمال مدیریت مناسب، چالش‌های اساسی برای سازمان ایجاد می‌کند. زمان انجام کار با قلمرو زمانی منطبق و در محدوده زمانی سال ۱۳۹۸ و قلمرو مکانی پژوهش مشتمل تمامی شعب اداره کل تأمین اجتماعی غرب و شرق تهران بزرگ در نظر گرفته شده است.

روش این پژوهش از نوع کیفی است که بر پایه روش گراندد تئوری (بدون ساختار) انجام شده است.

بر اساس نتایج این مطالعه در خصوص ابزارهای تشویق در بین نسل‌های مختلف کارکنان ۴ کد محوری (پاداش غیرمالی؛ پاداش مالی (غیر نقدی)؛ پاداش مالی (نقدی)؛ ویژگی‌های تشویق)، در خصوص ابزارهای تنبیه در بین نسل‌های مختلف کارکنان ۸ کد محوری (تنبیحات غیرمالی مثبت؛ تنبیحات غیرمالی منفی؛ تنبیحات مالی مثبت؛ تنبیحات مالی منفی؛ پیش‌نیازهای تنبیه اثربخش؛ نظام مدون تنبیه؛ ویژگی‌های تذکر اثربخش و همچنین ویژگی‌های تنبیه اثربخش)، در خصوص ابزارهای انگیزه‌بخشی در بین نسل‌های مختلف کارکنان ۲۴ کد محوری و در خصوص ابزارهای رضایتمندی شغلی در بین نسل‌های مختلف کارکنان در قالب ۱۲۹ کد محوری و ۳۲۹ کد اولیه احصاء و دسته‌بندی شده‌اند. در مجموع تعداد ۷۰۸۴ کد از محتوای داده‌های استخراج‌شده، احصاء شده است.

مفاهیم کلیدی: تفاوت نسلی، تشویق، تنبیه، انگیزه‌بخشی، رضایت شغلی، سازمان تأمین اجتماعی





عنوان: بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و سرمایه روان شناختی با کار آفرینی سازمانی

با تأکید بر نقش میانجی خلاقیت شغلی کارکنان سازمان تأمین اجتماعی شهر تهران

مجری: مهرا ن امیر رضوی

گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری

سال: ۱۳۹۸

چکیده:

در سازمان‌های امروزی، حداکثر کردن عملکرد منابع انسانی درون سازمان و ارتباط صحیح آن‌ها با محیط اهمیت بسیار زیادی پیدا کرده و در اولویت رسالت‌های بسیاری از سازمان‌ها قابل‌رؤیت است. بر این اساس و با توجه به اهمیت سازمان تأمین اجتماعی در تأمین امنیت سایر مشاغل و لزوم انگیزه کاری بالای آن‌ها برای ایجاد امنیت اداری برای این قشر عظیم و مراجعین آن‌ها، این گزارش به بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و سرمایه روان‌شناختی با کارآفرینی سازمانی با تأکید بر نقش میانجی خلاقیت شغلی کارکنان سازمان تأمین اجتماعی در شهر تهران می‌پردازد.

این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی پرسشنامه‌ای انجام شده است که ۲۵۳ پرسشنامه‌ها را پر کرده‌اند.

بر اساس نتایج این مطالعه بین خلاقیت شغلی با کارآفرینی سازمانی در بین کارکنان ستاد رابطه وجود دارد. ضریب مسیر مستقیم کارآفرینی سازمانی به خلاقیت شغلی مثبت معنی‌دار می‌باشد ($p = 0/0001$ و $\beta = 0/55$). بین سرمایه روان‌شناختی (امید، تاب‌آوری، خوش‌بینی، خود کارآمدی) با کارآفرینی سازمانی در بین کارکنان رابطه وجود دارد. ضریب مسیر مستقیم کارآفرینی سازمانی به سرمایه روان‌شناختی مثبت معنی‌دار می‌باشد ($p = 0/0001$ و $\beta = 0/58$). بین فرهنگ سازمانی (توانمندسازی، تیم‌گرایی، توسعه قابلیت‌ها، ارزش‌های بنیادین، انسجام و هماهنگی) با کارآفرینی سازمانی در بین کارکنان رابطه وجود دارد. بین خلاقیت شغلی با سرمایه روان‌شناختی در بین کارکنان ستاد رابطه وجود دارد. ضریب مسیر مستقیم خلاقیت شغلی به سرمایه روان‌شناختی مثبت معنی‌دار می‌باشد ($p = 0/006$ و $\beta = 0/24$). بین خلاقیت شغلی با فرهنگ سازمانی در بین کارکنان رابطه وجود دارد. ضریب مسیر مستقیم خلاقیت شغلی به فرهنگ سازمانی مثبت معنی‌دار می‌باشد ($p = 0/0001$ و $\beta = 0/30$). خلاقیت شغلی در رابطه کارآفرینی سازمانی با فرهنگ سازمانی و سرمایه روان‌شناختی کارکنان نقش میانجی دارد. حد پایین فاصله اطمینان $0/0079$ - تا حد بالای آن $0/1570$ می‌باشد که حاکی از عدم معنی‌داری این مسیر غیرمستقیم می‌باشد.

مفاهیم کلیدی: فرهنگ سازمانی، سرمایه روان‌شناختی، خلاقیت شغلی، کارکنان، سازمان تأمین اجتماعی



عنوان: روند پیاده‌سازی برنامه راهبردی، موانع و بایسته‌های آن
مجری: آزاده روشن روان



ناظر: فرشید یزدانی، نعمت اله علیپور، حسام نیکوپور

گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری

سال: ۱۳۹۸

چکیده:

این پژوهش به شناسایی و اولویت‌بندی اجرای برنامه راهبردی در سازمان تأمین اجتماعی می‌پردازد و تلاش می‌کند مراحل اجرای مؤثر استراتژی‌ها در سازمان را استخراج کند و با شناسایی موانع و چالش‌های راهکارهایی برای حل ریشه‌ای موانع اجرای برنامه راهبردی سازمان ارائه کند.

این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و مصاحبه کیفی انجام شده است.

بر اساس نتایج این مطالعه و برآیند نظریات و یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که مدل مشارکت غیرمتمرکز بهترین مدلی بوده که برای برنامه‌ریزی استراتژیک سازمان در سال ۱۳۹۳ انتخاب شده است. اما در باب کیفیت این مشارکت باوجود دقت در فرایند تدوین، بهبود محتوا نسبت به دوره‌های پیشین و بالا بودن بلوغ سازمانی نسبت به گذشته، هنوز جای تردید وجود دارد. به‌طور کلی می‌توان این‌گونه بیان داشت که تا زمانی که مشارکت در تدوین برنامه به شیوه نهادی نباشد و صرفاً برای رفع تکلیف صورت پذیرد، نمی‌توان به بالا رفتن کیفیت مشارکت در تدوین برنامه‌های سازمان امیدوار بود. به‌طور کلی در مصاحبه‌ها «موانع مدیریتی»، «ضعف ساختاری»، «ضعف در تخصیص منابع»، «مشکلات حین تدوین برنامه»، «موانع فرهنگی»، «مقاومت‌ها در برابر تغییر» و «موانع خارجی اجرای برنامه» به‌عنوان موانع اجرای برنامه معرفی شدند که در پرسشنامه هم مورد اشاره قرار گرفته بودند. در این میان «عدم اعتقاد فکری و ذهنی به برنامه» که یکی از موانع مدیریتی محسوب می‌شد بیشترین فراوانی کد را در مصاحبه‌ها به خود اختصاص داده است.

مفاهیم کلیدی: برنامه راهبردی، سازمان تأمین اجتماعی، موانع فرهنگی، موانع مدیریتی





عنوان: مدل ارزیابی و رتبه‌بندی نظام پیشنهادها وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
مجری: آزاده باطبی

ناظر: قیومی

گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری

سال: ۱۳۹۸

چکیده:

امروزه یکی از معضلاتی که سازمان‌ها به آن مبتلا هستند مشکل نیروی انسانی و ناتوانایی سازمان در استفاده بهینه از توان بالقوه کارکنان به‌ویژه در سطوح کارشناسی و تخصصی است. این پژوهش ضمن معرفی نظام پیشنهادات، و مدل‌های ارزیابی برای ارزیابی و بهبود این نظام ارائه کرده است تا سازمان‌ها با استقرار و بهبود نظام پیشنهادات مشکل نیروی انسانی را مرتفع ساخته و بهره‌وری خود را افزایش دهند. و سپس روش ارزیابی و نحوه برگزاری جشنواره در سطح وزارت تعاون؛ کار و رفاه اجتماعی به‌صورت راهنمای جامع جشنواره و ارزیابی و رتبه‌بندی ارائه شده است.

بر اساس نتایج این مطالعه مدل ارزیابی نظام پیشنهادها حول ۸ معیار و ۱۱۳ زیر معیار طراحی شده است. همچنین در بخش‌هایی از طراحی مدل، از مدل اروپایی تعالی سازمانی (EFQM) الهام گرفته شده است. همانند مدل EFQM جمع امتیازات ۱۰۰۰ امتیاز است و معیارها به دو گروه توانمند ساز (معیارهای ۱ تا ۷) و نتایج (معیار ۸) تقسیم می‌شود. در توزیع امتیازها ۶۰۰ امتیاز به معیارهای توانمند ساز (۷ معیار اول) و ۴۰۰ امتیاز به معیار نتایج (معیار هشتم) تخصیص یافته است. معیار اول: رهبری؛ مشارکت مستقیم رهبران در امر طراحی، استقرار و راهبری نظام پیشنهادها، حمایت سیستمی و نظام‌مند رهبران سازمان از نظام پیشنهادها، حمایت‌های مالی و تأمین منابع لازم برای بهسازی و راهبری نظام پیشنهادها توسط رهبران، وجود نگرش‌ها و باورهای صحیح رهبران سازمان در زمینه مشارکت و پیشنهادها، با شاخص ۲۱ بود. معیار دوم: آموزش و توان‌افزایی با ۱۱ شاخص. معیار سوم: تبلیغات و فرهنگ‌سازی نظام پیشنهادها با ۱۱ شاخص، معیار چهارم: سازمان‌دهی با ۹ شاخص، معیار پنجم: مدیریت دانش و سیستم اطلاعاتی با ۹ زیرمجموعه، معیار ششم: فرآیندها با ۵ شاخص، معیار هفتم: نظام انگیزش با ۸ شاخص، معیار هشتم: نتایج و دستاوردها با ۲۰ شاخص

مفاهیم کلیدی: نظام پیشنهادها، رتبه‌بندی، جشنواره، مدل تعالی



عنوان: بررسی ارزش‌های استراتژیک زنجیره بلوک و موارد کاربردی آن در صنایع مختلف با رویکرد حل مسئله در سازمان تأمین اجتماعی
مجری: سائنا آقابابایی



گروه: حقوق
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

در این پژوهش پس از بررسی چابستی فناوری زنجیره بلوک، قابلیت‌ها، ویژگی‌ها و موارد کاربردی این فناوری در حوزه صنایع مختلف، به تعریف عملیاتی هر یک از متغیرهای موردبررسی در بخش نتایج پرداخته شده است. پس از آن، مدل مرجع «چارچوب ارزش زنجیره بلوک» مجمع جهانی اقتصاد موردبررسی قرار گرفته است. در مرحله بعد، به مطالعه پژوهش‌های پیشین به منظور شناسایی چالش‌های فعلی از لحاظ فرایندی پرداخته شده است.

این طرح با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه با خبرگان انجام شده است.

بر اساس نتایج به دست آمده در این طرح چارچوب ارزش فناوری زنجیره بلوک در سازمان تأمین اجتماعی ترسیم شده است که از طریق تطبیق قابلیت‌ها و کاربردهای زنجیره بلوک با گلوگاه‌های شناسایی شده در سازمان تأمین اجتماعی و نیز با استناد بر چارچوب استاندارد مجمع جهانی اقتصاد به دست آمده است. همچنین نتایج این طرح نشان می‌دهد که ویژگی‌های منحصربه‌فرد فناوری زنجیره بلوک باعث می‌شود تا موارد کاربرد بسیاری در صنایع و حوزه فعالیت‌های مختلف ایجاد شود. که علی‌رغم پتانسیل بالقوه بالایی که زنجیره بلوک در ایجاد مدل‌های عملیاتی جدید دارد، اما در مراحل اولیه به کارگیری این فناوری نوظهور بیشترین تأثیرات در راندمان عملیاتی سازمان مشاهده خواهد شد. با حذف یا کاهش واسطه‌ها و ضبط سوابق بر روی زنجیره بلوک، می‌توان هزینه‌های فرآیندهای موجود را کاهش داد. به طور کل، عملکردهای اساسی برخی صنایع ذاتاً برای راهکارهای مبتنی بر زنجیره بلوک مناسب‌تر است. بر همین اساس، بخش‌های خدمات مالی، دولت و بهداشت و درمان بیشترین ارزش را از این فناوری کسب می‌کنند.

واژگان کلیدی: ارزش‌های استراتژیک، چارچوب ارزش، زنجیره بلوک، سازمان تأمین اجتماعی ایران، مجمع جهانی اقتصاد





**عنوان: طراحی سیستم‌های رفتاری شایسته کارکنان سازمان
تأمین اجتماعی**
مجری: ندا محمد اسماعیلی

ناظر: معاونت اداری و مالی
گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

نهادینه‌سازی و پیاده‌سازی اخلاق و ارزش‌ها در سازمان و ایجاد فرهنگ‌سازمانی مطلوب، اخلاق، ارزش‌ها، و مؤلفه‌های فرهنگی، مسئله بسیار مهمی در مدیریت مؤثر منابع انسانی است. در این پروژه سعی بر آن است که پس از بررسی ارزش‌ها و فرهنگ‌سازمانی سازمان تأمین اجتماعی، روش‌هایی برای بهبود فرهنگ‌سازمانی تأمین اجتماعی با تأکید بر تدوین کدهای رفتاری سازمان تأمین اجتماعی شناسایی شود.

این پژوهش اخیر با روش مصاحبه با بیش از ۳۹۵ نفر از مدیران و کارشناسان کدهای اخلاقی و رفتاری در دو بخش عمومی ۲۱۱ کد و در بخش اختصاصی ۴۳۸ کد احصاء شده‌اند.

بر اساس نتایج این مطالعه یک راهنمای کدهای رفتاری تهیه شده است. این راهنما در دو قسمت کدهای عمومی و کدهای اختصاصی تقسیم شده است. در کدهای عمومی ۲۱۱ کد احصاء شده است از جمله: تعامل با همکاران، پوشش و آراستگی، فضای عمومی، مکاتبات اداری، اخلاق عمومی و مذهبی، رعایت حریم شخصی ارباب‌رجوع، صیانت از دارایی‌های سازمان، مدیریت اطلاعات، آداب گفتگوی رسمی و مشارکت در نشست‌ها (جلسات، همایش‌ها، هم‌اندیشی‌ها و...)، سلسله‌مراتب سازمانی، وظیفه‌مداری و آگاهی از وظایف شغلی، نوآوری، مسئولیت اجتماعی، پرهیز از تبعیض، هدایا و مبادله‌ها، قراردادهای و پروژه‌ها و امور مالی، تعارض منافع، مدیریت روابط با مراجع برون‌سازمانی؛ و امور سیاسی. در بخش دوم کدهای اختصاصی مربوط به ۱۱ شغل پرتکرار در سازمان تأمین اجتماعی است از جمله: رئیس شعبه، بازرس کارگاه‌ها یا مسئول اجرائیات، پزشک، پرستار، مسئول دفتر، متصدی خدمات عمومی، متصدی پذیرش و اطلاعات، نگهبان و راننده در این بخش ۴۳۸ کد به‌طور اختصاصی احصاء شده است.

مفاهیم کلیدی: سازمان تأمین اجتماعی، کدهای رفتاری، اخلاق، ارزش‌ها، فرهنگ‌سازمانی



عنوان: تدوین مدل عارضه‌یابی سیستم نظام پیشنهادها
مجری: مرتضی مناف پور قمی



ناظر: دکتر قیومی

گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری

سال: ۱۳۹۹

چکیده:

نظام پیشنهادها و دریافت ایده‌های کارکنان و ذی‌نفعان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از سال ۱۳۸۱ با برنامه تحول به وزارتخانه و تمامی دستگاه‌های اجرایی ابلاغ گردید. با توجه به این‌که بیش از ۱۰ سال از استقرار سیستم مذکور می‌گذرد، هنوز نتایج مطلوبی حاصل نشده و نتایج سرانه پیشنهاد وزارت در طی ده سال اخیر زیر یک بوده و این نشان‌دهنده وضعیت نامناسب دریافت پیشنهادها در بین کارکنان وزارت می‌باشد. از این‌رو این پژوهش به ارائه مدل عارضه‌یابی نظام پیشنهادها وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و تلاش می‌کند تا مؤلفه‌های کلیدی و شاخص‌های مدل عارضه‌یابی نظام پیشنهادها وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را شناسایی کند.

این پژوهش با استفاده از روش پیمایش پرسشنامه‌ای انجام شده است.

بر اساس یافته‌ها، علیرغم تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های مناسب و قابل توجهی که در این حوزه توسط مسئولان و مجریان نظام پذیرش و بررسی پیشنهادها در دستگاه‌های دولتی کشور از جمله وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی صورت گرفته و در حال اجرا می‌باشد، چنین به نظر می‌رسد که هنوز هم زمینه‌های قابل بهبودی در این فرایند وجود داشته باشد که نیازمند شناخت، بازشناسی و راهکار یابی می‌باشند. حتی گفته شده است که ساختار کهن و رکود نسبی سیستم اداری باقیمانده از دوران گذشته با ماهیت پویای نظام پیشنهادها مطابقت ندارد و باید موانعی که فراروی اجرای نظام پیشنهادها است شناسایی و حتی‌المقدور رفع شود. قطعاً آگاهی از این آسیب‌ها و برخورد عالمانه و دلسوزانه با آنها می‌تواند زمینه نهادینه کردن اهداف مدیریت مشارکتی و توسعه مبتنی بر دانایی را در سطح وزارت تسهیل نماید. در این تحقیق سعی شده است تا برخی از مهم‌ترین عارضه‌های موجود نظام پذیرش و بررسی پیشنهادها در ابعاد مختلف مورد شناسایی و معرفی قرار گیرند.

مفاهیم کلیدی: نظام پیشنهادها، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مدل عارضه‌یابی





عنوان: بازنگری و ویرایش کدهای استخراجی در پژوهش «طراحی و تدوین مکانیسم‌های جاری سازی اخلاق، ارزش‌ها و فرهنگ سازمانی (EVC) در راستای ایجاد سیستم‌های رفتاری شایسته کارکنان در سازمان تأمین اجتماعی»
مجری: سید وحید میره‌بیگی

ناظر: شروین مشایخی

گروه: مدیریت، حکمروایی و فناوری

سال: ۱۳۹۹

چکیده:

با توجه به این که پژوهش «طراحی و تدوین مکانیسم‌های جاری سازی اخلاق، ارزش‌ها و فرهنگ سازمانی (EVC) در راستای ایجاد سیستم‌های رفتاری شایسته کارکنان در سازمان تأمین اجتماعی»، دارای نقص‌های روش‌شناختی و ایرادات کلی‌ای از جمله عدم انسجام بخش‌ها، در خدمت هدف پژوهش قرار نگرفتن بخش‌های متنوع کار، ارائه یافته‌ها به صورت جدول و خالی از بحث و تفسیر، و موارد دیگر بوده است همچنین کدهای رفتاری تدوین شده نیز دارای نواقص آشکاری بود: برخی کدها انتزاعی بوده و بیشتر ماهیت هدف، ارزش و مأموریت سازمانی داشتند، برخی کدها بیشتر مضامین اخلاقی کلی بوده و ماهیت شعارگونه داشتند؛ بسیاری از کدها دارای همپوشانی بودند؛ برخی کدها زائد به نظر می‌رسید و حجم کلی کدها بسیار زیاد بود؛ همچنین، خلاء برخی کدهای ضروری محسوس بود؛ این پژوهش به بازنگری و ویرایش کدهای استخراجی پژوهش مذکور پرداخته است.

این پژوهش با استفاده از روش تحلیل ثانویه انجام شده است.

در نهایت در این پژوهش و در جریان ویرایش انجام شده، کدها بدین گونه تغییر کرده‌اند: الف- حذف می‌شدند. مانند کدهای متضاد با اهداف سازمان (مانند کدهایی که مروج سلطه بر کارکنان و موجب انفعال آن‌ها بودند)، کدهای متضاد با اصول تدوین کدهای رفتاری (مانند آن‌هایی که رفتار کارکنان در حیطه شخصی بیرون از سازمان را کنترل می‌کردند)، آن‌هایی که انتزاعی، از جنس اهداف و مأموریت‌های سازمانی، یا کلی و شعاری یا نامرتب به سازمان بودند. ب- تجمیع و خلاصه می‌شدند. ج- منتقل می‌شدند (برای نمونه از کدهای عمومی به کدهای مدیران یا خدمات) و د- افزوده می‌شدند. شرح چرایی حذف و انتقال کدها در جداول پیوست آمده است.

مفاهیم کلیدی: کدهای رفتاری، رفتار شایسته سازمانی، تأمین اجتماعی، تحلیل ثانویه

**عنوان: الزامات افزایش جمعیت در آینده کشور و نگاهی به
سیاست‌های مشابه در کشورهای منتخب
مجری: زهرا نوروزی**



**گروه: آینده‌پژوهی
سال: ۱۳۹۹**

چکیده:

این گزارش به بحث تغییرات جمعیتی در آینده و سیاست‌گذاری‌ها در زمینه کنترل یا افزایش جمعیت در آینده می‌پردازد. در بخش اول این گزارش، چشم‌انداز جهانی در خصوص تکامل سیاست‌های جمعیتی بین سال‌های ۱۹۷۶ تا ۲۰۱۵ را در موضوعات اندازه جمعیت و رشد، ساختار سنی جمعیت، باروری، بهداشت باروری و برنامه‌ریزی خانواده، بهداشت و مرگ‌ومیر، توزیع فضایی، مهاجرت داخلی و مهاجرت بین‌المللی ارائه شده است و در بخش دوم این گزارش، اطلاعات ویژه کشور در مورد تکامل دیدگاه‌ها و سیاست‌های دولت از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵ با توجه به اندازه و رشد جمعیت، ساختار سنی جمعیت، سطح باروری، سلامت باروری و تنظیم خانواده، سلامت و مرگ‌ومیر، توزیع فضایی، مهاجرت داخلی و مهاجرت بین‌المللی ارائه شده است.

این گزارش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای تهیه شده است.

بر اساس نتایج این گزارش بین سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۱۵، نسبت کشورهای که در مناطق توسعه‌یافته سیاست‌های افزایش نرخ رشد جمعیت را اتخاذ کردند، از ۲۳ درصد به ۴۵ درصد افزایش یافته است. در همین دوره، نسبت کشورهای مناطق کمتر توسعه‌یافته با اتخاذ سیاست‌هایی برای کاهش نرخ رشد جمعیت بدون تغییر باقی مانده است (حدود ۵۰ درصد). در طی پنج سال گذشته، بسیاری از کشورها برای رفع پیری جمعیت (۶۸ درصد) اقداماتی انجام داده‌اند. سیاست‌های افزایش حداقل سن بازنشستگی یا افزایش سهم حق بیمه تأمین اجتماعی کارگران، یک سیاست بسیار متداول در برخی از کشورها بوده است (۳۲ درصد). در سطح جهان، اکثریت بزرگی از کشورها (۸۴ درصد) حمایت مستقیم از برنامه‌ریزی خانواده داشتند. کشورها در ۱۸ کشور پشتیبانی غیرمستقیم ارائه می‌دهند، در حالی که ۱۲ دولت از برنامه‌ریزی خانواده پشتیبانی نمی‌کردند.

مفاهیم کلیدی: سیاست پژوهی، جمعیت، باروری، بهداشت، مرگ‌ومیر، مهاجرت





عنوان: فهم معانی اجتماعی نشاط در تجربه سازمانی پرسنل سازمان

تأمین اجتماعی

مجری: سعیده گراوند

گروه: نظر سنجی و افکار سنجی

سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این مطالعه به بررسی و تحلیل نشاط سازمانی در بین کارکنان سازمان تأمین اجتماعی پرداخته است و تلاش کرده با مصاحبه با کارکنان سازمان، تصویری از مهم‌ترین مسائلی که به کاهش یا افزایش نشاط سازمانی پرسنل سازمان انجامیده را به دست بیاورد.

در این پژوهش از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است.

نتایج این مطالعه پس از مرور رفت و برگشتی مصاحبه‌ها و استخراج دسته‌بندی‌های مختلف از محتوای آن‌ها، نشان می‌دهد که سازمان تأمین اجتماعی با مشکل جدی نشاط سازمانی روبرو است. پرسنلی که به‌تازگی وارد سازمان تأمین اجتماعی می‌شوند منبعی از نشاط و انگیزه هستند. این منبع نشاط در مسیر کارمند شدن، با مسائل زیادی مواجه می‌شود که نشاط اولیه او را به کام تلخی می‌کشانند. اجحاف‌های آگاهانه، توزیع نابرابر امتیازات، تبعیض‌های عریان و وجود رویه‌های متناقض در دستورالعمل‌های سازمان، جان نشاط را در میان کارکنان گرفته است.

مفاهیم کلیدی: نشاط سازمانی، کارکنان، سازمان تأمین اجتماعی



عنوان: مطالعات تطبیقی و پشتیبان نظر سنجی رضایت از بیمه بیکاری و
نگارش گزارش تحلیلی سیاستی در حوزه بیمه بیکاری و نظر سنجی مرتبط
مجری: گروه نظر سنجی و افکار سنجی موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی



گروه: نظر سنجی و افکار سنجی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این نظر سنجی به سنجش میزان رضایت بیکارشدگان در دوران شیوع بیماری کرونا از خدمات بیمه بیکاری و سنجش میزان بازگشت به کار متقاضیان بیمه بیکاری پرداخته است. همچنین تلاش شده است تا موارد مهمی چون برخی پیامدهای بیکاری پیش آمده و فشارهای اقتصادی بر بیکارشدگان و خانواده آنان در ابعاد مختلف، شیوه‌های تدافعی و جایگزین‌های در دسترس اجتماعی بیکاران در برابر موقعیت نامطلوب ایجادشده و نوع نگاه آنان به آینده نیز مورد سنجش قرار گیرد.

این نظر سنجی با استفاده از پیمایش پرسشنامه‌ای تلفنی انجام شده است و با بیش از ۲۰۰۰ نفر مصاحبه شده است.

نتایج این نظر سنجی نشان می‌دهد که

۴۴٫۸ درصد از پاسخگویان اظهار کرده‌اند که مقرری بیکاری دریافت نکرده‌اند.

۸۰٫۹ درصد پاسخگویان به میزان کم و خیلی کم از مبلغ دریافتی مقرری بیکاری رضایت داشتند.

۶۸٫۴ درصد پاسخگویان سرپرست خانوار هستند.

۷۴ درصد از پاسخگویان اظهار کرده‌اند که مخارج ماهانه‌شان کمتر از ۴ میلیون تومان است.

۹۳٫۳ درصد از پاسخگویان بیان کرده‌اند که در ایام بیکاری از هزینه‌های زندگی‌شان کاسته‌اند.

۷۶٫۳ درصد از پاسخگویان بیان کرده‌اند که ناچار شده‌اند در ایام بیکاری هزینه‌های مواد خوراکی را کاهش دهند.

۶۲ درصد از متقاضیان دریافت مقرری بیمه بیکاری پس از درخواست سه ماهه اسفند ۱۳۹۸ تا اردیبهشت ۱۳۹۹ مجدداً مشغول به کار شده‌اند. تقریباً از هر ده نفر، شش نفر آن‌ها به کار بازگشته‌اند. در این میان ۳۸ درصد متقاضیان نیز همچنان بیکار هستند.

مفاهیم کلیدی: همه‌گیری کرونا، رضایت سنجی، بیمه بیکاری، بازگشت به کار





عنوان: فراتحلیل نظرسنجی‌های داخلی و خارجی مرتبط با شیوع بیماری کرونا مجری: سعیده گراوند

گروه: نظرسنجی و افکار سنجی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

با همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ تقریباً هرروزه نظرسنجی‌های زیادی در مورد اثرات ویروس کرونا بر زندگی مردم انجام می‌شود. این گزارش به بررسی و فراتحلیل برخی از نظرسنجی‌ها در داخل و خارج از کشور می‌پردازد در بخش خارجی نظرسنجی مؤسسه‌های همچون بنیاد خانواده کایزر، Reconnect research و Abacus Data بررسی شده است و مهم‌ترین گزاره‌های آن‌ها استخراج شده است. در بخش داخلی نیز نظرسنجی معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری در قالب سه موج و نظرسنجی آقای محمد فاضلی در قالب دو موج مورد مطالعه قرار گرفته است که مهم‌ترین عناوین و بخش‌ها آن‌ها گزارش شده است. در بخش پایانی این گزارش مطالعه موردی از کشور پاکستان ارائه شده است که نتایج آن برگرفته از نظرسنجی موسسه گالوپ پاکستان است.

این طرح با استفاده از روش فراتحلیل و تحلیل ثانویه انجام شده است.

نتایج این مطالعه بر اساس مقایسه موج‌های مختلف نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد با گذشت زمان میزان اطلاعات مردم در مورد ویروس کرونا افزایش یافته است و اکثریت مردم پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه‌ای در مورد رفع سریع این مشکل ندارند. برای مثال در ایالات متحده این آگاهی نسبت به موج‌های پیشین بیش از هفت درصد افزایش یافته است. همچنین نسبت افرادی که معتقدند اوضاع تحت کنترل نیست افزایش یافته است و به ۷۰ درصد رسیده است. بر اساس نتایج نظرسنجی محمد فاضلی، ذهنیت اکثریت پاسخگویان (۶۰٫۲ درصد) طول بحران کرونا را دو تا سه ماه برآورد می‌کند. بیش از نیمی از جامعه (۵۳٫۷ درصد) سه و بیش از سه ماه درگیری با بحران کرونا را مدنظر دارد، ۸۴٫۱ درصد پاسخ‌گویان برآوردی بیش از دو ماه برای طول کشیدن بحران کرونا دارند. از نظر مردم تهران عدم کنترل ورودی از کشور چین، مدیریت ضعیف دولت در درمان مبتلایان و قرنطینه نشدن قم مهم‌ترین دلایل شیوع کرونا در کشور بوده است. همچنین میزان اعتماد شهروندان تهرانی به آمار رسمی اعلام‌شده از سوی دولت درباره میزان ابتلا و فوت مبتلایان به کرونا پایین است. به طوری که ۴۶٫۷ درصد از شهروندان به میزان کم و خیلی کم و ۲۵٫۷ درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد به آمار رسمی منتشر شده اعتماد دارند.

مفاهیم کلیدی: ویروس کرونا، فراتحلیل، نظرسنجی، گالوپ، ایالات متحده، پاکستان



**عنوان: تهیه گزارش سریع روند تغییرات امید به آینده در جامعه
ایران در سی سال اخیر
مجری: گروه نظرسنجی**



**گروه: نظر سنجی و افکار سنجی
سال: ۲۲۱۴۰۲۰۳۷**

چکیده:

این گزارش به بررسی و مطالعه پژوهش‌های صورت گرفته در مورد تغییرات امید به آینده در سی سال گذشته و از منظر شخصی و اجتماعی پرداخته است و تلاش کرده است تا با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه در دوره‌های مختلف و فراتحلیل آن‌ها، تحلیلی پیوسته از وضعیت امید به آینده در سی سال اخیر ایران ارائه کند.

این گزارش با استفاده از روش تحلیل ثانویه پژوهش‌های صورت گرفته قبلی تهیه شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در یک نگاه کلی، پژوهش‌های اجتماعی نشان می‌دهند ایرانیان در طول چهل سال گذشته، علیرغم برخی فراز و فرودها، به‌طور کلی روندی از ناامید شدن را تجربه کرده است. جامعه ایران از یک وضعیت بسیار امیدوار به آینده خود و کشور در آستانه انقلاب، به سمت جامعه‌ای حرکت کرد که در ابتدای دهه ۷۰، از میزان امیدواران به آینده در آن کاسته شده بود. البته در آغاز دهه هفتاد، هنوز در بخش در اقلیت بزرگی از آن امید به آینده‌ای بهتر برای نسل‌های آینده وجود داشت. بر اساس نتایج پژوهش‌ها، در یک روند کلی، با ورود به دهه ۸۰، ناامیدی نسبت به وجوه مختلف آینده جامعه، اعم از اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی و مذهبی، در اکثریت جامعه عمیق‌تر و تا حدی تثبیت شد. امید به آینده سیاسی نیز اگرچه از تحولات سیاسی و به‌خصوص انتخابات سال ۱۳۹۲ به‌طور مقطعی تا حدی تأثیر مثبت پذیرفت اما نتوانست روند کلی نگرش ایرانیان درباره آینده را تحت تأثیر خود قرار دهد. در چنین وضعیتی، افراد در جامعه ایران در هراس از آینده‌ای منفی و هراسناک، هر چه بیشتر سودای نجات خود از فاجعه‌ای که انتظارش را می‌کشند، پیدا می‌کنند. از عوارض تداوم و تعمیق چنین ناامیدی، بی‌اعتنایی به سرنوشت جمعی و حقوق دیگران و تقویت نجات خود و خانواده است. وضعیتی که آن را می‌توان آن را شیوع «فردگرایی خودخواهانه» نامید.

مفاهیم کلیدی: امید به آینده، تغییرات اجتماعی، فردگرایی خودخواهانه، ناامیدی اجتماعی





عنوان: نظرسنجی از بیماران ترخیصی مبتلا به کرونا بستری شده
در بیمارستان‌های سازمان تأمین اجتماعی (استان‌های منتخب)
مجری: گروه نظرسنجی و افکار سنجی موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی

گروه: نظرسنجی و افکار سنجی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این نظرسنجی به منظور سنجش رضایت بیماران ترخیصی مبتلا به کرونا که در بیمارستان‌های سازمان تأمین اجتماعی استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان، البرز، تهران، سمنان، فارس، قزوین، گلستان، گیلان و مازندران بستری بوده‌اند انجام گرفته است و تلاش کرده است تا بر اساس تحلیل‌های داده‌های این نظرسنجی گزارشی از وضعیت موجود و راهکارهایی برای افزایش رضایت بیماران کرونایی بستری به متخصصین و سیاست‌گذاران حوزه‌های مرتبط ارائه کند.

در این پژوهش از روش پیمایش پرسشنامه‌ای استفاده شده است و با ۱۳۰۹ نفر از بیماران مبتلا به کرونا بستری در بیمارستان‌ها مصاحبه انجام شده است.

مهم‌ترین نتایج این نظرسنجی به شرح زیر است:

حدود ۹۳ درصد از بیماران ترخیصی، بیمه‌شده سازمان بوده‌اند و حدود ۷ درصد دیگر به صورت غیرمشمول بیمه تأمین اجتماعی از خدمات بیمارستان‌های سازمان استفاده کرده‌اند. حدود ۱۳ درصد بیماران پس از ترخیص همچنان از نظر خودشان علائم بیماری را داشته‌اند و حدود ۸۵ درصد نیز بهبود یافته‌اند. حدود دو درصد از بیماران نیز پس از ترخیص، فوت شده‌اند. ۸۶٫۱ درصد از پاسخگویان رضایت بالا و بسیار بالایی از عملکرد پرستاران مشغول به خدمت در بیمارستان‌های سازمان داشته‌اند. در نقطه مقابل، ۴٫۱ درصد از بیماران رضایت کم و بسیار کمی از عملکرد پرستاران بیمارستان در طول دوران بستری خود داشته‌اند. ۸۳٫۴ درصد از پاسخگویان رضایت بالا و بسیار بالایی از عملکرد پزشکان معالج در بیمارستان‌های سازمان داشته‌اند. در نقطه مقابل، ۶٫۵ درصد از بیماران ترخیص شده رضایتی بسیار کم و کمی از عملکرد پزشکان سازمان در دوره بستری‌شان ابراز کرده‌اند. توصیف پاسخ‌های باز همچنین نشان می‌دهد به دلیل تراکم و تداوم بحران‌های متقاطع کلی در کشور در دهه اخیر، تشویش‌ها و رنج‌های افراد جامعه به صورت کلی و بیمه‌شدگان سازمان در حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی تشدید شده است. این وضعیت به ایفای نقش مؤثرتر سازمان به‌عنوان نهاد ایجادکننده «امنیت» برای نیروی کار مشمول ضرورتی دوچندان بخشیده است.

مفاهیم کلیدی: رضایت سنجی، کرونا، بستری، بیمارستان، سازمان تأمین اجتماعی،



عنوان: نظر سنجی پیرامون همسان سازی مقرری مستمری بگیران - سازمان تأمین اجتماعی

مجری: گروه نظر سنجی و افکار سنجی موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی



گروه: نظر سنجی و افکار سنجی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این طرح به نظر سنجی از مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی درباره طرح همسان سازی مستمری ها می پردازد و همزمان و دیدگاه ها و نگرش های آن ها را درباره خدمات و ارکان سازمان جمع آوری می کند. نظر سنجی در دی ماه ۱۳۹۹ در سطح کشور و با سفارش سازمان تأمین اجتماعی و همکاری اداره کل ارتباطات و نظارت مردمی سازمان انجام شده است.

این نظر سنجی با دو روش کمی پیمایش پرسشنامه ای و کیفی مصاحبه با پرسش های باز انجام گرفته است. جامعه آماری این نظر سنجی شامل تمامی مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی در سطح کشور بودند که ۱۱۲۵ نفر حجم نمونه انتخاب شده اند.

نتایج این مطالعه نشان می دهد که:

- بیش از ۶۹ درصد از پاسخگویان از کلیت اجرای طرح افزایش حقوق بازنشسته ها ناراضی بودند.
- ۸۳ درصد از پاسخگویان از میزان مبلغ افزایش یافته حاصل از طرح همسان سازی، رضایت نداشتند.
- ۸۶ درصد از پاسخگویان اظهار کردند مبلغ افزایش یافته در تأمین هزینه های زندگی آن ها تأثیری نداشته است.
- ۲۸ درصد از پاسخگویان اظهار کرده اند که مستمری آن ها از مرداد ماه افزایش نیافته است.
- بیش از ۴۷ درصد از پاسخگویان اظهار کردند از خدمات سازمان تأمین اجتماعی ناراضی هستند.
- بیش از ۴۴ درصد از پاسخگویان اظهار کردند به سازمان تأمین اجتماعی اعتماد دارند.
- بیش از ۴۵ درصد از پاسخگویان اظهار کردند وضعیت بازنشستگان در پنج سال آینده بدتر خواهد شد.
- بیش از ۷۵ درصد از پاسخگویان اظهار کردند که بازنشستگان پنج سال پیش آرامش بیشتری در زندگی شان تجربه می کردند.
- بیش از ۷۰ درصد از پاسخگویان اظهار کردند وضعیت اقتصادی بازنشستگان در پنج سال اخیر بدتر شده است.

مفاهیم کلیدی: همسان سازی مستمری ها، بازنشستگان، رضایت سنجی





عنوان: نظرسنجی از کارفرمایان (کارگاه‌های با بیش از ۵۰ نفر کارکنان) پیرامون وضعیت پوشش بیمه تکمیلی کارکنان
مجری: گروه نظرسنجی و افکار سنجی موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی

گروه: نظرسنجی و افکار سنجی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این طرح به نظرسنجی از کارفرمایان (کارگاه‌های با بیش از ۵۰ نفر کارکن) پیرامون وضعیت پوشش بیمه تکمیلی کارکنان می‌پردازد و در کنار آن تلاش می‌کند تا تصویری از میزان رضایت کارفرمایان از خدمات سازمان و میزان اعتماد به سازمان ارائه کند.

این نظرسنجی با استفاده از روش کمی پیمایش پرسشنامه‌ای انجام گرفته است و با ۲۵۰ نفر مصاحبه تلفنی انجام گرفته است. در گزارش نظرسنجی تأکید شده است که به دلیل کم بودن حجم نمونه نتایج این نظرسنجی قابل تعمیم نیست.

نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که:

- بیش از ۵۶ درصد از کارفرمایان اظهار کرده‌اند که پرسنل آنها تحت پوشش بیمه تکمیلی قرار دارند.
- بیش از ۸۲ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که تهیه بیمه تکمیلی برای پرسنل اختیاری بوده است. (این سؤال تنها از کارفرمایانی پرسیده شده است که اظهار کرده‌اند، پرسنل آنها تحت پوشش بیمه تکمیلی قرار دارند).
- بیش از ۵۲ درصد کارفرمایان اظهار کرده‌اند که همه پرسنل آنها تحت پوشش بیمه تکمیلی قرار دارند. (این سؤال تنها از کارفرمایانی پرسیده شده است که اظهار کرده‌اند، پرسنل آنها تحت پوشش بیمه تکمیلی قرار دارند).
- بیش از ۴۲ درصد کارفرمایان از بیمه تکمیلی فعلی رضایت دارند. (این سؤال تنها از کارفرمایانی پرسیده شده است که اظهار کرده‌اند، پرسنل آنها تحت پوشش بیمه تکمیلی قرار دارند).
- بیش از ۸۱ درصد کارفرمایان اظهار کردند که از تمهیدات سازمان تأمین اجتماعی در ایام کرونا استفاده نکرده‌اند.
- بیش از ۲۹ درصد کارفرمایان از خدمات سازمان تأمین اجتماعی رضایت ندارند.
- بیش از ۴۶ درصد کارفرمایان اظهار کرده‌اند که سازمان تأمین اجتماعی اعتماد دارند.

مفاهیم کلیدی: سازمان تأمین اجتماعی، کارفرما، کارگر، بیمه تکمیلی

عنوان: نظرسنجی پیرامون خدمات ارائه شده در طرح ۳۰۷۰
سازمان تأمین اجتماعی و آسیب شناسی فرآیندهای آن
مجری: گروه نظرسنجی و افکار سنجی موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی



گروه: نظرسنجی و افکار سنجی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۹ تصمیم گرفت فرآیند غیرحضوری سازی ارائه خدمات خود به بیمه شدگان را تسریع کرده و تعمیم دهد. به این ترتیب در قالب اجرای طرحی موسوم به ۳۰۷۰ مقرر شد سازمان در قالب غیرحضوری کردن ارائه خدمات ۳۰ مورد از خدمات سازمان و آنلایین کردن آن، ۷۰ میلیون مراجعه حضوری در سال به شعب سازمان را کاهش دهد. این طرح در قالب فرآیندی تحت عنوان «دوشنبه‌های دیجیتال» از نیمه دوم سال ۱۳۹۹ آغاز شد. این نظرسنجی به سنجش و بررسی دیدگاه‌های مخاطبان و ذینفعان سازمان در مورد طرح ۳۰۷۰ می‌پردازد.

در این نظرسنجی از دو روش نظرسنجی کیفی به صورت مصاحبه با کارشناسان صف و ستاد و نظرسنجی پیمایشی از مراجعان خدمات سازمان انجام گرفته است.

نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که:

۷۴٫۵ درصد از پاسخگویان از ارائه خدمت در سیستم غیرحضوری به میزان «خیلی زیاد» رضایت داشتند، ۱۶٫۴ درصد اظهار کرده‌اند که «تا حدودی از این خدمات رضایت داشته‌اند»، همچنین ۹٫۱ درصد از آن‌ها از دریافت این خدمات هیچ رضایتی نداشته و «کاملاً ناراضی» بودند.

۸۵٫۹ درصد از پاسخگویان اظهار کردند که دریافت خدمت به صورت غیرحضوری را ترجیح می‌دهند، ۱۰٫۴ درصد بیان کردند که حضوری را ترجیح می‌دهند و ۳٫۷ درصد هم گفتن هنوز به صورت دقیق نمی‌دانند که ترجیحشان در این مورد چیست.

۶۵٫۹ درصد از پاسخگویان اظهار کردند که «کل فرآیند دریافت خدمت را به صورت غیرحضوری دریافت کرده‌اند»، در حالی که ۲۴٫۲ درصد آن‌ها بیان کردند که «مجبور شده‌اند حداقل یکبار هم به صورت حضوری به شعبه مراجعه کنند»، همچنین ۹٫۹ درصد اظهار کرده‌اند که «این تغییر فایده چندانی نداشته و فقط دریافت خدمت را سخت‌تر کرده است».

مفاهیم کلیدی: سازمان تأمین اجتماعی، رضایت سنجی، طرح ۳۰۷۰، خدمات غیرحضوری





عنوان: نظر سنجی پیرامون همسان سازی حقوق مستمری بگیران
صندوق بیمه اجتماعی کشاورزی، روستائیان و عشایر
مجری: گروه نظر سنجی و افکار سنجی موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی

گروه: نظر سنجی و افکار سنجی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

طرح همسان سازی مستمری‌ها در صندوق بیمه اجتماعی روستائیان و عشایر، در آبان سال ۱۳۹۹ اجرا شد. با توجه به تقسیم‌بندی سطوح درآمدی برای مضمولین این صندوق، ذکر این نکته ضروری است که هر بازنشسته در سطح درآمدی خودش به نرخ معین در سال ۹۹ رسیده است؛ به این معنی که میان فردی که در سطح ۳ و در سال ۸۴ بازنشسته شده است با فرد بازنشسته دیگری که در همین سطح قرار دارد و در سال ۹۳ بازنشسته شده است، تفاوتی وجود نداشته باشد. بنابراین همسان سازی صندوق مربوطه، بر اساس سطوح درآمدی و همچنین حق بیمه پرداختی صورت گرفته است. این نظرسنجی در پی به دست آوردن تصویری دقیق‌تر از وضعیت مستمری‌بگیران صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستائیان و عشایر درباره طرح همسان سازی مستمری‌ها و نگرش سنجی درباره خدمات و ارکان این صندوق است.

نظرسنجی به دو شکل کمی پرسش‌نامه‌ای و کیفی مصاحبه با کارشناسان و نخبگان انجام گرفته است.

نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که:

۴۰ درصد از پاسخگویان از میزان مبلغ افزایش یافته حاصل از طرح همسان سازی، رضایت نداشتند.

۴۸ درصد از پاسخگویان اظهار کردند مبلغ افزایش یافته در تأمین هزینه‌های زندگی آن‌ها تأثیری نداشته است.

بیش از ۲۴ درصد از پاسخگویان از اجرای طرح افزایش حقوق بازنشسته‌ها ناراضی بودند.

۶۳ درصد از پاسخگویان اظهار کردند در زمان پیش از بازنشستگی‌شان به مدیران صندوق بیمه روستائیان اعتماد داشته‌اند.

۴۹ درصد از پاسخگویان اظهار کردند در زمان پیش از بازنشستگی‌شان از خدمات کارگزاری‌های صندوق روستائیان رضایت داشتند.

بیش از ۵۰ درصد از پاسخگویان اظهار کردند وضعیت صندوق در آینده بهتر خواهد شد.

بیش از ۴۶ درصد از پاسخگویان اظهار کردند بیمه صندوق روستائیان در ایام پیری و از کارافتادگی برای آن‌ها مفید خواهد بود.

مفاهیم کلیدی: صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستائیان و عشایر؛ مستمری، همسان سازی، رضایت سنجی



عنوان: رصد پویای تحلیلی رسانه‌های منطقه آسیای غربی و رسانه‌های بین‌المللی در سال ۲۰۲۰ با تمرکز بر رخدادها و روندهای حوزه تأمین اجتماعی، رفاه و سیاست‌گذاری اجتماعی

مجری: گروه نظرسنجی و افکار سنجی موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی



گروه: نظرسنجی و افکار سنجی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این طرح تلاش می‌کند تا تصویری از تحولات اجتماعی و اقتصادی سیاست‌گذاری اجتماعی به‌طور عام و رفاه و تأمین اجتماعی به‌طور خاص در کشورهای مختلف ارائه کند. طرح در دو حوزه ابتدا به تحلیل به‌روز از تحولات حوزه رفاه و تأمین اجتماعی در سطح جهان و ارائه تصویری انضمامی، عینی و دقیق از جوامع مختلف می‌پردازد؛ سپس برای فراتر رفتن از توصیف صرف وقایع به برشمردن سیاست‌ها و حرکت به‌سوی دستیابی به روندها و گفتمان‌های کلی‌تر حاکم بر این توصیفات حرکت می‌کند. همچنین تلاش می‌کند تا داده‌های اولیه برای تحقیقات پژوهشی و دانشگاهی گسترده‌تر در خصوص نظام‌های رفاه و تأمین اجتماعی در کشورهای مختلف برای پژوهشگران و علاقه‌مندان حوزه رفاه و تأمین اجتماعی فراهم کند.

این طرح با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

درنهایت در این طرح چهار گزارش ارائه شده است که بخشی از دستاوردهای این گزارش نشان می‌دهد که جهان پس از پاندمی کرونا جای متفاوتی نسبت به دنیایی است که پیش‌تر می‌شناختیم. شاخص لگاتوم در سال ۲۰۲۰ نشان داد که از روند کامیابی کشورهای جهان پس از همه‌گیری کووید-۱۹ کند شده است و وضعیت رفاهی کشورهای که از زیرساخت‌های مناسب برای مقابله با بیماری برخوردار نیستند، وخیم‌تر شده است. در این وضعیت و با تسریع سالمند شدن جمعیت جهان، تأمین اجتماعی و گسترش پوشش برنامه‌های آن نه‌تنها می‌تواند از مشکلات اقشار اجتماعی کم کند و به بهزیستی آن‌ها کمک نماید، بلکه به میزان زیادی از نگرانی‌های آن‌ها در مورد تأمین معیشت و آینده نیز می‌کاهد. همچنین کشورهای منطقه هرچقدر از اقتصاد قوی‌تری برخوردار باشند، بهتر می‌توانند همه‌گیری را تحت کنترل دریاورند و از میزان ابتلا و مرگومیر بکاهند.

مفاهیم کلیدی: رفاه، تأمین اجتماعی، تحولات رفاهی، سیاست‌گذاری، بهزیستی، کووید-۱۹





عنوان: منبع‌شناسی و چهره‌شناسی توصیفی «هنر کار» در ایران مجری: فروغ عزیزی

گروه: نظر سنجی و افکار سنجی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این پژوهش با تمرکز بر مفاهیم کار و کارگر سعی در بازخوانی تاریخ سینمای ایران دارد و از خلال این بازخوانی به بررسی آثاری می‌پردازد که به‌گونه‌ای که به مسائل پیرامون کار، محیط کار، تناقضات و روابط کار و تأثیر آن در بعد اجتماعی و فردی، خواه به‌طور مستقیم یا خواه غیرمستقیم، پرداختند.

روش پژوهش در این تحقیق اسنادی است. علاوه بر استفاده از منابع موجود تاریخ سینما و اطلاعات موجود در بانک فیلم‌های ایرانی، اثر هنری، همچون متن، مورد استفاده قرار گرفته است. در این گزارش عرصهٔ تئاتر اجتماعی ایران با محوریت موضوعات کارگری به شش دوره اصلی تقسیم شده است.

قدم‌های اولیه (۱۳۲۰-۱۳۳۶) که اولین حضور تئاتر کارگری در دهه‌های بیست و سی شمسی اتفاق افتاده است. تجربه و گذار: (۱۳۳۶-۱۳۴۷) که کم‌کم تئاترهایی با سمت‌وسوی سوسیالیستی می‌شود اما هنوز کارگران حضور قابل‌توجهی در این دوره ندارند.

اوج و بالندگی (۱۳۴۷-۱۳۶۰) که در این دوره موضوعات اجتماعی دوباره به یکی از مسائل مهم تئاتر ایران تبدیل می‌شود و پرداختن به مسئله کارگران صریح‌تر می‌شود. مواردی مانند آی باکلاه آی بی‌کلاه، حسن‌کچل، دیکته، و زاویه. اما انجمن تئاتر ایران باعث چرخشی مهم در تئاتر ایران در پرداختن به موضوعات کارگری شد.

فرود و انزوا (۱۳۶۱-۱۳۷۶) که با بسته شدن سندیکای تئاتر و استقرار سیاست‌ها و سیاست‌گذاران جدید در تئاتر انقلابی و متعهد به پاک‌سازی از عناصر طاغوتی و چپ‌ها تئاترهای کارگری نیز اول کرد.

گذار به موضوعات اجتماعی (۱۳۷۶-۱۳۹۲) از نیمه دهه هفتاد و به دنبال تغییر مدیریت‌ها و اجازه ورود به برخی حیطه‌های ممنوع در هنرهای نمایشی، به تدریج نمایشنامه‌هایی که بر موضوعات روز تمرکز دارند بیشتر می‌شود و توجه به رئالیسم، نمایش‌هایی با موضوعات اجتماعی را بیشتر می‌کند.

تلاش دوباره برای بقا (۱۳۹۲-۱۳۹۸) که موضوعات مرتبط با کارگران دوباره به رویه‌ای رایج در تئاتر ایران بدل می‌شود.

مفاهیم کلیدی: تئاتر، نمایش، کارگر، رفاه، سیاست‌گذاری اجتماعی



**عنوان: ارائه الگوی اصلاح ساختار اداره بیمارستان‌های
تابعه اداره کل درمان مستقیم سازمان تأمین اجتماعی
مجری: صابر اعظمی**



ناظر: شهزاد آردن

گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت

سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این طرح پژوهشی به ارائه یک الگو برای اصلاح ساختار اداره بیمارستان‌های تابعه اداره کل درمان مستقیم سازمان تأمین اجتماعی می‌پردازد. برای این کار تلاش کرده است تا تجارب مرتبط جهانی و کشوری در زمینه اصلاح ساختار اداره بیمارستان‌ها را گردآوری کرده و همزمان به بررسی و ارزیابی عملکرد بیمارستان‌های سازمان تأمین اجتماعی بپردازد. سپس یک الگوی اولیه و پس از اعتبار سنجی یک الگوی نهایی برای اداره بیمارستان‌های تابعه اداره کل درمان مستقیم پرداخته است.

این پژوهش از نظر روش‌شناسی یک پژوهش تلفیقی (کیفی-کمی) می‌باشد که است که از روش مرور منابع کتابخانه‌ای و اسنادی برای گردآوری تجارب دیگر کشورها استفاده کرده است. همچنین از روش کمی و کیفی همزمان برای ارزیابی عملکرد بیمارستان‌ها استفاده شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بر اساس تحلیل دیدگاه شرکت‌کنندگان در مطالعه، در عملکرد بیمارستان‌های سازمان تأمین اجتماعی در نهایت ۲۶ نقطه ضعف و ۱۲ نقطه قوت شناسایی گردیده است. نقاط ضعف با استفاده از ماتریس اولویت‌بندی از دیدگاه صاحب‌نظران اولویت‌بندی شدند که ۷ نقطه‌ضعفی که بیشترین امتیاز را داشتند شامل: بودجه‌ریزی سنتی و خطی، تمرکزگرایی زیاد، نظام تصمیم‌گیری متمرکز، عدم مواجهه با بازار، پایین بودن سرعت تصمیم‌گیری، عدم وجود انگیزه برای صرفه‌جویی مالی و بودجه و انگیزه ناکافی پرسنل و کارکنان به دلیل کمبود اختیارات مدیران ارشد هستند. در نهایت پژوهش با استفاده از نتایج مرور متون، ارزیابی کمی و کیفی بیمارستان‌های سازمان تأمین اجتماعی و مصاحبه با صاحب‌نظران و مسئولین سازمان تأمین اجتماعی، الگوی کلی اصلاح ساختار اداره بیمارستان‌های تابعه اداره کل درمان مستقیم سازمان تأمین اجتماعی ارائه شده است. نتایج اعتبارسنجی الگوی پیشنهادی اصلاح ساختار اداره بیمارستان‌های تابعه اداره کل درمان مستقیم سازمان تأمین اجتماعی نشان می‌دهد که از ۱۱ بعد مورد ارزیابی، ۴ بعد در بازه خوب و ۷ بعد در بازه عالی قرار دارد. به عبارتی اعتبار الگوی پیشنهادی از سوی صاحب‌نظران و مسئولین با درصد بالایی مورد تأیید قرار گرفته است.

مفاهیم کلیدی: خدمات سلامت، کارایی، اثربخشی، اعتبارسنجی، بیمارستان‌های تابعه سازمان تأمین اجتماعی





عنوان: بررسی هزینه-فایده داروی انسولین Pen در مقایسه با داروهای تزریقی معمولی
مجری: یوسف محمدزاده

ناظر: رجبعلی درودی
گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

دیابت از جمله بیماری‌هایی است که تعداد قابل توجهی از مردم ایران از سنین مختلف بدان مبتلا هستند. تزریق مداوم انسولین به بخش بزرگی از این افراد، از ضروریات کنترل و درمان این بیماری است. از این رو، هزینه‌های زیادی در این بخش از طرف افراد و بیمه‌ها پرداخت می‌شود. اما موضوع مهمی که در این بخش وجود دارد نوع انسولین تزریقی است که بررسی هزینه-فایده و هزینه-اثربخشی آن‌ها می‌تواند راهنمای درستی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بخش سلامت ارائه دهد که بر اساس آن برنامه‌های خود از جمله سیستم بیمه‌ای و حمایت هدفمند را دنبال کنند. لذا در این مطالعه، به بررسی هزینه-فایده و همچنین هزینه-اثربخشی دو روش تزریق انسولین قلمی (Pen) و معمولی پرداخته شد.

برای این کار نمونه‌ای از ۲۹۶ نفر به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه‌های مربوط در خصوص اطلاعات فردی، میزان مصرف انسولین، نوع تزریق، هزینه‌ها، وضعیت سلامتی و میزان تمایل به پرداخت، تکمیل و مورد تجزیه-تحلیل قرار گرفت.

نتایج این مطالعه حاکی از آن دارد که تزریق انسولین به روش قلمی به‌طور قابل توجهی اثربخشی بالاتری از تزریق به روش معمولی دارد و همچنین از لحاظ اقتصادی نیز به‌صرفه‌تر از تزریق انسولین به روش معمولی است. لذا حمایت از دسترسی افراد با هزینه‌های حداقلی به امکانات و مواد موردنیاز این نوع تزریق و همچنین اصلاح پوشش بیمه‌ای در همین جهت از توصیه‌های مهم این مطالعه می‌باشد.

مفاهیم کلیدی: دیابت، هزینه-فایده، انسولین قلمی، انسولین معمولی، هزینه-اثربخشی



**عنوان: تعیین نرم کاری کارکنان دفاتر رسیدگی به اسناد پزشکی و
بررسی تأثیر مکانیزاسیون بر آن
مجری: مریم یعقوبی**



ناظر: بهرام محقق

گروه: سیاست گذاری و اقتصاد سلامت

سال: ۱۳۹۹

چکیده:

هر سازمان به واسطه نیروی انسانی کافی و کارآمد می‌تواند به اهدافی که برای خود تعیین نموده است، دست یابد. هرچه مدیران در تأمین نیروی انسانی مناسب و کارآمد و به‌کارگیری آن‌ها در جای مناسب بهتر عمل نمایند، باید به این سؤال‌ها پاسخ دهند که چه ترکیبی از مهارت‌ها در حال حاضر مورد نیاز است و به نتایج عملکردی بهتری دست خواهند یافت. از این‌رو این پژوهش باهدف تعیین صحیح از منابع انسانی مورد نیاز در ادارات پنج‌گانه رسیدگی به اسناد پزشکی (پزشکان، بیمارستانی، دارویی، پاراکلینیک و خسارات متفرقه) انجام شده است

در مرحله اول این پژوهش، به بررسی نرم کاری فعلی کارکنان دفاتر رسیدگی به اسناد پزشکی و فرایندها و گام‌های موجود آن پرداخته شده که اطلاعات و داده‌های مورد نیاز در طی مراحل مختلف پژوهش از طریق مشاهده مستقیم فعالیت کارکنان دفاتر رسیدگی به اسناد پزشکی و مصاحبه با آنان جمع‌آوری شده است. در مرحله دوم با کمک جلسات بحث متمرکز گروهی متعدد، تعداد کارکنان دفاتر رسیدگی به اسناد پزشکی و بررسی با فرض مکانیزاسیون شدن سیستم‌ها محاسبه شده است.

نتایج این مطالعه حاکی از آن است که مکانیزه شدن در بعضی از ادارات شروع شده است. برای مثال اداره رسیدگی به اسناد پزشکی پزشکان در قالب الکترونیکی شدن نسخ آغاز گردیده است. کارشناسان رسیدگی با استفاده از کامپیوتر و سامانه موجود اقدام به رسیدگی اسناد پزشکی می‌نمایند. باین‌وجود نرم‌افزار موجود بیشتر در محاسبات عددی هزینه خدمات ارائه شده به بیمار کمک‌کننده بوده و مابقی اقدامات لازم به‌صورت دستی صورت می‌گیرد. باوجود کارهای اولیه که صورت گرفته است استقرار صددرصدی فرایند مکانیزاسیون دارای محدودیت‌هایی است و بالطبع مستلزم اقدامات و الزاماتی می‌باشد که به‌صورت پیشنهادات کاربردی در این طرح ارائه شده است.

مفاهیم کلیدی: نرم کاری، اسناد پزشکی، الکترونیکی کردن، خدمات سلامت





عنوان: مرور تجارب نظام سطح‌بندی ارائه خدمات درمانی در ایران و

سایر کشورهای جهان

مجری: سمیه نوری حکمت

گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت

سال: ۱۳۹۹

چکیده:

در این مطالعه تلاش شده است تا تجربه سطح‌بندی ارائه خدمات درمانی در سازمان تأمین اجتماعی ایران و تجربیات دیگر کشورها، مانند آمریکا، کانادا، ایتالیا، استرالیا و غیره مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. همچنین در این مطالعه مدل‌سازی نقشه درمان ایران ۱۴۰۴ نیز ارائه شده است و اطلاعات و پیش‌بینی‌هایی در مورد پراکندگی تخت‌های بیمارستانی و روند تغییرات بهره‌برداری جمعیت از تخت‌های بیمارستانی، طول مدت اقامت بیماران و ضریب اشغال تخت‌های بیمارستان در سال ۱۳۹۵ (وضعیت موجود) و سال ۱۴۰۴ (برآورد) ارائه شده است.

در این پژوهش از روش‌های ترکیبی مصاحبه عمیق، تحلیل اسنادی، مطالعه منظم و متاسنتز و سه روش فرمول‌سازی، مدل‌های شبیه‌سازی و مدل‌های رگرسیونی برای گردآوری و تحلیل اطلاعات و داده‌ها استفاده شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سطح‌بندی در سازمان تأمین اجتماعی با مشکلاتی از جمله فهم نادرست، عدم هماهنگی با وزارت بهداشت، تشکیک بین ارائه خدمات مستقیم یا غیرمستقیم، کمبود منابع، فشارهای بیرونی از طرف سیاستمداران، اصناف و گروه‌ها برای ارائه خدمات و همچنین انفعال تولید نظام سلامت روبرو است. در این مطالعه با استفاده از تجربیات کشورهای مختلف راهکارهایی برای حل این مشکلات ارائه شده است.

مفاهیم کلیدی: سطح‌بندی، منطقه‌بندی، خدمات درمانی، سلامت، سازمان تأمین

اجتماعی، نقشه درمان ایران، ۱۴۰۴



**عنوان: مدل بومی محاسبه نیروی انسانی مورد نیاز در مشاغل
منتخب در مراکز بیمارستانی ایران
مجری: رضا توپسرکان منش**



گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت

سال: ۱۳۹۹

چکیده:

یکی از دلایل پرهزینه بودن خدمات بیمارستانی وابسته بودن آن‌ها به نیروی انسانی ماهر و حرفه‌ای است. با توجه به روند افزایشی هزینه‌ها و محدودیت منابع مالی، به نظر می‌رسد برآورد و تخصیص نیروی انسانی در بیمارستان‌ها با روش‌های علمی و مبتنی بر بارکاری علاوه بر تضمین کیفیت و ایمنی خدمات تشخیصی و درمانی، زمینه کاهش هزینه‌های زائد را نیز فراهم نماید. در این گزارش باهدف ارائه یک مدل بومی برای محاسبه و تعیین استاندارد نیروی انسانی تخصصی بیمارستانی برای مراکز بیمارستانی ایرانی انجام شده است. این گزارش با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های پژوهشی با عنوان "تعیین استاندارد نیروی انسانی در مراکز درمانی بستری سازمان تأمین اجتماعی" تهیه شده است که در آن تعداد ۵ بیمارستان به صورت هدفمند و بر اساس پوشش تنوع بخش‌های بستری در بیمارستان‌ها به‌عنوان پایلوت انتخاب شده و داده‌ها از رویکرد مثلثی (Triangulation) با بررسی ادبیات علمی، مدارک و اسناد جاری، و مصاحبه‌های گروهی و فردی و در برخی موارد مشاهده و زمان‌سنجی گردآوری شده است.

درنهایت در این گزارش بر اساس دستاوردهای پژوهش مذکور، مدلی با خصوصیات زیر برای استانداردسازی محاسبه نیروی انسانی پیشنهاد شده است.

برای افزایش دقت برآورد نیروی انسانی در بیمارستان‌ها، فرایندها و فعالیت‌های مربوط به مشاغل بیمارستانی اصلاح و استاندارد شوند به طوری که تداخل و تشابه وظایف به حداقل ممکن برسد.

نرم‌های پیشنهادشده بر اساس تعداد نیروی انسانی معادل تمام‌وقت و بدون ساعت اضافه محاسبه شده است، لذا در صورت پیش‌بینی متوسط اضافه‌کاری مورد انتظار توسط یک رده شغلی تعداد نیروی انسانی به همان نسبت کاهش می‌یابد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی نیروی انسانی بیمارستان‌ها برای تأمین کارکنان مورد نیاز، بیش از یک سناریو با در نظر گرفتن میانگین ساعات اضافه‌کار مختلف تدوین گردد.

با بهره‌مندی از استراتژی ترکیب بهینه نیروی پرستاری اقدام به جذب کارکنان کمک پرستاری شامل بهیار و کمک بهیار شود، به طوری که با تمرکز کاری پرستاران بر مراقبت‌های اصلی و انجام سایر مراقبت‌ها توسط بهیار و کمک بهیار علاوه بر افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها بتوان مراقبت‌های با کیفیت بالاتر برای مددجویان فراهم نمود.

مفاهیم کلیدی: استانداردسازی، کادر پزشکی، خدمات سلامت، پرستاری





عنوان: شناسایی مدل‌های عملیات ارائه خدمت به بیماران مبتلا به دیابت و بهینه‌گزینی مدل‌های اثربخش و کارا
مجری: مهدی مهدوی

ناظر: داود شجاعی‌زاده
گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این پژوهش به شناسایی مدل‌های عملیات ارائه خدمت به بیماران مبتلا به دیابت و بهینه‌گزینی مدل‌های اثربخش و کارا بر اساس میزان تأثیر مدل‌ها بر روی وضعیت سلامت و کیفیت زندگی بیماران و همچنین هزینه‌های ارائه خدمت پرداخته است. شناسایی مدل‌ها امکان یادگیری از آن‌ها و اصلاح وضعیت عملکرد را در شبکه‌های سلامت فراهم می‌کند. همچنین با بررسی مدل‌ها و همچنین پیامدهای نهایی بیماران به توسعه سناریوهای آینده جهت بهبود ارائه خدمات را نیز پرداخته است.

در این پژوهش با توجه به اینکه شناسایی سناریوها با بهره‌گیری از مطالعات تجربی بسیار پرهزینه است این مطالعه با استفاده از کارگاه‌های آینده‌نگری و تکنیک دلفی به شناسایی سناریوهای مناسب می‌پردازد.

در نهایت این گزارش، مدل بهینه عملیات ارائه خدمت به بیمار دیابت نوع ۲ را بر اساس بررسی پیمایشی و نظرات متخصصین توسعه داده است. بخش‌های اصلی مدل بهینه عبارت‌اند از: ثبت‌نام بیمار دیابتی در لیست خدمت‌گیرندگان یک ارائه‌کننده، گروه‌بندی تقاضا برای خدمات دیابت، پیشنهاد تعیین لیست استاندارد خدمات هر بر اساس دستورالعمل‌های بالینی، باز توزیع وظیفه مراقبت از بیماران دیابتی در میان نیروی‌های درمانی، استانداردسازی فرایند درمان بیماران، تغییر در پوشش داروهای دیابت و تغییر در مکانیسم پرداخت به پزشکان معالج بیماران دیابتی، آموزش بیماران و اجرای نظام اطلاعات بیماری دیابت.

مداخله‌های ساختاری شامل ثبت‌نام بیمار در لیست یک ارائه‌کننده، باز توزیع خدمات مراقبتی، تغییر در مکانیسم‌های پرداخته بابت خدمات، توسط ذی‌نفعان و افراد خبره مورد تأکید قرار گرفتند. همچنین متخصصین ارائه خدمت بر روی آموزش بیماران تأکید می‌نمودند و قبل از آن نیز بر روی آموزش افراد ارائه خدمت برای بهبود مراقبت از بیماران دیابت تأکید داشتند. از میان مداخله‌های مدل مراقبت اولویت اصلی با توجه به یافته‌های مطالعه تجربی و همچنین مطالعه کیفی بر روی ساختار مراقبت‌ها بود.

مفاهیم کلیدی: دیابت نوع ۲، بهینه‌گزینی، استانداردسازی فرایند درمان

عنوان: بررسی نابرابری در توزیع جغرافیایی تخت‌های بیمارستانی و مراکز سرپایی در سطح مناطق کلان‌شهر تهران: مقایسه سازمان تأمین اجتماعی با مراکز دولتی و خصوصی
مجری: یوسف چاوہ پور



ناظر: مریم معینی

گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت

سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این پژوهش به بررسی و مطالعه وضعیت نابرابری در توزیع بیمارستان و تخت‌های بیمارستانی در پهنه جغرافیا در سطح شهر تهران و در طول زمان می‌پردازد و ارتباط این نابرابری‌ها با وضعیت اجتماعی-اقتصادی ساکنان مناطق مختلف شهر را بررسی می‌کنند. همچنین این تلاش کرده است تا به مکان‌یابی بیمارستان‌ها و مراکز سرپایی تأمین اجتماعی و بیمارستان‌های دولتی و خصوصی در سطح ۲۲ منطقه تهران بپردازد و یک بستر داده برای تحلیل‌های مکانی فراهم کند. در ادامه با مراجعه به ضریب جینی و شاخص تمرکز در طول زمان (شش برش زمانی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ منطبق بر سرشماری‌های مرکز آمار ایران) به اندازه‌گیری نابرابری در توزیع تخت‌ها و مراکز سرپایی بین مناطق مختلف شهری با استفاده از تحلیل‌های مکانی می‌پردازد. در نهایت یک بررسی مقایسه‌ای در مورد عملکرد سه بخش تأمین اجتماعی، دولتی و خصوصی در امر توزیع مکانی بیمارستان‌ها و تخت‌های بیمارستانی در گذر زمان ارائه می‌دهد.

روش‌شناسی این مطالعه ترکیبی از بررسی‌های مقطعی و سری زمانی می‌باشد که به بررسی توزیع مکانی نقاط بیمارستانی و تخت‌های بیمارستانی و ارتباط آن با وضعیت اجتماعی-اقتصادی هر یک از مناطق در طول شش دوره زمانی ده‌ساله منطبق با سرشماری‌های نفوس و مسکن مرکز آمار به تفکیک مالکیت می‌پردازد.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که شاخص‌های تمرکز، ضرایب جینی و نقشه‌ای GIS نشان دادند که توزیع تخت‌ها بین مناطق بسیار نابرابر می‌باشد و بیشتر این منابع در چند منطقه شهری قرار دارند. این بین توزیع تخت‌های خصوصی تمرکز بیشتری دارد. در ارتباط با تخت‌های وابسته به سازمان تأمین اجتماعی چنین تمرکزی مشاهده نگردید. اگرچه نابرابری بین مناطق به علت تعداد کم بیمارستان‌ها و تخت‌ها وجود داشت اما این نابرابری به نفع مناطق دارای وضعیت اجتماعی-اقتصادی بالاتر نبود. نقشه توزیع بیمارستان‌ها در سطح شهر تهران بیانگر این است توزیع جغرافیایی بیمارستان و تخت‌های بیمارستانی در طول زمان نابرابر می‌باشد و در حالی که بسیاری از مناطق از کمبود منابع بیمارستانی رنج می‌برند، نابرابری در توزیع بیمارستان‌ها ارتباط مستقیمی با وضعیت اجتماعی-اقتصادی مناطق دارد به‌نوعی محرومیت آن مناطق سبب محرومیت در تسهیلات درمانی هم برای آن مناطق شده است.

مفاهیم کلیدی: خدمات درمانی، تخت‌های بیمارستانی، عدالت درمانی، نابرابری





عنوان: بررسی موارد ابتلا به اضطراب سلامت در بیمه‌شدگان سازمان
تأمین اجتماعی استان اصفهان و مداخله برای اصلاح رفتار در سال ۱۳۹۶
مجری: مسعود فردوسی

گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این طرح به بررسی موارد ابتلا به اختلال اضطراب سلامت در بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی استان اصفهان و مداخله برای اصلاح رفتار در سال ۱۳۹۶ می‌پردازد. سازمان‌های بیمه‌گر، سازوکارهای متعددی برای کنترل رفتار ارائه‌دهنده خدمت دارند و این رفتار را بر اساس آیتم‌های مختلف به‌طور مداوم کنترل می‌کنند؛ اما به دلایل مختلف ممکن است از بررسی رفتار مصرف‌کنندگان خدمت غافل بمانند. با این حال، یکی از جامع‌ترین و کامل‌ترین مطالعات برای درک رفتارهای جست‌وجوی درمان در سطح مصرف‌کننده خدمت، مطالعه بهره‌مندی مصرف‌کنندگان خدمت می‌باشد. در این مطالعه در ابتدا با بهره‌گیری از اطلاعات افراد تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی، به شناسایی علل استفاده مفرط از خدمات درمانی پرداخته شده است. سپس تلاش کرده است تا با شناسایی افراد مشکوک به ابتلا به اختلال اضطراب سلامت (به‌عنوان یکی از اختلالاتی که منجر به استفاده مفرط از خدمات سلامت می‌شود)، این افراد به روان‌پزشک معرفی کند و به بررسی روند درمان آنان و تأثیر مداخله روان‌درمانی بر رفتار جست‌وجوی درمان آنان می‌پردازد.

این مطالعه با استفاده از روش کیفی مطالعه و مشاهده فعال میدانی و مصاحبه عمیق انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد افرادی که مراجعه زیاد و مشترک به بخش‌های مختلف مانند آزمایشگاه، داروخانه، پزشک یا رادیولوژی داشته‌اند، بسیار کم و تعداد آن‌ها نزدیک به صفر است. اما با افزایش تعداد افراد مورد بررسی تنها تعداد کمی از افراد یافت شدند که مراجعه به آزمایشگاه و رادیولوژی آن‌ها زیاد بود که باز هم تعدادشان از حد انتظار پایین‌تر بود. در نتیجه در این قسمت احتمال بر این است که نبود فصل مشترک در این مراجعه‌ها می‌تواند این باشد که افراد هر کدام مرتباً به یکی از بخش‌ها مراجعه زیادتری دارند. همچنین در مورد مراجعه افراد به درمان مستقیم یا غیرمستقیم سازمان تأمین اجتماعی نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که افراد پر مراجعه به درمان مستقیم با افراد پر مراجعه به درمان غیرمستقیم فصل مشترک بسیار کم در حد ۲ الی ۳ نفر داشتند. به این معنی که در مراجعه‌های سازمان تأمین اجتماعی برخی از افراد به تعداد بسیار زیاد به درمان مستقیم و یا به‌طور مجزا به درمان غیرمستقیم مراجعه می‌کنند.

مفاهیم کلیدی: اختلال اضطراب، مداخلات روان‌شناختی، استفاده مفرط از خدمات درمانی



عنوان: ارائه بیمه‌های تکمیلی سلامت در سازمان‌های بیمه‌گر پایه اجتماعی
مجری: عفت محمدی



گروه: سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این گزارش به بررسی سازوکارهای ایجاد بیمه تکمیلی سلامت ذیل مجموعه یک بیمه‌گر پایه سلامت می‌پردازد. در گزارش تلاش شده است تا در ابتدا جدولی تطبیقی دربرگیرنده اطلاعات سیستم سلامت و شاخص‌های اصلی سلامت کشورهای منتخب با ایران مقایسه شود و شمایی کلی از وضعیت سلامت کشورهای مورد مطالعه ارائه شود. سه بخش ابتدایی گزارش به ارائه کلیاتی از سیستم سلامت کشورهای منتخب می‌پردازند (با رویکرد سیستم تأمین مالی)، سپس اطلاعاتی در خصوص بیمه‌های خصوصی و نحوه سازمان‌دهی آن‌ها ارائه شده است. در ارائه یافته‌ها سعی شده است تا به سؤالاتی که برای سازمان سفارش دهنده مطرح بوده است پرداخته شود. در بخش آخر گزارش، پیشنهادات پژوهشگر، بر اساس مطالعاتی که انجام شده است، به صورت خلاصه ارائه شده است.

این گزارش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

در این مطالعه تجارب سایر کشورهایایی که در آن‌ها بیمه تکمیلی توسط سازمان بیمه‌گر می‌شود؛ کشورهایایی نظیر آلمان و فرانسه و همچنین تجربه داخلی صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح لازم ارائه شده است. بخش‌های این گزارش شامل مواردی مانند کلیات نظام سلامت کشور آلمان، نحوه مدیریت نظام بیمه‌ای و بیمه‌های خصوصی در این کشور، بیمه‌های اجتماعی در کشور فرانسه، افراد تحت پوشش بیمه سلامت و مزایا و خدمات ارائه شده به افراد تحت بیمه‌های اجباری و وضعیت بیمه‌های خصوصی در این کشور، تجارب بیمه‌های اجتماعی کره جنوبی، تجربه بیمه سلامت، تخصیص منابع مالی و وضعیت بیمه‌های خصوصی در این کشور است و در انتها پیشنهاداتی برای ارتقای وضعیت بیمه‌های اجتماعی و سلامت در ایران و سازمان تأمین اجتماعی ارائه شده است.

مفاهیم کلیدی: بیمه‌های اجتماعی، بیمه سلامت، تأمین مالی، بیمه مکمل، آلمان، فرانسه، کره جنوبی





عنوان: تبیین تقابل نیروهای فعال در اصلاحات نظام بازنشستگی
در کشورهای منتخب با استفاده از رویکرد نهادگرایی
مجری: ابوالفضل عباسی دره‌بیدی

گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این پژوهش به مسئله اصلاحات در نظام‌های بیمه‌ای و صندوق‌های بازنشستگی در کشورهای مختلف می‌پردازد و این موضوع که دولت‌ها پس‌از آن که در مورد یک اقدام اصلاحی برای به‌سازی نظام بازنشستگی به جمع‌بندی رسیده‌اند، برای حصول موفقیت در پیاده‌سازی اصلاحات موردنظر، قبل از اجرای اصلاحات و حین اجرا چه اقداماتی انجام داده‌اند. همچنین واکنش شرکای اجتماعی و گروه‌های ذینفع (از جمله اتحادیه‌های کارگری و انجمن‌های کارفرمایی) نسبت به این اصلاحات چه بوده است و نهایتاً دولت در مقابل واکنش شرکای اجتماعی و گروه‌های ذینفع چه عکس‌العملی داشته است.

این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که با توجه به تجربه سایر کشورها در اصلاحات بازنشستگی می‌توان اذعان کرد که دو عامل مهم‌ترین اثر را بر پیشبرد اصلاحات بازنشستگی داشته‌اند که یکی تمرکز قدرت تصمیم‌گیری نزد دولت، ماهیت دولت (نظام انتخاباتی) و دیگری اجتماعی بوده است. کشورهای دارای نظام‌های اکثریت احزاب نسبتاً کمتری دارند و دولت نیز از احزاب کمتری تشکیل می‌شود. در این حالت بسته اصلاحات به احتمال کمتری با مخالفت درون دولت مواجه خواهد شد یا در صورت مخالفت، خواسته‌های اعضای ائتلاف دارای تکثر کمتری است. همچنین هر چه کشورها دارای نهادهای رسمی‌تری برای دریافت خواسته‌های ذینفعان باشد و پیش از تصویب قانون، نظرات ذینفعان دریافت شود، در طول تصویب قانون و پس‌از آن موانع کمتری در مقابل دولت وجود خواهد داشت. از سوی دیگر، دولت‌ها می‌توانند از طریق اتخاذ استراتژی‌هایی همچون اعطای امتیازاتی، قدرت بازیگران کلیدی در وتوی اصلاحات را خنثی کنند. باین حال یکی از عوامل موفقیت در برخی اصلاحات، منصرف شدن برخی اتحادیه‌ها از ادامه اعتراضات بوده است. در مبانی نظری حاضر توضیحی ارائه نشده است که چرا گاهی اوقات اتحادیه‌ها بدون هیچ امتیازی یا امتیاز بسیار اندک از اعتراضات دست می‌کشند. این مورد یکی از کاستی‌های مبانی نظری این مطالعه است که باید اصلاح گردد.

مفاهیم کلیدی: اصلاحات صندوق‌های بازنشستگی، نظام‌های بیمه‌ای، اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی



**عنوان: «نقض ماهیت بیمه‌های اجتماعی در بافتار کلاینتلیسم؛
مطالعه موردی سازمان تأمین اجتماعی»
مجری: سید وحید میره‌بیگی**



**گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۹**

چکیده:

این پژوهش با این پیش‌فرض که بررسی عملکرد و تحولات نهادهای دیرپا و گسترده‌ای مانند سازمان تأمین اجتماعی، جز در بافتار کلی اقتصاد سیاسی کشور نمی‌تواند روشنگر باشد، به این موضوع پرداخته است که ماهیت سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان یک سازمان بیمه‌گر، در بافتاری که با خصیصه کلاینتلیسم قابل توصیف است، چگونه در معرض خطر قرار می‌گیرد؟ و خطرهای آن کدام سو بر آن وارد می‌شوند؟ بر این اساس این گزارش به بررسی وضعیت نقض ماهیت بیمه‌ی اجتماعی از سوی مراجع برون‌سازمانی، وضعیت نقض سه‌جانبه‌گرایی سازمان تأمین اجتماعی در نظام کلاینتلیست-رانتیر ایران، وضعیت نقض استقلال اداری-مالی سازمان تأمین اجتماعی در نظام کلاینتلیست-رانتیر ایران و بررسی سایر مصداق‌های نقض ماهیت بیمه‌ی اجتماعی در نظام کلاینتلیست-رانتیر ایران می‌پردازد.

این پژوهش با استفاده از روش ترکیبی کمی و کیفی استفاده و تحلیل کمی و کیفی داده‌های موجود انجام گرفته است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سازمان تأمین اجتماعی، در مقام یک نهاد بیمه اجتماعی، تا حد زیادی قربانی بافتار کلاینتلیستی کشور شده است، اما کلاینتالیسم سیاسی تمام داستان نیست و بخش مهمی از توزیع‌های غیر برنامه‌ای در قالب کلاینتالیسم سازمانی رخ می‌دهد. در حالت مطلوب، توزیع‌های سازمان تأمین اجتماعی صرفاً به شکل برنامه‌ای و بدون تبعیض نصیب بیمه‌شدگان مشخص می‌شود اما در حالت موجود سازمان به دلیل مداخلات سیاسی از حفظ منابع بین نسلی درمی‌ماند و بخشی از منابع نصیب اشخاص سیاسی و اطرافیان آنها شده و بخش باقیمانده در قالب توزیع‌های غیر برنامه‌ای نصیب گروه‌های خاص کلاینت‌ها در جامعه می‌شود، همچنین به دلیل فساد برخی از کارکنان، سازمان از حفظ بهینه منابع بین نسلی درمی‌ماند و بخشی از منابع آن توسط کارکنان عاری از تعهد حرفه‌ای مصرف و بخشی دیگر نصیب ویژه‌خواران جامعه می‌شود. درنهایت محقق راهکارهایی از جمله عملی سازی واقعی سه‌جانبه‌گرایی را برای رفع این وضعیت پیشنهاد می‌کند.

مفاهیم کلیدی: بیمه‌های اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی کلاینتالیسم، رانتیر





عنوان: حافظه قانونی سازمان تأمین اجتماعی (مورد مطالعه
قوانین مربوط به روابط پیمانکاران و سازمان تأمین اجتماعی)
مجری: محبتی قاسمی

گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این پژوهش به بررسی و مطالعه شرایط و فضای اجتماعی حاکم بر قانون تأمین اجتماعی و استدلال‌های قانون‌گذار در تصویب مواد مختلف موارد مختلف این قانون می‌پردازد و در این راستا از رویکرد اقتصاد سیاسی قانون‌گذاری بهره گرفته است و تلاش می‌کند تا تصویری از وضعیت اقتصادی و اجتماعی در زمان تصویب مواد قانونی مرتبط با رابطه پیمانکاران با سازمان تأمین اجتماعی و تناسب این قانون با شرایط مذکور ارائه کند و به مستندسازی فضای اجتماعی، اقتصادی حاکم در زمان تصویب قانون تأمین اجتماعی بپردازد و در نهایت پیشنهادهایی برای اصلاح قانون در شرایط متمایز اقتصادی و اجتماعی متمایز و بازار اشتغال ارائه کند.

این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نظام تأمین اجتماعی امروز ایران که مشتمل بر شاغلین در قراردادهای مقاطعه‌کاری نیز است، مرهون قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران در سال ۱۳۳۱ است که در دولت مصدق مصوب شد. البته که این نقطه عطف تاریخی خود وام‌دار سال‌ها تلاش احزاب چپی در ایران در دهه‌های پیش از تصویب این قانون بوده است و نمی‌توان از نقش پررنگ آن‌ها در این تحول تاریخی به‌آسانی گذر کرد. قانون مزبور در واقع شالوده و سنگ‌بنای نظام تأمین اجتماعی در ایران است. به‌ویژه، در خصوص قراردادهای مقاطعه‌کاری می‌توان ادعا کرد از زمان تصویب این قانون هیچ تغییر معناداری در اصل و ماهیت موضوع بیمه کردن شاغلین در قراردادهای مقاطعه‌کاری رخ نداده است؛ تغییرات صورت گرفته حول نحوه و شکل اجرای این امر بوده است. در مواجهه با قراردادهای مقاطعه‌کاری، از یک‌سو، سازمان تأمین اجتماعی متعهد است که کارگران شاغل در آن‌ها را تحت پوشش خدمات خود قرار دهد و از سوی دیگر مسلماً برای انجام این تعهدات باید طبق قانون از آن‌ها و کارفرمایان (پیمانکار) کسورات دریافت کند. واکاوی تاریخی روابط میان پیمانکاران و سازمان تأمین اجتماعی حاکی از آن است که محل اختلاف اصلی همین نحوه و میزان کسوراتی است که باید جهت پوشش بیمه‌ای کارگران شاغل در این قراردادها اخذ گردد.

مفاهیم کلیدی: قانون تأمین اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی، پیمانکاران، ضریب پیمان

عنوان: تاریخ سازمان‌های فعال حوزه تأمین اجتماعی در دوره پهلوی دوم مطالعه موردی: سازمان تأمین اجتماعی
مجری: الهام ملک زاده



گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این پژوهش به مطالعه و بررسی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی و آنچه به‌طور مستقیم در پیوند با تأسیس، اهداف، وظایف، ساختار اداری، گروه‌های هدف این مؤسسات و نحوه و ماحصل عملکرد آنهاست می‌پردازد. همچنین تلاش می‌کند سیر تحول امور عام‌المنفعه و خیریه در ایران از شکل حمایت اجتماعی صورت گرفته در غالب برنامه‌های خدمات اجتماعی به نظام تأمین اجتماعی با اتکا به مسئولیت مستقیم دولت را مورد بررسی قرار دهد. محدوده زمانی این پژوهش دوره پهلوی دوم است. از این منظر سیاست‌های اتخاذ شده توسط حکومت و نیز نقش رخدادهایی چون انقلاب سفید به‌ویژه اصل اول آن، اصلاحات ارضی، برنامه‌های عمرانی کشور، و افزایش درآمدهای نفتی در گذار از اتکای واحد به نظام خیریه‌ای تا تشکیل دولت رفاه در ایران مورد بررسی و تشریح شده است.

در این پژوهش، روش گردآوری مباحث به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته و علاوه بر منابع مختلف، از اسناد آرشیوی نیز استفاده شده است.

بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده در این پژوهش سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی به‌عنوان نخستین مؤسسه خیریه کلان ایران با اتکا بر منابع مالی موقوفه‌خاندان سلطنتی یکی از مؤسسات تأثیرگذار در امور حمایتی در دوره پهلوی دوم بود که حوزه فعالیت و نحوه عملکرد این مؤسسه نسبت به سایر مؤسسات مشابه خود از گستردگی و شمول بیشتری برخوردار بود و وظایف آن در سال‌های نخست تأسیس در حوزه بهداشت دامنه وسیعی را در بر می‌گرفت که بخشی از فعالیت‌های این سازمان عبارت بودند از: تأسیس درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها، ایجاد آموزشگاه‌ها به‌منظور تربیت پزشک‌یار برای خدمات اجتماعی و بهداشتی، عیادت بیماران مستمند در منازل آنان و رساندن پزشک به بالین مرضی و انتقال آنان به بیمارستان و تأمین هزینه معالجه و معاش خانواده آنان در دوره مرض و نقاهت، کمک مادی و معنوی به مؤسسات خیریه و بهداشتی و حمایت از آن‌ها، توجه به بهداشت کودکان فقیر و بی‌پرستار و رسیدگی به شیرخوارگاه‌ها و پرورشگاه‌ها و مبارزه با فحشاء و در امر مبارزه با تکدی و ولگردی به جمع‌آوری و تربیت کودکان ولگرد و بی‌سرپرست، منع کودکان از اشتغال به کارهای نامناسب با سن آنان، جمع‌آوری عجزه و گدایانی که قادر به کار نبودند و تعلیم و تربیت ولگردان در کانون کار و آموزش و

مفاهیم کلیدی: مؤسسات خیریه، امور حمایتی، تأمین اجتماعی، پهلوی دوم، امور عام‌المنفعه





عنوان: بررسی میزان اثربخشی و رضایتمندی بازنشستگان و مستمری‌بگیران

از طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی

مجری: ابراهیم شیرعلی

گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی

سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این پژوهش به بررسی میزان اثربخشی و رضایت مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی را از طرح‌ها و برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی این سازمان می‌پردازد و تلاش می‌کند تا میزان تطبیق برنامه‌ها و طرح‌های اجرا شده با نیازها و اولویت‌های بازنشستگان را مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار دهد. همچنین به مطالعه و بررسی تجارب موفق جهانی در حوزه ارائه خدمات و تسهیلات فرهنگی، فراغتی و اجتماعی به بازنشستگان و مستمری‌بگیران و آسیب‌شناسی و سبب‌شناسی مسائل و تنگناهای احتمالی برنامه‌ها و طرح‌های ویژه بازنشستگان و مستمری‌بگیران (به لحاظ سیاست‌گذاری، اجرا و محتوای برنامه‌ها) می‌پردازد. این طرح با استفاده از روش ترکیبی کمی پیمایشی و کیفی مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شده است.

نتایج این مطالعه بر اساس مطالبات مختلف بازنشستگان ارائه شده است. نتایج کلی نشان‌دهنده رضایت متوسط بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی از برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی این سازمان است. با این وجود بازنشستگان بیشتر ترجیح می‌دهند خدمات مربوط به مسائل بهداشتی و سلامت خود را در اولویت قرار دهند. یافته‌ها و نتایج پژوهش نشان می‌دهد، مشاوره‌های بهداشتی و سلامت و نیز برگزاری مسابقات ورزشی در رتبه سوم و چهارم نیازهای بازنشستگان قرار دارد. همچنین نمره سلامت بازنشستگان در بازه (۱۰۰-۰) برابر با ۵۴٫۷ محاسبه شده است. به بیان دیگر بازنشستگان به وضعیت سلامت خود نمره متوسط را دادند. این نمره به تفکیک سلامت اجتماعی (۴۲٫۸)، سلامت جسمانی (۵۹٫۳) و سلامت روانی (۶۱٫۶) نشان می‌دهد، بازنشستگان و سالمندان در حوزه سلامت اجتماعی و زندگی روزمره احساس سلامتی کمتری دارند. نکته دیگر این است ۴۳٫۸ درصد از بازنشستگان و نیز ۳۴ درصد به ترتیب گفتند از بیماری جسمانی و روانی رنج می‌برند. بیماری در بین زنان و افراد ساکن در شهرها بیشتر است. بنابراین یافته‌ها به خوبی نشانگر این است که معاونت فرهنگی و اجتماعی حتماً برنامه‌ها و طرح‌های مرتبط با سلامت (دوره و کارگاه‌های آموزشی در حوزه سلامت مانند نسیم سلامت و برگزاری مسابقات ورزشی) را در سه حوزه (جسمانی، روانی و اجتماعی) باید پیگیری کند و سیاست جدی در این حوزه خصوصاً برای بانوان اتخاذ نماید و طرح‌های فعلی را توسعه دهد.

مفاهیم کلیدی: رضایت سنجی، بازنشستگان، مستمری‌بگیران، سازمان تأمین اجتماعی، خدمات فرهنگی و اجتماعی

عنوان: شناسایی آثار و پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم بودجه مصوب کل کشور بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی
مجری: کامبیز لعل



گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این پژوهش به بررسی و مطالعه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بودجه دولت بر سازمان تأمین اجتماعی و منابع و مصارف آن می‌پردازد. امری که به‌طور عمده در زمان بودجه‌نویسی در دولت و تصویب بودجه در مجلس مورد توجه قرار نمی‌گیرد. اما، پیامدهای آن در طول سال و به‌خصوص در ماه‌های پایانی سال موجب ایجاد کسری نقدینگی برای سازمان می‌شود و در گاهی موارد، سازمان مجبور به استقراض‌های پرهزینه می‌شود. همچنین تلاش شده است تا ضمن شناسایی این اثرات راهکارهایی برای تصمیم‌گیری بهتر در زمینه بودجه سازمان ارائه کند.

این طرح با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

بر اساس نتایج این مطالعه به‌طور متوسط، حدود ۷۵ درصد از مطالبات سازمان از دولت، به مطالبات بیمه‌ای اختصاص دارد و بیش از ۴۰ درصد از مطالبات بخش بیمه‌ای سازمان از دولت نیز به «سه درصد حق بیمه سهم دولت» باز می‌گردد. البته بسیاری از عناوین مورد ادعای سازمان، یا ردیف اعتباری مشخصی در بودجه دولت ندارند و یا ردیف مورد نظر به دستگاه‌های دیگری اختصاص یافته و سازمان باید، به‌واسطه، حقوق قانونی خود را دریافت کند. بر این اساس، سهم‌بری سازمان از ردیف‌های بودجه کل کشور منوط به موافقت، متقاعدشدن و خوش‌حسابی سایر دستگاه‌ها می‌باشد. مجموع اعتبارات فصل بیمه‌های اجتماعی که به سازمان تأمین اجتماعی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اختصاص یافته است، کمتر از ۱۰ درصد از مطالبات مندرج در بودجه سازمان است. برای ریشه‌یابی علل اختلاف به مقایسه ردیف‌ها با عناوین مشابه پرداخته شد. در این زمینه هم مشاهده شد که اختلاف جدی میان ارقام مندرج در بودجه دولت و بودجه سازمان وجود دارد. به‌طوری‌که ارقام متناظر در بودجه دولت، حداکثر معادل ۱۸ درصد از آنچه بود که در بودجه سازمان به تصویب رسیده بود. این حجم از اختلاف در بین ردیف‌های متناظر، قابل قبول و قابل توجیه به نظر نمی‌رسد. بنابراین ضروری است که برای برطرف ساختن آن اقدامات لازم در سطح مدیریتی و کارشناسی صورت پذیرد. البته با محاسبات انجام شده مشخص گردید یکی از دلایل اختلاف بین ارقام بودجه در سازمان و دولت، تفاوت در آمار و اطلاعات مورد استناد و روش محاسبه است.

مفاهیم کلیدی: سازمان تأمین اجتماعی، بودجه دولت، مصارف و منابع، کسری بودجه





عنوان: ارزیابی تأثیر اجتماعی واگذاری سازمان‌های تابعه تأمین اجتماعی؛ مطالعه موردی بانک رفاه
مجری: امیرعلی شریف‌محسنی

گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این پژوهش به بررسی اثرات احتمالی واگذاری بانک رفاه بر ذی‌نفعان مختلف از جمله کارگران که گروه هدف اصلی سیاست‌های این بانک هستند، می‌پردازد. همچنین ممکن است در سوی دیگر میدان، ذی‌نفعانی باشند که از این امر سود برده و تمامی تلاش خود را در راستای پیشرفت این فرایند به کار گیرند. لذا در این پژوهش سعی شده است تا در گام اول ذی‌نفعان مختلفی که ممکن است از این امر تأثیر پذیرند شناسایی شده و در گام دوم نوع تأثیر و شیوه تأثیرگذاری بر ذی‌نفعان مشخص شود.

این پژوهش از دو روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده کرده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که جدا نمودن این دو نهاد در نهایت باعث آسیب به کل مجموعه سازمان تأمین اجتماعی و افراد و گروه‌هایی خواهد شد که به نحوی با آن در ارتباط‌اند و همچنین هدف اولیه قانون‌گذار برای ایجاد این قانون را نیز محقق نخواهد کرد. در مجموع می‌توان گفت که در فرایند اجرای این قانون، سازمان تأمین اجتماعی، بیمه‌پردازان، بازنشستگان و... که شامل بخش زیادی از افراد جامعه خواهند شد متضرر خواهند شد. هرچند در کوتاه‌مدت ممکن است بانک رفاه کارگران به دلیل حذف فشار وارده از سوی سازمان تأمین اجتماعی استقلال نسبی یابد و از این طریق منتفع شود اما در نهایت از آنجا که بخش زیادی از مشتریان این بانک، بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی هستند در درازمدت این بانک نیز مشتریان خود را از دست داده و متضرر خواهد شد. از سوی دیگر سرمایه‌داران سودجو و یا سایر بانک‌ها ممکن است برای جذب سهام بانک رفاه کارگران و منابع سازمان تأمین اجتماعی وارد میدان شده و وضعیت بسیار نابسامان‌تری را برای این تعاملات به وجود آورند که سرانجام ممکن است همان قانونی که جهت جلوگیری از فساد و ریسک سرمایه‌داران تنظیم شده است خود باعث ایجاد چنین شرایطی شود. بنابراین لازم است در جهت حفظ هدف اولیه قانون‌گذار، بانک رفاه کارگران توانایی مستثنا شدن از این قانون را به‌صورت مادام‌العمر داشته باشد و درازای آن با همکاری دولت کسری نقدینگی سازمان به‌صورت ماهانه تأمین شده و سازمان تأمین اجتماعی و بانک رفاه کارگران نیز مکلف شوند تا فرایندهای مالی خود را با شفافیت بیشتری ادامه داده و نهادهای نظارتی نیز نظارت خود را بر این رابطه افزایش دهند. پیچیدگی و اهمیت این مسئله ایجاب می‌نماید تا راهکارهای ارائه‌شده برای آن نیز چندبعدی بوده و شامل همکاری همه‌جانبه تمامی ذی‌نفعان باشد.

مفاهیم کلیدی: سازمان تأمین اجتماعی، بانک رفاه کارگران، ذی‌نفعان، واگذاری



عنوان: برنامه مدیریت سلامت کره جنوبی در بحران کرونا

مجری: محمدرضا تهمک



گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی

سال: ۱۳۹۹

چکیده:

با همه‌گیری ویروس کووید-۱۹، پیامدهای مخرب کرونا در حوزه سلامت فراگیر و جهانی بوده است، با این وجود این پیامدها در همه جهان به یکسان نبوده، و تفاوت‌های آشکاری میان کشورها مشاهده می‌شود؛ دولت‌ها به شیوه‌های متفاوتی با آن مواجهه شده‌اند. برای مثال در کشور کره جنوبی میزان ابتلا و مرگ‌ومیر ناشی از بیماری به مراتب کمتر از ایتالیا، ایران، اسپانیا و آمریکا بوده است. بر این اساس در این گزارش تلاش شده است تا دلایل موفقیت کره جنوبی در مهار همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ و تجارب این کشور مورد بررسی قرار گیرد و بر اساس آن راهکارهایی برای مدیریت هرچه بهتر این همه‌گیری در ایران ارائه شود.

این پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که دولت کره جنوبی در ماه‌های اولیه با اعمال کنترل و عدم تسامح در مقابل هیچ گروهی، به‌ویژه گروه‌های مذهبی، توانست تا پایان مرحله چهارم به ثبات نسبی در کنترل بیماری برسد. مراکز تست و درمان را مستقر کرد. مبادی ورودی و خروجی کشور را تحت کنترل بهداشتی درآورد. در این مرحله، فقط هر خیابان یا محله‌ای که بحرانی می‌شد را برای یک تا دو هفته کنترل و موارد را شناسایی و درمان می‌کرد، و روند عادی‌سازی بیشتر و بازگشایی اماکن با رعایت پروتکل‌های بهداشتی ادامه داشت. با این وجود پس از مدتی و مشاهده موارد جدید ابتلا به ویروس کره جنوبی روند کنترل را دوباره شروع کرد و این روند را تاکنون ادامه داده است. در کل کره جنوبی به دلیل به‌کارگیری روش‌های منعطف به‌ویژه آزمایش‌های بسیار گسترده از مبتلایان و افراد مشکوک به کرونا، تدابیر قرنطینه منطقه‌ای و موفقیت در کنترل بیماری بدون فلج کردن کشور، به یک نمونه قابل توجه بین‌المللی در مبارزه با کرونا تبدیل شده است. به‌طور کلی، در این دوره، مجموعه چنین اقداماتی و همه‌جانبگی برنامه‌های دولت و همراهی جامعه با آن سبب شد، علیرغم بازگشایی بیشتر فعالیت‌های اقتصادی و جلوگیری از آسیب گسترده به اقتصاد کشور، دولت در کنترل بیماری با چالشی چندان سهمگین مواجه نشود.

مفاهیم کلیدی: کنترل همه‌گیری، ویروس کووید-۱۹، کرونا، قرنطینه





عنوان: ارزیابی عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در سیل نوروز ۹۸ مجری: شیوا آقایی

گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

سازمان‌های مردم‌نهاد رکن سوم جامعه تلقی می‌گردند که به‌عنوان واسطه بین مردم و قوای حاکمیت و حتی خود جامعه نقشی بسیار مهمی دارند. امروزه انواع مختلفی از این نوع سازمان‌ها، در موضوعات متنوع از سطح محلی گرفته تا سطح ملی و بین‌المللی در سراسر جهان در حال فعالیت برای رسیدن به اهداف گوناگونی در حال فعالیت هستند. این پژوهش به ارزیابی عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در مدیریت بحران سیل نوروز ۹۸ پرداخته است که ذیل آن، وضعیت مشارکت، همکاری و فعالیت بخش سوم در مدیریت بحران مورد بررسی قرار گرفته است. برای بررسی وضعیت سیل در سه استان گلستان، لرستان و خوزستان، سمن‌های فعال در سیل در این مناطق شناسایی شدند. لازم به ذکر است که بخشی از آنان سمن‌های فعال استانی بودند و بخشی نیز سمن‌هایی بودند که از استان تهران به این مناطق برای کمک‌رسانی رفته بودند.

در این پژوهش با ۲۱ نفر از افراد فعال که در سیل نوروز ۹۸ حضور داشتند مصاحبه عمیق انجام شده است.

پس از آن مصاحبه‌ها پیاده شدند و با استفاده از تحلیل مضمون نه مضمون شناسایی شدند که عبارت‌اند از: تحلیل راهبرد انفعالی حاکمیت در برابر بحران، جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد، مداخلات در حین بحران سازمان‌های مردم‌نهاد، نقاط قوت سمن‌ها، موانع اقدامات سمن‌ها، توانمندسازی ذینفعان، بهبود عملکرد سمن‌ها، نقاط ضعف سمن‌ها و فقدان سامانه اطلاعاتی منسجم و یکپارچه. نتایج پژوهش حاکی از آن است که هر سازمان مردم‌نهاد برای بهبود عملکرد خود نیاز دارد: ۱- در زمان آرامش به بازسازی و بازتوانی درون خود برای آمادگی پاسخگویی به مخاطره احتمالی پیش‌رو بپردازد. ۲- شبکه ارتباطی خود با سازمان‌های هم‌عرضش را تقویت کند و ۳- در سطحی دیگر می‌تواند ارتباطی شفاف و تعاملی بین سمن‌ها و بخش دولتی تعریف و طراحی شود.

مفاهیم کلیدی: سازمان‌های مردم‌نهاد، ارزیابی عملکرد، تحلیل مضمون، سیل.

عنوان: بررسی رابطه بیمه‌های اجتماعی و امنیت اجتماعی در ایران
مجری: ابراهیم توفیق؛ محمدرضا تهمک



گروه: مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این پژوهش به بررسی ابعاد ارتباط میان بیمه‌های اجتماعی و امنیت اجتماعی-سیاسی در ایران هم از منظر بازشناسی دقیق موضوع و هم بررسی چالش‌های احتمالی و ارائه راهکار مناسب برای پیشگیری از آن‌ها می‌پردازد. همچنین تلاش می‌کند به شناسایی و معرفی بنیان‌های بیمه‌های اجتماعی از منظر امنیت اجتماعی-سیاسی، پیامدهای امنیتی چالش‌های تأمین اجتماعی و چالش‌های احتمالی پیش روی سازمان تأمین اجتماعی در صورت پیدایش بحران در صندوق تأمین اجتماعی بپردازد و با تعیین نقش سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان کنشگر کلیدی متولی بیمه‌های اجتماعی در کشور در برنامه‌ریزی برای پیشگیری از بحران امنیت اجتماعی-سیاسی راهکارهایی برای جلوگیری از رخداد بحران امنیت اجتماعی-سیاسی (درزمینه، پیامدهای امنیتی بحران صندوق تأمین اجتماعی) ارائه کند.

این مطالعه با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین نظریه مبنایی انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که درزمینه پوشش خدمات سازمان تأمین اجتماعی، ازجمله بیمه‌های اجتماعی، در سطح کشور نابرابری منطقه‌ای به چشم می‌خورد و لازم است سازمان تأمین اجتماعی ولو با دادن امتیازاتی بیشتر به مناطق و استان‌ها، سطح پوشش بیمه‌های اجتماعی و تأسیس مراکز درمانی و خدماتی از این دست را در مناطق کمتر برخوردار از خدمات خود افزایش دهد. همچنین بر اساس دستاوردهای این مطالعه در سال‌های اخیر همواره سه‌جانبه‌گرایی (تعامل بین دولت، کارفرمایان و کارگران از طریق نمایندگان) با تحدید از سوی نهاد قدرت مواجه بوده است. ضلع دولتی، و تا حدی نیز کارفرمایی که با دولت همسوتر است، بر ضلع کارگری غلبه پیدا کرده است. بازسازی شورای عالی تأمین اجتماعی شاید اصلی‌ترین عامل در برقراری چنین تعادلی باشد.

مفاهیم کلیدی: تأمین اجتماعی، بحران صندوق‌های بیمه‌ای، پیامدهای امنیتی، سه‌جانبه‌گرایی





عنوان: بررسی و تحلیل بازار سرمایه در ایران و شناخت چگونگی حضور و نقش آفرینی سازمان در این بازار مجری: دانشگاه سیستان و بلوچستان

گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) به‌عنوان یک مجموعه تخصصی در امر سرمایه‌گذاری و در صحنه اقتصاد کشور به شمار می‌آید و بسیاری از شرکت‌های سهامی در بازار سرمایه تحت مالکیت هلدینگ شستا قرار دارند، بدین منظور ارائه تحلیل جامع از شرکت‌های سرمایه‌گذاری شستا، انتخاب نسبت‌های مالی بهینه بر بازدهی سهام این شرکت‌ها و پیش‌بینی تأثیر نسبت‌های مالی و متغیرهای کلان اقتصادی بر بازده سهام شستا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عوامل تأثیرگذار بر ریسک و بازده سهام شرکت‌های شستا در دو گروه عوامل درونی یا خرد و بیرونی یا کلان دسته‌بندی می‌شوند. در ابتدا، در این پژوهش برای عوامل درونی، نسبت‌های مالی شرکت‌های شستا بر بازده سهام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و سپس عوامل بیرونی شامل متغیرهای کلان اقتصادی که خارج از کنترل بنگاه می‌باشد بر بازده سهام برآورد شده است.

در این مطالعه با استفاده روش تحلیل آماری داده‌های موجود، ۶۱ شرکت تحت سرمایه‌گذاری شستا در قالب ۱۸ صنعت برای دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که از ۱۸ نسبت مالی مؤثر بر سهم بازده سهام شرکت‌های شستا، ۶ نسبت مالی بهینه است که شامل نسبت‌های دارایی جاری، گردش دارایی ثابت، نسبت کالا به سرمایه در گردش، دوره وصول مطالبات، بازده دارایی ثابت، بازدهی سرمایه و حاشیه سود خالص ماست. برآورد مدل رگرسیون بهینه نشان می‌دهد که بازده سهام با نسبت‌های دارایی جاری، نسبت کالا به سرمایه در گردش، بازده دارایی ثابت و حاشیه سود خالص رابطه منفی دارد و همچنین با نسبت‌های مالی گردش دارایی ثابت و بازدهی سرمایه رابطه مثبت دارد. نسبت دارایی جاری بر بازدهی سهام شرکت‌های مورد بررسی زیرمجموعه شستا، تأثیر منفی دارد، این تأثیر نشان‌دهنده این امر است که نقدینگی در مجموعه این شرکت‌ها پایین می‌باشد.

مفاهیم کلیدی: تأمین اجتماعی، شستا، صندوق سرمایه‌گذاری، مطالبات

عنوان: تحلیل بازار و ارائه پیش‌بینی صنعت پتروشیمی کشور
مجری: ندا ریسی سرریگانی



گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این مطالعه به بررسی و تحلیل صنعت پتروشیمی کشور در آینه سیاست‌های اقتصادی مانند قیمت‌گذاری خوراک پتروشیمی‌ها و تحریم‌های اقتصادی و افزایش نرخ ارز می‌پردازد و برای این کار تلاش می‌کند تا به مواردی مانند بررسی وضعیت عرضه و تقاضای محصولات صنعت پتروشیمی، تحلیل بازار و ریسک سرمایه‌گذاری در صنعت پتروشیمی کشور و تحلیل هزینه و فایده در صنعت پتروشیمی کشور بپردازد و چشم‌انداز کوتاه‌مدت و افق توسعه‌ای صنعت پتروشیمی کشور با تأکید بر شرکت‌های تابعه سازمان تأمین اجتماعی را ترسیم کند.

این طرح با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل آماری داده‌های موجود انجام گرفته است.

بر اساس نتایج این پژوهش متوسط نسبت سود عملیاتی صنعت ۲۶ درصد است. در نهایت متوسط سود خالص صنعت پتروشیمی ۲۸ درصد است. همچنین متوسط بازده حقوق صاحبان سهام ۶۲ درصد است به عبارت دیگر، میزان سود خالص ایجاد شده، ۶۲٪ آورده صاحبان سهام است. این نسبت مقدار قابل قبولی برای سرمایه‌گذاری صاحبان سهام می‌باشد. بررسی وضعیت مشتریان خارجی صنعت پتروشیمی نشان می‌دهد که سهم کشورهای اروپایی از صادرات محصولات پتروشیمی و مواد شیمیایی ایران از ۱۴ درصد در سال ۱۳۸۸ به صفر درصد در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته است و در همین مدت سهم چین از صفر درصد به بیش از ۶۲ درصد افزایش یافته است. بعد از چین کشورهای منطقه خاورمیانه و هند در رتبه‌های بعدی تقاضا برای محصولات پتروشیمی ایران قرار دارند. همچنین بر اساس رابطه میان رشد اقتصادی و میزان تقاضای محصولات پتروشیمی پیش‌بینی می‌شود که مقدار تقاضا برای محصولات پتروشیمی در افق ۱۴۰۴ به ۲۶۶۵۱ هزار تن برسد و ارزش تقاضای ریالی برای این محصولات در افق ۱۴۰۴ به ۵۸۵۱۶۴ میلیارد ریال برسد. همچنین ارزش تقاضای دلاری برای محصولات پتروشیمی در افق ۱۴۰۴ به ۱۸۰۶۱ میلیون دلار برسد.

مفاهیم کلیدی: محصولات پتروشیمی، بازار جهانی، صنعت، تحلیل بازار، ریسک، عرضه و تقاضا





عنوان: تحلیل بازار و ارائه پیش‌بینی صنعت سیمان کشور مجری: مهدی فتح‌آبادی

گروه: اقتصاد و سرمایه‌گذاری
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این پژوهش به بررسی و تحلیل بازار صنعت سیمان در کشور و خارج از کشور می‌پردازد و تلاش کرده است تا ابتدا صنعت سیمان را به لحاظ شیوه‌های تولید و تکنولوژی‌های موردنیاز، آسیاب و مواد اولیه و شیوه‌های ساخت خوراک کوره و غیره معرفی و تشریح کند. در ادامه وضعیت تولید سیمان در ایران و جهان و میزان تقاضا برای سیمان را در بازارهای داخلی و خارجی بررسی کند. سپس به تجزیه و تحلیل فضای کسب‌وکار در حوزه صنعت سیمان و تحلیل شاخص‌های تخصصی بازار از جمله اندازه‌گیری ساختار بازار، تمرکز، شاخص معکوس تعداد بنگاه‌ها، شاخص نسبت‌های متمرکز و شاخص هرفیندال-هیرشمن پرداخته است. در نهایت پیش‌بینی وضعیت بازار سیمان در کشور و در حوزه بین‌المللی و در قالب سناریوهای مختلف ارائه شده است. این طرح با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل آماری داده‌های موجود انجام گرفته است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که چالش‌های اصلی صنعت سیمان در چند حوزه خلاصه می‌شود. چالش نخست مازاد عرضه سیمان است. با توجه به چشم‌انداز اقتصاد ایران انتظار می‌رود در چند سال آینده تا افق ۱۴۰۴، با تکمیل طرح‌های سیمانی جدید، ۹ هزار میلیارد تومان سرمایه کشور به دلیل ایجاد ظرفیت مازاد به هدر رود. چالش دوم نرخ‌گذاری دولتی سیمان است. از آنجا که نسبت قیمت فولاد به سیمان در کشورهای حاشیه خلیج فارس حدود ۷ است و این نسبت در ایران حدود ۳۰ می‌باشد؛ پس پیشنهاد می‌شود قیمت‌گذاری سیمان به بورس کالا واگذار شود. چالش سوم موانع صادراتی صنعت سیمان است. حاشیه سود هر تن سیمان برای تولیدکننده ۵ دلار و برای تجار ۳۵-۳۰ دلار در تن است. با توجه به این که دولت ۲۰ دلار یارانه به ازای هر تن سیمان برای تولیدکنندگان پرداخت می‌کند با احتساب حدود ۱۴ میلیون تن سیمان، دولت سالیانه حدود ۲۸۰ میلیون دلار یارانه انرژی به کشور همسایه صادر می‌کند. این نمونه روشنی از ارزان‌فروشی است. چالش چهارم لزوم ارتقای سطح فناوری استفاده شده در صنعت سیمان است. سیمان جز صنایع انرژی‌بر بوده و تولید سیمان با مقاومت بالاتر باعث بالا رفتن انتشار گازهای گلخانه‌ای و آلودگی محیط‌زیست می‌شود. بنابراین کنترل مجدد سیستم‌ها و فرایندهای تولید اجتناب‌ناپذیر است. این موضوع می‌تواند باعث افزایش هزینه‌های تولید شود. لذا سرمایه‌گذاری برای ارتقای فناوری تولید سیمان ضروری به نظر می‌رسد.

مفاهیم کلیدی: صنعت سیمان، تحلیل بازار، خوراک کوره، شاخص هرفیندال-هیرشمن



**عنوان: شبیه‌سازی جریان وجوه سازمان تأمین اجتماعی و تخمین
زمان ورشکستگی طبق سناریوهای مختلف
مجری: دانشگاه علامه طباطبائی - حسین توکلیان**



**گروه: بیمه‌های اجتماعی و محاسبات
سال: ۱۳۹۹**

چکیده:

در مطالعه حاضر، وضعیت صندوق تأمین اجتماعی در ایران در قالب یک الگوی همپوشانی نسلی مورد بررسی قرار گرفته است. این الگو شامل دو نسل مختلف شاغلین و بازنشستگان است که رفتار هریک با توجه به ویژگی‌های جمعیتی، الگوسازی شده‌اند. در این ساختار، مدل طراحی شده شامل سه بخش است؛ بخش اول، خانوارهای اقتصاد است که به دودسته نسل شاغل و نسل بازنشسته تقسیم می‌شوند. هدف هر دو نسل حداکثر سازی تابع مطلوبیت با توجه به قید بودجه مقابل خود است. از حل این مسئله، مسیر بهینه مصرف و عرضه نیروی کار افراد شاغل و بازنشسته مشخص می‌شود و با مشخص شدن میزان عرضه نیروی کار، درآمد حاصل از حق بیمه صندوق تأمین اجتماعی مشخص خواهد شد. با مشخص شدن درآمد صندوق، میزان ارزش حال تعهدات صندوق به دو نسل شاغل و بازنشسته نیز مشخص خواهد شد.

این مطالعه با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌های موجود انجام شده است.

نتایج این مطالعه مبین آن است که تعهدات صندوق به دو نسل شاغل و بازنشسته بیشتر از منابع آن بوده و لذا با ادامه روند فعلی، صندوق در آینده با مشکل جدی عدم تأمین منابع پرداخت مزایای بازنشستگی مواجه خواهد شد. لذا به منظور بررسی آثار تغییر در سیاست‌ها و پارامترهای الگو بر ثبات صندوق، پنج سناریو سیاستی مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. این سناریوها عبارت‌اند از: افزایش نرخ حق بیمه، افزایش دوره اشتغال، افزایش امید به زندگی، افزایش مزایای بازنشستگی و کاهش در میزان بدهی دولت به صندوق. نتایج حاصل از شبیه‌سازی این پنج سناریو نشان می‌دهد که اگرچه نسبت منابع به تعهدات صندوق قابلیت افزایش دارد، اما شکاف میان منابع و مصارف صندوق به میزانی است که هریک از سیاست‌های فوق‌الذکر به تنهایی نمی‌توانند شکاف صندوق را برطرف کرده و ثبات آن را تضمین نمایند. به‌عنوان مثال، حتی در صورت افزایش ۱۰ درصدی نرخ حق بیمه، مشاهده می‌شود که وضع مالی صندوق در سطح بهتری قرار می‌گیرد اما از کفایت لازم جهت ایجاد ثبات در صندوق برخوردار نیست.

مفاهیم کلیدی: تأمین اجتماعی، شاغلان، بیمه پردازان، نرخ حق بیمه، امید به زندگی، مزایای بازنشستگی





عنوان: جهان پس از کرونا: سلامت و مراقبت‌های بهداشتی مجری: راضیه شامخ نیا

ناظر: مرتضی خوش آمدی

گروه: آینده‌پژوهی

سال: ۱۴۰۰

چکیده:

این گزارش به‌طور خاص به تغییرات احتمالی زندگی در حوزه سلامت و مراقبت‌های بهداشتی در دوران همه‌گیری کرونا و پساکرونا می‌پردازد و تلاش کرده است تا به مواردی مانند شناسایی بازیگران کلیدی و نقش آن‌ها در کنترل بیماری، بررسی نابرابری‌های موجود در حوزه سلامت و ابزارهای جهانی مقابله با آن، چالش‌های فن‌آوری‌های موجود و نوظهور در حوزه سلامت در آینده و رویکردهای جدید به‌نظام سلامت و سناریوهای آینده آن بپردازد. درنهایت نیز چشم‌انداز یا آینده مطلوب و پیشنهادها و راهبردهایی در حکم نقشه راه برای بهبود وضعیت سلامت عمومی در جهان پساکرونا مطرح شده است.

این گزارش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای تهیه شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که با پایان یافتن کرونا سناریوی متعارف این است که دولت‌های حاضر کم‌هزینه‌ترین تغییرات را حفظ کنند و باقی تغییرات در حوزه سلامت را دوباره به ابر شرکت‌ها بسپارند. سناریوی مطلوب این است که با اهمیت یافتن نیازهای بهداشتی رایگان یا کم‌هزینه که فقط می‌توان آن را از دولت‌ها انتظار داشت، نه از بازار، دوباره به دولت‌های قوی با اهداف رفاهی اقبال بیشتری شود. چنانچه این احتمال، به واقعیت تبدیل شود می‌توان انتظار داشت که بعد از بحران «کووید-۱۹» اصلاحات جدی در حوزه سلامت در دستور کار سازمان‌های و نهادهای مربوطه قرار گیرد.

مفاهیم کلیدی: همه‌گیری کووید-۱۹، پساکرونا، سلامت، مراقبت‌های بهداشتی

عنوان: جهان پس از کرونا: حکمرانی، دولت و سیاست
مجری: سید علی محمد کامران راد



ناظر: مرتضی خوش آمدی

گروه: آینده‌پژوهی

سال: ۱۴۰۰

چکیده:

در این گزارش تأثیرات پاندمی «کووید-۱۹» بر سطوح مختلف حکمرانی، اعم از حکمرانی جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی و همچنین چشم‌انداز آتی آن در جهان پساکرونا بررسی شده است و مواردی مانند مسئله حکمرانی و سناریوهای آینده، سناریوهای آینده حکمرانی جهانی و درنهایت ساختار قدرت جهانی در دنیای پساکرونا، گسترش منطقه‌گرایی و پیوندهای اقتصادی و سیاسی دولت‌ها در قالب سازمان‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای و حکمرانی در سطح ملی پرداخته شده است.

این گزارش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای تهیه شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تغییرات ناشی از بحران کرونا در روابط بین‌الملل و حکمرانی جهانی، به احتمال زیاد با نوعی عقب‌نشینی از جهانی‌شدن به شکل مرسوم آن مواجه خواهیم بود و شکل جدیدی از جهانی‌شدن با تأکید بر پیوندهای اقتصادی منطقه‌ای گسترش خواهد یافت. بخش مهمی از گسترش همگرایی منطقه‌ای و منطقه‌گرایی در قالب سازمان‌های منطقه‌ای ظهور و بروز پیدا خواهد کرد و گسترش سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای درنهایت به گسترش ارزش‌های مشترک، ساختار نهادی و قابلیت‌های سازمان‌ها برای مدیریت و تأثیرگذاری بر دولت‌ها و شهروندان کشورهای عضو بازمی‌گردد، همچنین بحران کرونا اهمیت نهاد دولت در مواجهه با بحران‌های جهانی را بار دیگر آشکار کرد. دولت‌ها در مواجهه با پاندمی کرونا تلاش کردند تا از یک‌سو از شیوع بیماری جلوگیری کنند و از سوی دیگر با تبعات اقتصادی و اجتماعی و ویروس مانند گسترش نابرابری و کمک به افشار ضعیف و آسیب‌پذیر مبارزه کنند. در نتیجه، دولت‌ها در جهان پساکرونا بزرگ‌تر خواهند شد و نفوذشان در حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی نیز گسترش خواهد یافت.

مفاهیم کلیدی: همه‌گیری کرونا، پساکرونا، حکمرانی، روابط بین‌الملل، جهانی‌شدن





عنوان: نابرابری و مخاطرات بیش‌تر "جامعه در ریسک" برای فقرا مجری: علی دینی ترکمانی - زهرا نوروزی

گروه: آینده‌پژوهی
سال: ۱۴۰۰

چکیده:

این گزارش به این پرسش می‌پردازد که آیا موقعیت جدید جهانی تحت تأثیر همه‌گیری کرونا همراه با عمیق‌ترین رکود جهانی و فراگیرترین دلهره جهانی، دلالت‌های مهمی در عرصه نظریه‌پردازی اقتصاد سیاسی و ساماندهی نظام اقتصادی و اجتماعی در مبارزه با فقر دارد؟ جهت پاسخ به این پرسش مباحثی در مورد کرونا به‌مثابه مصداقی قوی از مفهوم و نظریه جامعه در ریسک و همین‌طور مصداقی قوی از رویکرد هستی‌شناسانه اجتماع‌گرا. کرونا به‌مثابه مصداقی تاریخی مهم در تأیید نظریه عدالت را ولز، دموکراتیزه شدن نظام تولید و توزیع ثروت و درآمد، به‌مثابه مهم‌ترین راه‌کار برای مبارزه با فقر و مواجهه مطلوب با مخاطرات جامعه در ریسک مطرح شده است.

این گزارش با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و با مراجعه با اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای و داده‌های موجود تهیه شده است.

بر اساس نتایج این گزارش، جامعه تحت تأثیر همه‌گیری کرونا در معرض ریسک‌های غیرقابل‌پیش‌بینی قرار دارد که همچون شبحی ناگهان بر فراز جهان ظاهر می‌شود و بیش‌ترین آسیب را به فقرا می‌زند. در این موقعیت، با عایق‌بندی اجتماعی (دموکراتیزه کردن نظام تولید و توزیع ثروت در سطح ملی و جهانی) در برابر این ریسک‌ها، هم می‌توان آسیب‌های بعد از ظهور بیماری چون کرونا را حداقل کرد و هم می‌توان از این طریق راهی برای کنترل نسبی سرعت حرکت ماشین تحولات فناورانه ریسک‌زا فراهم نمود. همچنین کرونا با قاطعیت بالا رویکرد اجتماعی‌گرا به جامعه را تأیید و رویکرد لیبرالی و نئولیبرالی [جامعه‌چیزی نیست جز جمع‌جبری افراد را] رد می‌کند؛ بنابراین، قلمروی وجودی آدمی فقط محدود به خود وی نمی‌شود. فردیت وی، درعین‌حال، تحت تأثیر محیط اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند.

مفاهیم کلیدی: همه‌گیری کرونا، جامعه ریسک، اقتصاد سیاسی، مبارزه با فقر

عنوان: جهان پس از کرونا: رفاه و تأمین اجتماعی
مجری: راضیه شامخ نیا



ناظر: مرتضی خوش آمدی

گروه: آینده پژوهی

سال: ۱۴۰۰

چکیده:

در گزارش به‌طور خاص بر تغییرات احتمالی زندگی در حوزه کار و تأمین اجتماعی پرداخته شده و چند مسئله مهم کار و تأمین اجتماعی مانند (۱) تغییرات کسب‌وکار؛ (۲) سیاست‌های حمایتی دولت؛ (۳) چشم‌اندازها و سناریوها و پیشنهادات را مطرح کرده است.

این گزارش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای تهیه شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سناریوهای آینده در اغلب موارد بازگوکننده غلبه نوعی چشم‌انداز کوتاه‌مدت و دوری از آینده‌نگری در بازار کار و بخش خصوص و حتی سازمان‌های زیرمجموعه دولتی است. برخی از مهم‌ترین سناریوهای محتمل را می‌توان این‌گونه برشمرد: تقاضا برای دیجیتالی‌شان و گسترش زیرساخت‌های ارتباطی بسیار بیشتر خواهد شد. تقاضا برای قراردادهای پیمانکاری، مشاغل گیگ و دورکاری افزایش سرسام‌آور خواهد داشت. ترکیب‌های شغلی جدید با مشاغلی که در ایام کرونا از بین رفته‌اند همخوانی نخواهند داشت و شغل‌های جدید به وجود خواهند آمد. نیاز بازار کار برای مشاغل عمدتاً یدی، غیر شناختی، غیر فنی و بی‌نیاز از مهارت‌های دیجیتالی کم‌تر خواهد شد و به تبع آن مشاغل مبتنی بر مهارت‌های دیجیتالی و شناختی و نیز نیازمند به روحیه خاص و متناسب با حرفه مدنظر افزایش می‌یابند. البته این بدان معنا نیست که مشاغل یدی و بی‌نیاز از مهارت‌های خاص از بین خواهند رفت یا بسیار کم‌رنگ خواهند شد. طبق آمارها امروز نیاز به چنین مشاغلی نزدیک به ۵۴ درصد است و بر مبنای برآوردها در سال ۲۰۳۰ این رقم به ۳۲ درصد کاهش پیدا خواهد کرد. کسب‌وکارهای کوچک که به شدت تحت تأثیر «کووید-۱۹» قرار گرفته‌اند با افزایش اتوماسیون آسیب‌های جبران‌ناپذیری خواهند دید. افراد کم‌درآمد و کم‌سواد در دهه پیشرو در معرض بیشترین آسیب شغلی خواهند بود و به تبع آن در صورت بی‌توجهی نهادهای ذی‌ربط، شکاف درآمدی و نابرابری ناشی از آن افزایش بی‌سابقه‌ای خواهد داشت.

مفاهیم کلیدی: همه‌گیری کووید-۱۹، پساکرونا، رفاه اجتماعی، بازار کار



عنوان: جهان پس از کرونا: اقتصاد اجتماعی مجری: محمود ایرانی فرد



ناظر: مرتضی خوش آمدی
گروه: آینده‌پژوهی
سال: ۱۴۰۰

چکیده:

این گزارش به مسئله اقتصاد اجتماعی و وضعیت آن در دوران پسا کرونا می‌پردازد و تلاش می‌کند ضمن بررسی و توصیف وضعیت فعلی اقتصاد اجتماعی تحت تأثیر همه‌گیری کووید-۱۹ به سناریوهای احتمالی در حوزه‌های تغییر اولویت‌های اجتماعی، رشد فن‌آوری‌های جدید، افزایش فعالیت در حوزه خدمات تأمین اجتماعی، مشارکت مؤثرتر در روندهای تصمیم‌گیری، تعامل بیشتر با دولت و بازار افزایش نقش اقتصاد اجتماعی در طراحی الگوهای اقتصادی-اجتماعی می‌پردازد.

این گزارش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای تهیه شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که برای ترسیم بهتر چشم‌انداز آتی اقتصاد اجتماعی بر پایه روندهای موجود، می‌توان سه سناریوی محتمل را در نظر گرفت. «سناریوی اول» با این فرض مطرح می‌شود که همه‌گیری به کمک واکسیناسیون و دیگر اقدامات یا شرایط غیرمترقبه دیگر فروکش کند و احتمال بازگشت ادواری آن نیز بسیار اندک باشد. در این صورت نمی‌توان انتظار داشت موقعیت سازمان‌های اقتصاد اجتماعی چندان تغییری کند. «سناریوی دوم» با این فرض تحقق‌پذیر است که همه‌گیری تا اطلاع ثانوی ادامه داشته باشد. در این صورت انتظار می‌رود نقش سازمان‌های اقتصاد اجتماعی بیشتر شود. «سناریوی سوم» بر اساس این فرض قابل طرح است که همه‌گیری نه پایان قطعی داشته باشد و نه تداوم بی‌وقفه، بلکه با بازگشت‌های ادواری با شدت‌های متفاوت روبه‌رو باشیم. در این سناریو می‌توان انتظار داشت بر اثر فرسایش‌های مالی سازمان‌های دولتی، ابتکار عمل شرکت‌های خصوصی به کمک نوآوری‌های فن‌آورانه بیشتر شود و اقتصاد اجتماعی به رقابت یا همکاری با شرکت‌ها بپردازد.

مفاهیم کلیدی: همه‌گیری کووید-۱۹، پسا کرونا، اقتصاد اجتماعی، سناریوهای آینده



عنوان: جهان پس از کرونا: اقتصاد کلان جهانی
مجری: محمود ایرانی فرد



ناظر: مرتضی خوش آمدی

گروه: آینده‌پژوهی

سال: ۱۴۰۰

چکیده:

این گزارش به آثار کرونا بر روندهای اقتصاد کلان جهانی می‌پردازد و مباحثی در مورد شوک‌های وارده به اقتصاد کلان، شوک به بهره‌وری کل، عوامل شوک به صرف ریسک، شوک به سیاست مالی دولت‌ها و ارزیابی آثار کرونا بر آینده اقتصاد کلان جهانی و همچنین آینده اقتصادی چین و زنجیره‌های تأمین آینده سرمایه مالی می‌پردازد. این گزارش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای تهیه شده است.

نتایج این مطالعه به سه سناریوی احتمالی در مورد آینده اقتصاد کلان می‌پردازد. در سناریوی اول بر اثر اجرای موفق واکسیناسیون، با کاهش اقدامات مالی دولت در بخش سلامت، راه افتادن زنجیره تأمین جهانی، راه افتادن کسب‌وکارها و افزایش ثبات مالی شرکت‌ها مواجه خواهیم بود. در سناریوی دوم اگر واکسیناسیون در کشورهای جهان ادامه یابد، اما سرعت آن افزایش نیابد. در این صورت جهش‌های نامنتظره ویروس می‌تواند شوک‌های جدیدی بر بخش‌های سلامت و سپس اقتصاد کلان جهانی وارد آورد. در سناریوی سوم واکسیناسیون عمومی با شکست مواجه شود. این شکست هزینه‌هایی را که تا امروز تحمیل شده است چند برابر می‌کند، زنجیره تأمین جهانی را می‌گسلد، انگیزه بازگشت سرمایه را پایین می‌آورد و نهایتاً شیب رکود جهانی را تند می‌کند و آن را تا مرز فروپاشی ساختار اقتصاد سیاسی جهانی پیش می‌برد.

مفاهیم کلیدی: همه‌گیری کووید-۱۹، پساکرونا، اقتصاد کلان، سناریوهای آینده





عنوان: جهان پس از کرونا: فناوری‌های جدید مجری: محمود ایرانی فرد

گروه: آینده‌پژوهی
سال: ۱۴۰۰

چکیده:

این گزارش به بحث تغییرات و تحولات حوزه فناوری در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ و در دوران پساکرونا می‌پردازد و مباحثی را در مورد واقعیت جدید همه‌گیری فن‌آوری‌های دیجیتال، پذیرش اجباری فن‌آوری‌های دیجیتال، راهبری جدید: چشم‌انداز پلتفرم، اقتصاد سیاسی دیجیتال، امنیت و اعتماد دیجیتال، افزایش الزامات محیط‌زیستی: هوشمند سازی شهرها، جامعه جهانی دیجیتال و تأمین اجتماعی دیجیتال مطرح می‌کند.

این گزارش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای تهیه شده است.

نتایج این مطالعه به سه سناریوی احتمالی در مورد آینده تحولات فناوری در دوران پساکرونا می‌پردازد. در سناریوی اول موج جدید فن‌آوری از دل رکود اقتصادی فعلی بر خواهد خاست و آینده قرن ۲۱ را دگرگون خواهد کرد. در این صورت با جهانی دیجیتالی‌تر مواجهیم که کران‌ها، بازیگران و قواعد مشخصی دارد و می‌تواند متضمن آزادی، برابری و حفظ ارزش‌های انسانی باشد. در سناریوی دوم گرچه اکنون تحولات سریع فن‌آوری‌های دیجیتال با استقبال عمومی همراه شده است، اما به تدریج با افزایش نظارت‌ها، کنترل‌ها و نهایتاً افزایش سلطه شرکت‌ها و نیز سازمان‌های دولتی، موجی از نگرانی‌های روزافزون فردی و جمعی به راه خواهد افتاد که می‌توانند مشکلاتی را برای توسعه این فن‌آوری‌ها ایجاد کنند. در سناریوی سوم با پایان گرفتن همه‌گیری و به‌ویژه با افزایش قدرت کنترلی دولت‌ها و شرکت‌ها و در نتیجه افزایش نگرانی شهروندان عادی، نسل جدید فن‌آوری‌های دیجیتال بی‌مصرف یا دست‌کم نامناسب و ناموجه به نظر خواهد رسید. این به معنای بروز مقاومت‌های اجتماعی گسترده و نهایتاً تغییرات جزئی و کلی در حیطه‌های اقتصاد، سیاست و فن‌آوری خواهد بود.

مفاهیم کلیدی: همه‌گیری کووید-۱۹، پساکرونا، فناوری، فضای دیجیتال، سناریوهای آینده

عنوان: بررسی اکوسیستم استارت‌آپی، نقش صندوق‌های بازنشستگی در آن و معرفی مهم‌ترین استارت‌آپ‌های جهان در زمینه بازنشستگی
مجری: امیر سینا جیرفتی



گروه: آینده‌پژوهی
سال: ۱۴۰۰

چکیده:

این گزارش به بررسی اکوسیستم استارت‌آپی، نقش صندوق‌های بازنشستگی در آن و معرفی مهم‌ترین استارت‌آپ‌های جهان در زمینه بازنشستگی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا ضمن تعریف مفاهیم و مبانی حوزه استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای نوپا، توصیفی از وضعیت فعلی این کسب‌وکارها در ایران ارائه کند، سپس به نقش مؤسسات مالی و بیمه در رشد استارت‌آپ‌ها می‌پردازد و عوامل مؤثر بر فعالیت و عملیات شرکت‌های سرمایه‌پذیر و فرصت‌ها و تهدیدهای این حوزه را مطرح می‌کند. این گزارش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای تهیه شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که یکی از اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان سرمایه استارت‌آپ‌ها، سرمایه‌گذاری جسورانه صندوق‌های بازنشستگی می‌باشد. تا امروز نیز صندوق‌های بازنشستگی تقریباً نیمی از کل سرمایه VC ها در ایالات متحده را تأمین کرده‌اند. بر این اساس، سهم سرمایه‌گذاری جسورانه و خصوصی از سبد سرمایه‌گذاری‌های صندوق‌های بازنشستگی ناچیز است که این عامل به کاهش ریسک این نوع سرمایه‌گذاری‌ها برای صندوق‌های بازنشستگی کمک می‌کند؛ اما همین سهم ناچیز سهم بزرگی در کل این سرمایه‌گذاری‌های جسورانه را شامل شده است. بر این اساس، در سال ۲۰۱۶ تنها ۸٪ از منابع صندوق‌های بازنشستگی در جهان صرف سرمایه‌گذاری جسورانه شده است اما همین مقدار ۵۰٪ سرمایه VC ها در آمریکا و ۳۰٪ سرمایه آن‌ها در کانادا را تشکیل می‌دهد. در کل جهان نیز حدود ۴۰ درصد سرمایه صندوق‌ها و شرکت‌های جسورانه از طریق صندوق‌های بازنشستگی دولتی یا غیردولتی تأمین می‌گردد و بازده نسبتاً مناسبی را نصیب آن‌ها نموده است.

مفاهیم کلیدی: استارت‌آپ‌ها، کسب‌وکارهای نوپا، سرمایه‌گذاری جسورانه، صندوق‌های بازنشستگی





عنوان: بلاک چین: آنچه مدیران باید بدانند مجری: امیر سینا جیرفتی

گروه: آینده‌پژوهی
سال: ۱۴۰۰

چکیده:

این گزارش به بحث فناوری بلاک چین و پول‌های رمزگذاری شده می‌پردازد. در این گزارش پس از بیان اجمالی تاریخچه و فلسفه ایجاد پول‌های رمزنگاری شده به‌طور خلاصه به مباحث فنی و سازوکار آن‌ها پرداخته شده است و تلاش شده است که کلیه ابعادی که باید برای بررسی مبانی فنی بلاک چین در نظر گرفته شود و اثرات و فایده‌های این فناوری برای سازمان تأمین اجتماعی تبیین شود.

این گزارش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای تهیه شده است.

بر اساس نتایج این مطالعه، در سازمان تأمین اجتماعی، میزان منابع وصول‌شده و وصول همواره در تقابلی جدی با تعهدات کوتاه‌مدت، تعهدات بلندمدت و نیز هزینه‌های صف و ستاد در ارائه خدمات است. بخشی از هزینه‌های موصوف به علت عدم کارایی فرآیندی در ارائه خدمات و نیز به‌واسطه تقلب و تخلف، ایجاد می‌شود. پس بدیهی است که بر اساس شعار بلاک چین مبنی بر (الف) حذف واسطه‌ها، کارایی فرآیندی به‌شدت افزایش یافته و این امر هزینه‌های ستادی و صف را نیز به‌شدت کاهش می‌دهد و (ب) با ایجاد شفافیت، مشکل تقلب و تخلف را به حداقل ممکن می‌رساند. کارکردهای اصلی بلاک چین برای سازمان تأمین اجتماعی عبارت‌اند از: احراز هویت بلاکچینی: این احراز هویت سبب می‌شود تا هزینه و زمان ارائه خدمات به‌واسطه دریافت چندباره اسناد هویتی، کاغذبازی و تغییرات خدشه‌پذیر به حداقل رسیده و علاوه بر کاهش هزینه خدمات، سرعت و امنیت تبادل اطلاعات هویتی را مقدر سازد؛ پردازش اتوماتیک و بدون خدشه دعاوی: به کمک قراردادهای هوشمند ناشی از فناوری بلاک چین، امکان اجرای اتوماتیک و بدون واسطه امور بدیهی، مقدر شده و نیاز به مراجعه را حداقل می‌سازد؛ هماهنگی بین نهادی: این امر سبب ایجاد ارتباط مؤثر با سایر سازمان‌های همکار شده و سبب کاهش تقلب در کل صنعت و به‌تبع آن کاهش هزینه‌های ناشی از خسارت متقلبانه خواهد شد؛ ارائه خدمات نوین بر اساس سوابق مشخص و قابل وثیقه‌گذاری: اندوخته بیمه‌شده، ذخیره‌ای ارزشمند برای سازمان است که به‌واسطه آن به‌سادگی می‌تواند درآمدهای جدید و پایداری را خلق و به جامعه مخاطب خود که اغلب از کارگران زحمت‌کش جامعه هستند، ارائه گزینه‌های حیاتی نماید.

مفاهیم کلیدی: بلاک چین، پول‌های رمزنگاری شده، ارز دیجیتال



عنوان: چگونگی عملکرد اپراتورهای تلفن همراه در راستای مدیریت بحران کرونا ویروس در جهان
مجری: زهرا نوروزی



گروه: آینده پژوهی
سال: ۱۴۰۰

چکیده:

این گزارش به مرور اجمالی برخی از اقدامات اپراتورهای تلفن همراه که هم به صورت عمومی به تمامی اقشار جامعه و هم به صورت اختصاصی به مشتریان و کارکنان خود در دوران همه گیری بحران کرونا خدمات ارائه کرده اند، پرداخته شده است و تجارب کشورهای بلژیک، انگلستان، هلند، ایتالیا، استرالیا، اسپانیا، هندوستان و آمریکا را در این زمینه مطرح کرده است. این گزارش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه ای تهیه شده است.

نتایج این مطالعه نشان می دهد که در کشورهای مورد بررسی تدابیر زیادی برای خدمات رسانی در وضعیت بحران کرونا ارائه شده است که برخی از آن ها عبارت اند از: کنترل زیرساخت ها در ۲۴ ساعت شبانه روز، ۷ روز در هفته و ۳۶۵ روز در سال؛ رایگان شدن تماس تلفنی با سازمان ملی تأمین بهداشت و درمان، ارائه دسترسی بدون هیچ گونه هزینه اضافی به دیتاهای تلفن همراه، تماس صوتی و ارسال پیامک را بر روی موبایل های شخصی، آماده کردن تیم های اختصاصی برای حمایت از سازمان های مهم، مشتریان آسیب پذیر و مشاغل به صورت شبانه روزی، توجه بیشتر به عملکرد شبکه برای مشتریانی که در زمینه مراقبت های بهداشتی مشغول فعالیت هستند؛ افزایش ظرفیت پهنای باند شبکه های خانگی یا اتصالات VPN برای دور کاری مشتریان شاغل؛ اقدامات ایمنی و بهداشتی سخت گیرانه برای مهندسان فعال در تجهیز زیرساخت ها مانند نصب شبکه فیبر نوری و مدرن سازی شبکه تلفن همراه؛ ...

مفاهیم کلیدی: اپراتورهای تلفن همراه، مشتری مداری، بحران کرونا، خدمات عمومی، زیرساخت های ارتباطی





عنوان: سناریوهای آینده تحریم و تأمین اجتماعی در ایران مجری: صادق پیوسته، لیلا فلاحی سرابی

گروه: آینده‌پژوهی
سال: ۱۴۰۰

چکیده:

این گزارش به بحث و بررسی و پیش‌بینی وضعیت سازمان تأمین اجتماعی در دوران تحریم‌ها می‌پردازد و تلاش می‌کند این پرسش‌ها پاسخ دهد که آینده تحریم‌ها در ایران به چه وضعیت‌هایی باورپذیرتر است؟ تحریم‌ها در هر وضعیت، بر ایفای تعهدات سازمان تأمین اجتماعی چه تأثیری می‌گذارند؟ همچنین ضمن تعیین سناریوهای احتمالی آینده، تلاش می‌کند تا جهت‌گیری‌های مناسب در هر مورد برای ایفای بهتر تعهدات تأمین اجتماعی را ارائه کند.

این گزارش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای تهیه شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که دو مورد عدم قطعیت تحریم‌ها و کرونا از تأثیرات زیادی بر وضعیت تأمین اجتماعی برخوردار هستند و وضعیت آینده آن‌ها نامشخص‌تر دیده شده‌اند. همچنین روندها و عواملی تعیین‌کننده دیگری در وضعیت تأمین اجتماعی در ایران شناخته شده‌اند که در ادبیات آینده‌پژوهانه، پیشران خوانده می‌شوند. این عوامل جهت تأثیر مشخصی دارند یعنی بر متغیرهای کلیدی تأمین اجتماعی، اثری قابل پیش‌بینی در آینده دارند. مثلاً اقتصاد ایران دچار بیماری هلندی است. هزینه‌های فزاینده در کنار کاهش درآمدها، بر شاخص‌های مختلف تأمین اجتماعی در ابعاد مختلف همواره تأثیر منفی دارد؛ کیفیت آموزش را با توجه به تضییق امکانات می‌کاهد و بیمه‌بازنشستگان را با توجه به کاهش ارزش پول، پرهزینه‌تر و مدیریت آن را دشوارتر می‌کند و در نتیجه امکان اعتراضات اجتماعی ذی‌نفعان را بیشتر می‌کند. بر این اساس چهار پیش‌بینی احتمالی کنترل کرونا، تداوم موج‌های کرونا، کاهش تحریم‌ها و افزایش تحریم‌ها، چهار سناریو با عناوین «ابراهیم در آتش، کفر ابلیس، برج‌مانده و بربادرفته» مطرح شده است. درنهایت می‌توان گفت که ساده‌ترین حالت باورپذیر برای آینده سناریو یک «کنترل کرونا و کاهش تحریم‌ها» است اما در سه حالت دیگر، دشواری‌هایی وجود دارد که باید برای آن‌ها آماده بود. مهم‌ترین توصیه برای رویارویی با حالت‌های دشوار، پیدا کردن مسیر تعامل با بخش خصوصی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن و نیز کاهش هزینه‌های جاری است.

مفاهیم کلیدی: همه‌گیری کرونا، تحریم، آینده‌پژوهی، تأمین اجتماعی

عنوان: تحلیل تغییر سیاستی در قانون تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی مجری: محسن شهبابی



گروه: رصد و ارزیابی
سال: ۱۴۰۰

چکیده:

این طرح به بررسی و تحلیل زمینه، فرآیند و بازیگران اثرگذار در تغییر سیاست‌گذاری قانون تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی و تحلیل ذینفعان مختلف این مسئله می‌پردازد و تلاش می‌کند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد که دغدغه و ایده اصلی تغییر قانون چگونه و از چه مسیری به وقوع پیوست؟ چه زمینه‌های تاریخی در پیدایش این مسئله مؤثر بوده‌اند که تغییر این قانون، به‌عنوان یک هدف سیاستی انتخاب شد؟ چه بازیگرانی برای این تغییر تلاش کردند؟ تأثیر هر کدام چه بود؟ تلاش برای این تغییر، چگونه در اولویت این نهادها قرار گرفت؟ بازیگران مختلف، چه چارچوب‌بندی‌هایی (Framing) از مسئله سیاستی را برای اقناع افکار عمومی و تصمیم‌گیران کلیدی ارائه می‌کردند؟ نقش مخاطبان نهایی این تغییر زنان ایرانی دارای همسر غیر ایرانی و فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها به‌عنوان مشارکت‌کننده در سیاست‌گذاری و فرایند این تغییر چگونه بوده است؟

این طرح با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته عمیق با افراد کلیدی و مسئولان درگیر در این طرح، انجام گرفته است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، در چهل سال اخیر همواره در مسیر دشوار شدن بود. در ابتدای دهه ۶۰ با استناد به قوانین موجود در قانون مدنی ایران فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی که در خاک ایران متولد می‌شدند بدون سختگیری خاصی به شناسنامه دست پیدا می‌کردند. در میانه‌های دهه ۶۰ با افزایش ازدواج‌ها بین زنان ایرانی و مردان خارجی مهاجر (افغانستانی‌ها و عراقی‌ها) فرآیندهای کسب شناسنامه کمی پیچیده شدند. در اواخر دهه ۶۰ و سراسر دهه ۷۰ ادارات ثبت‌احوال استناد به قوانین موجود در قانون مدنی را کنار گذاشتند و از اعطای شناسنامه به فرزندان مادر ایرانی پدر غیر ایرانی خودداری کردند. در سال ۱۳۹۷ برای اولین بار در طول ۴۰ سال اخیر دولت برای حل این معضل پیش‌قدم شد و لایحه‌ای را تقدیم مجلس کرد. این لایحه پس از فراز و نشیب‌های زیاد سرانجام تصویب و به قانون تبدیل شد. تصویب این قانون به معنای یک تغییر سیاستی بزرگ در قبال فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی بود. چراکه در طول ۴۰ سال اخیر مجموعه قوانین و نحوه اجرا همواره به‌سوی دشوار کردن زیست این افراد بود. اما با تصویب این قانون این سیاست تغییر جهت داد و برای اولین بار قانونی تصویب شد که در جهت بهتر کردن زیست این افراد بود.

مفاهیم کلیدی: تابعیت، شناسنامه، والدین ایرانی، والدین خارجی، تغییر قانون، سیاست پژوهشی





عنوان: سنجش شاخص ترکیبی رفاه اجتماعی ایران طی سه دهه اخیر مجری: سید حسین محقی کمال

گروه: رصد و ارزیابی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این طرح به ارزیابی رفاه اجتماعی در ایران با استفاده از شاخص‌های ترکیبی می‌پردازد. رفاه اجتماعی یک مفهوم چندبعدی است، برای ارزیابی آن نیز بایستی از ابزارهای سنجش مفاهیم چندبعدی مانند رفاه اجتماعی، شاخص‌های ترکیبی (Composite indicators) استفاده کرد. در این گزارش، ابتدا شاخص ترکیبی رفاه اجتماعی با استفاده از متدولوژی ساخت شاخص‌های ترکیبی در ده گام متوالی تدوین شد. سپس روند شاخص رفاه اجتماعی و ابعاد آن (بهبودی و فلاکت) در طی سه دهه اخیر از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ اندازه‌گیری شد. همچنین برای بررسی قدرت تبیینی شاخص جدید، شاخص رفاه سن محاسبه و با شاخص ترکیبی مطالعه حاضر مقایسه شد. درنهایت، تغییرات رفاه اجتماعی طی شش برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی بعد از انقلاب و چهار دولت سازندگی، اصلاحات، عدالت محور و تدبیر و امید بررسی و مورد مقایسه قرار گرفت.

این طرح با استفاده از روش تحلیل داده‌های موجود و تحلیل ثانویه انجام گرفته است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، شاخص رفاه اجتماعی ایران نوسانات گسترده‌ای را طی ۳۱ سال گذشته پشت سر گذاشته است. علاوه بر این، به ترتیب بهترین و بدترین وضعیت رفاهی به سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۶۸ مربوط می‌باشد. در مجموع، نرخ بیکاری و تورم بالا، توزیع نابرابر درآمد، بهره‌وری پائین نیروی کار، اتلاف منابع و سرمایه‌های انسانی و مادی از جمله نشانه‌های توسعه‌یافتگی پائین و در نتیجه بهره‌مندی پائین افراد از رفاه اجتماعی مطلوب می‌باشد. به همین دلیل، پایش تحولات رفاه اجتماعی به صورت طولی (در طی سال‌های مختلف) و اکولوژیک (به صورت منطقه‌ای و استانی) بایستی به دقت و با حساسیت بالا مورد توجه و تأکید قرار گیرد. در این راستا، اصلاح نظام مالیاتی در جهت باز توزیع بهینه درآمد و ثروت، اصلاح نظام بانکی کشور در جهت افزایش کارایی و هدایت نقدینگی به بخش تولید، گسترش پوشش و کیفیت نظام تأمین اجتماعی، هدفمندسازی یارانه‌ها و استفاده از یارانه‌های مشروط، گسترش و تقویت فعالیت تعاونی‌ها و... می‌تواند در افزایش رفاه اجتماعی جامعه نقشی کلیدی داشته باشد.

مفاهیم کلیدی: رفاه اجتماعی، شاخص ترکیبی، ایران، بهبودی، فلاکت، توسعه

عنوان: سیمای ثبت‌نام کنندگان در خواست بیمه بیکاری
مشمول قانون بیمه بیکاری در سامانه ثبت در خواست بیمه بیکاری

مجری: گروه رصد و ارزیابی



گروه: رصد و ارزیابی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

این گزارش با بررسی و توصیف برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های ثبت‌نام کنندگان در سامانه بیمه بیکاری (نه الزاماً مشمولین) در دوران شیوه و همه‌گیری کووید-۱۹ می‌پردازد. با شیوع ویروس کرونا و اعمال محدودیت‌ها در تعاملات، بسیاری از افراد شغل خود را از دست دادند. با توجه به اینکه تعدادی از این افراد در شمول قانون بیمه بیکاری قرار داشتند و متقاضی دریافت مقرری بیمه بیکاری بودند، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سامانه آنلاین ثبت درخواست بیمه بیکاری را برای جلوگیری از مراجعه حضوری متقاضیان به ادارات کل استانی و مراکز کاریابی و حفظ سلامت آن‌ها راه‌اندازی کرد. به این ترتیب، متقاضیان بیمه بیکاری می‌توانستند با مراجعه به سامانه bimebikari.mcls.gov.ir درخواست خود را ثبت و به صورت الکترونیکی آن را پیگیری کنند. بر اساس اطلاعات این سامانه، تعداد ۸۷۱ هزار و ۴۸۷ نفر، که از اسفندماه ۱۳۹۸ تا ۳۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ بیکار شده بودند، برای دریافت بیمه بیکاری در سامانه ثبت‌نام کردند. بدیهی است که بسیاری از این افراد در پالایش‌های بعدی غیرمشمول شناخته شده‌اند.

این گزارش با استفاده از روش تحلیل داده‌های موجود انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ۲۲ درصد ثبت‌نام کنندگان دارای قرارداد دائم و ۷۸ درصد دارای قرارداد موقت هستند. ۶۱٫۳ درصد در بخش خدمات، ۳۳٫۲ درصد در بخش صنعت و ۱٫۹ درصد در بخش کشاورزی مشغول به فعالیت بوده‌اند. پنج استان تهران، فارس، اصفهان، خراسان رضوی و آذربایجان شرقی، به ترتیب با ۱۶۸۴۰۴، ۸۸۹۳۴، ۷۴۹۷۵، ۵۷۶۳۴ و ۵۱۸۳۴ نفر، بیشترین تعداد ثبت‌نام‌شدگان در سامانه بیمه بیکاری را به خود اختصاص داده‌اند. استان‌های اصفهان، فارس و زنجان به ترتیب با ۱۲/۸ درصد، ۱۰/۱۲ درصد و ۹/۶۵ درصد بیشترین نسبت ثبت‌نام‌شدگان به جمعیت تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند. ۷۵٫۵ درصد از افراد ساکن مناطق شهری و ۲۰/۱ درصد ساکن مناطق روستایی هستند. از میان این افراد، معادل ۱/۳ درصد دارای معلولیت تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند و ۱۱۸۷ نفر، معادل ۰/۱۴ درصد، دارای بیماری خاصی هستند.

مفاهیم کلیدی: کووید-۱۹، بیمه بیکاری، مقرری، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛





عنوان: بررسی وضعیت فقر و نابرابری در ایران در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷ مجری: محدثه صف شکن

گروه: رصد و ارزیابی
سال: ۱۳۹۷

چکیده:

این طرح به بررسی وضعیت فقر در استان‌های مختلف ایران می‌پردازد و تلاش کرده است تا ضمن شناخت فقرا با رویکرد درآمدی، به محرومیت از قابلیت‌های پایه که فقر چندبعدی را ایجاد نموده است، بپردازد. همچنین به سنجش فقر و نابرابری در کشور و شناسایی افراد فقیر در کل جامعه و در گروه‌های هدف همچون خانوارهای تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی، خانوارهای با سرپرست زن و خانوارهای با سرپرست سالمند می‌پردازد و خط فقر با استفاده از متدهای فقر مطلق، نسبی و چندبعدی سنجش شده و همبستگی انواع فقر در کشور و در استان‌ها بررسی و تحلیل شده است.

در این گزارش برای محاسبه فقر چندبعدی از روش آکایر و فاستر استفاده شده است. این روش که از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار است، امکان محاسبه در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، همچنین رصد افراد فقیر و مجموعه محرومیت‌های آنان در سطح خانوار را فراهم می‌کند.

نتایج این مطالعه به تفکیک استان‌های کشور ارائه شده است و برای هر استان با توجه به وضعیت خاص آن استان راهکارهایی برای کاهش فقر ارائه شده است. نتایج کلی این مطالعه نشان می‌دهد که در بخشی از جامعه ما با خانوارهایی مواجه هستیم که از نظر هر دو بعد درآمدی و چندبعدی فقیر محسوب می‌شوند، خانوارهایی که باید تحت پوشش قرار گرفته و ضمن دریافت بسته‌های حمایتی مستقیم که تأمین‌کننده حداقل نیازهای زندگی روزمره آنان است، سیاست‌هایی فقرزدایی در چارچوب قابلیت‌افزایی را نیز داشته باشند. همچنین گروهی از فقرا تنها بر اساس یکی از ابعاد فقر، فقیر شناسایی شوند که هر یک از آنها نیز نیازمند اتخاذ سیاست‌هایی مجزا هستند. خانوارهای محروم از نظر فقر درآمدی بدون فقر چندبعدی، در واقع خانوارهایی هستند که از سیاست‌های اقتصاد کلان آسیب دیده‌اند. از این رو لازم است که بازنگری در سیاست‌های طرف عرضه انجام شود تا به بهبود شرایط آنان بیانجامد. به‌طور مثال سیاست‌های پولی و مالی که به افزایش تورم و بیکاری در جامعه همراه هستند، می‌تواند به قرار گرفتن خانوارها در تله فقر منجر شود.

مفاهیم کلیدی: فقر چندبعدی، فقر مطلق، فقر مزمن، محرومیت، سیاست‌گذاری اجتماعی

عنوان: پیمایش ملی ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای رفاهی ایرانیان
مجری: علی اکبر تاج مزینانی



گروه: رصد و ارزیابی
سال: ۱۳۹۹

چکیده:

هدف اصلی این مطالعه شناخت علمی فرهنگ رفاهی ایرانیان، خاص بودگی‌های آن و همچنین عوامل مؤثر بر ابعاد مختلف آن است همچنین تلاش شده است مواردی مانند ارزش‌های رفاهی، نگرش‌های رفاهی و رفتارهای رفاهی ایرانیان به تفکیک گروه‌های اجتماعی مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و در نهایت به شناسایی تأثیر عوامل مؤثر بر ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگ رفاهی ایرانیان پرداخته است. همچنین این مطالعه ضمن پرداختن به شناسایی زمینه‌های ارتقای فرهنگ رفاهی، پیشنهادهایی برای بهبود سیاست‌گذاری‌ها با توجه به فرهنگ رفاهی ارائه کرده است. در کل این مطالعه با کاوش عمیق در تجربه عینی و ملموس افراد، فهم ما را در چگونگی نفوذ فرهنگ در زندگی رفاهی بالا خواهد برد.

این مطالعه با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و روش پیمایش پرسشنامه‌ای انجام گرفته است.

مجری و همکاران وی در این مطالعه بر این باور هستند که تحولات فرهنگ رفاهی ایرانیان تحت تأثیر عوامل مختلفی انجام گرفته است که عبارت‌اند از: نوع اشتغال (سرمایه اقتصادی و وضعیت رفاهی)، وضعیت تأهل، ساختار خانواده (وضعیت رفاهی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی)، هویت قومی (سرمایه اجتماعی)، سرمایه اقتصادی، دین‌داری (از طریق گرایش سیاسی و هویت قومی)، وضعیت رفاهی، سرمایه فرهنگی (از طریق دین‌داری) و سرمایه اجتماعی. بر این اساس هرچه نسبت فرد با نظام رفاهی دوسویه‌تر و متقابل‌تر باشد به همان میزان فرهنگ رفاهی او متعادل‌تر و مبتنی بر هنجارهای متقابل خواهد بود.

مفاهیم کلیدی: فرهنگ، رفاه اجتماعی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، اقتصاد، اشتغال





عنوان: رصد تحولات رفاهی و اجتماعی در ایران مجری: گروه رصد و ارزیابی

گروه: رصد و ارزیابی
سال: ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰

چکیده:

این طرح به بررسی و مطالعه و مانیتور مداوم رسانه‌های فعال در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی و همچنین به پیگیری اخبار، گزارش‌ها و مطالب مربوط به این حوزه در رسانه‌های عمومی می‌پردازد. این طرح باهدف جمع‌آوری و ایجاد یک بانک اطلاعاتی از مطالب منتشرشده در رسانه‌ها در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی می‌پردازد و با این کار کمک‌های شایانی به محققان و سیاست‌گذاران حوزه رفاه و تأمین اجتماعی می‌کند. ازجمله می‌توان به مواردی مانند آشنایی به گفتمان حاکم بر رسانه‌ها در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی، آشنایی با مسائل این حوزه باواسطه رسانه‌ها، پیگیری و رصد و ارزیابی سیاست‌های اعمال‌شده و تغییرات ناشی از آن‌ها و درنهایت آشنایی با دیدگاه‌ها و نظرات عمومی و بازخوردها در مورد سیاست‌ها و طرح‌های حوزه رفاه و تأمین اجتماعی اشاره کرد.

این مطالعه با استفاده از روش، گردآوری و ثبت روزانه اخبار و گزارش‌های رسانه‌ای و تحلیل محتوای کیفی این اخبار و گزارش‌ها انجام گرفته است.

نتایج حاصل از این طرح در گزارش‌های ماهیانه با تفکیک روزانه و هفتگی در اختیار سیاست‌گذاران حوزه رفاه و تأمین اجتماعی و پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است. تا به حال نزدیک به ۲۰ گزارش ماهیانه رصد تحولات رفاهی و حوزه تأمین اجتماعی حاصل این طرح منتشر شده است.

مفاهیم کلیدی: رفاه، تأمین اجتماعی، مانیتورینگ، رصد، ارزیابی، تحولات، رسانه‌ها



عنوان: گزارش لایحه پیشنهادی بودجه ۱۴۰۰ با تأکید بر تبصره ۱۴ مجری: رضا کیان



گروه: رصد و ارزیابی
سال: ۱۴۰۰

چکیده:

این طرح به مطالعه و بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ و تبصره ۱۴ این لایحه منی پردازد. لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ در شرایطی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است که دولت و نظام سیاسی در ایران در یکی از خطرناک‌ترین دوره‌های پس از انقلاب اسلامی قرار دارد. به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی سال‌های اخیر و رشد نرخ ارز و میانگین نرخ تورم بالایی که کشور با آن مواجه است، انتظارات تورمی در سطح جامعه افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. بنابراین بودجه سال ۱۴۰۰ باید به گونه‌ای تنظیم شود که در درجه اول با حفظ ذخایر ارزی، تاب‌آوری دولت و نظام جمهوری اسلامی برای مقاومت در برابر فشارهای بین‌المللی تقویت شود و در درجه دوم، با مدیریت منابع و مصارف و کاهش کسری بودجه از فشار تورم و انتظارات تورمی جامعه کاسته شود. این گزارش ابتدا به صورت کلی لایحه پیشنهادی دولت و منابع و مصارف آن را در مقایسه با سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۹ مورد تحلیل قرار داده و در ادامه به صورت خاص تبصره ۱۴ لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار می‌دهد.

این گزارش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در بودجه سال ۱۴۰۰ در بعد تغییرات کمی، مصارف هدفمندی به طور کلی ۲۴ درصد نسبت به سال ۱۳۹۹ رشد داشته‌اند که ردیف‌های ۱۷، ۱۶، و زیر ردیف ۷-۲۵ به ترتیب با ۲۸۲، ۸۲ و ۷۴ درصد افزایش، بیشترین میزان رشد را داشته‌اند. ردیف «پرداخت یارانه نهاده‌ها، عوامل تولید، خرید تضمینی محصولات بخش کشاورزی» که در سال گذشته و در جدول ۹ قانون بودجه میزان ۶,۵۰۰ میلیارد ریال بودجه دریافت می‌کرده است در لایحه ۱۴۰۰ به ۲۴,۸۰۰ میلیارد ریال رسیده است. یارانه «نان و خرید تضمینی گندم» و «بیمه تکمیلی درمان ایثارگران» نیز افزایش قابل توجهی داشته‌اند. برخلاف آن، ردیف‌های ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۲۲ به مانند قانون بودجه سال ۱۳۹۹ میزان مشابهی بودجه دریافت می‌کنند و رشد آن‌ها صفر بوده است. متأسفانه با وجود تجربه شوک‌های تورمی در سال‌های گذشته، همچنان بودجه پرداخت یارانه نقدی و غیر نقدی خانوارها و اجرای طرح حمایت معیشتی خانوارها و همچنین کاهش فقر مطلق و تسهیلات معلولین ثابت مانده است. از طرف دیگر، ردیف «تولید و اشتغال (بند الف تبصره ۱۸)، حمایت از کسب و کارهای آسیب‌دیده از بحران. کرونا و حمل و نقل ریلی» کاهش ۳۱ درصدی داشته است و از ۱۰۲,۰۰۰ میلیارد ریال به ۷۰,۰۰۰ میلیارد ریال کاهش پیدا کرده است.

مفاهیم کلیدی: لایحه بودجه ۱۴۰۰، دولت، تبصره ۱۴، منابع، مصارف، رفاه و تأمین اجتماعی





عنوان: تحلیل محتوای فصلنامه تأمین اجتماعی (شماره‌های ۱ تا ۴۶) مجری: سعید مدنی قهفرخی

گروه: فصلنامه
سال: ۱۳۹۸

چکیده:

مجلات علمی یکی از فرایندهای مهم تبادل دانش به شمار می‌روند. از این منظر بازبینی مجلات در ادوار مختلف انتشار، برای بهبود اثربخشی و اثرگذاری از اهمیت بسیار برخوردار است. در این پژوهش محتوای فصلنامه تأمین اجتماعی در دو دوره انتشار که تحت مدیریت متفاوتی بوده، تحلیل محتوا شده است و ویژگی‌های آن در روند انتشار از شماره ۱ در سال ۱۳۷۸ تا ۴۶ در سال ۱۳۹۵ توصیف شده است. در واقع این طرح باهدف مطالعه و شناخت تجربه فصلنامه تأمین اجتماعی و شناخت ویژگی‌های ظاهری و محتوایی آن انجام گرفته است.

این مطالعه از نوع کمی و توصیفی است که با استفاده از روش تحلیل محتوا و نمونه‌گیری تمام شماری اجرا شده است. تحلیل محتوا روشی برای استنباط معتبر و تکرارپذیر از داده‌های درون متن (یا مواد دیگر دارای معنا) درباره مضمون آن متن است. جامعه آماری این مطالعه شماره ۱ تا ۴۶ فصلنامه تأمین اجتماعی و ۴۹۷ مقاله منتشر شده در آن‌ها است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در دوره اول انتشار فصلنامه تأمین اجتماعی تقریباً همه حوزه‌های رفاهی موردتوجه قرار گرفت. بر این اساس در دوره اول مطالب مربوط به حوزه‌های بیمه‌ای و حمایتی جزو دو حوزه‌ای بودند که بالاترین فراوانی مقالات را به خود اختصاص داده بودند این در حالی بود که مطالب حوزه امدادی کمترین مطالب را داشتند. در دوره دوم نیز حوزه‌های بیمه‌ای و حمایتی بیشترین حجم مطالب را به خود اختصاص داده بودند در حالی که هیچ مطلبی زیرمجموعه حوزه امدادی قرار نداشت. یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم برای بررسی سوگیری رفاهی فصلنامه دیدمان رفاه است که به سه دسته حداقلی یا دولت سازنده، دولت تأمین اجتماعی یا مدل نهادینه رفاه، دولت رفاه اجتماعی یا مدل ساختاری رفاه تقسیم می‌شود. از بین دیدمانهای مختلف، در دوره اول انتشار فصلنامه، دیدمان دولت تأمین اجتماعی یا مدل نهادینه رفاه، بیشترین سهم را در مطالب منتشر شده داشت. در دوره دوم انتشار فصلنامه، دیدمان دولت تأمین اجتماعی یا مدل نهادینه رفاه، بیشترین سهم را در بین سایر دیدمان‌ها داشت و دیدمان‌های حداقلی یا دولت سازنده و دولت رفاه اجتماعی یا مدل ساختاری رفاه در ردیف‌های بعدی قرار داشتند.

مفاهیم کلیدی: فصلنامه تأمین اجتماعی، تحلیل محتوا، بیمه، دیدبان رفاه



عنوان: تنقیح قوانین و مقررات سازمان تأمین اجتماعی
مجری: سازمان تأمین اجتماعی و موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی



گروه: حقوق رفاه و تأمین اجتماعی
سال: ۱۴۰۰

چکیده:

سازمان تأمین اجتماعی از طریق مؤسسه، با تشکیل «شورای تنقیح» از ۴ سال پیش تجمیع، تلخیص و اصلاح قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های سازمان را در دستور کار قرار داده بود که در سال ۱۴۰۰ نهایتاً به صدور ۳۴ بخشنامه منجر شد. تنقیح قوانین و مقررات سازمان تأمین اجتماعی باهدف تنقیح و مرتب‌سازی قوانین و مقررات و از بین بردن خلأهای قانونی و گسترش قانون‌مداری و آگاه‌سازی مردم از قوانین و مقررات، به‌صورت منظم و مداوم در سازمان تأمین اجتماعی انجام می‌گیرد. تاکنون بیش از ۲۵۰ جلسه از طرف شورای تنقیح قوانین و مقررات سازمان تأمین اجتماعی و با شرکت نماینده موسسه در این سازمان برگزار شده است. سال‌های گذشته و همچنین در حال حاضر در سازمان تأمین اجتماعی با حجم انبوهی از قوانین، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، رویه‌ها و آرای دیوان مواجه هستیم. این وضع در کل کشور هم بهتر نیست نتایج بررسی‌های آماری در حوزه قوانین و مقررات حکایت از این دارد که بیش از ۱۲ هزار قانون و ۱۰۰ هزار مصوبه قانونی و مقرر در کشور وجود دارد. درعین حال نیمی از جمعیت کشور مع‌الواسطه و بدون واسطه با این قوانین مواجه می‌باشند. این وضعیت موجب ابهام در به‌کارگیری قوانین و مقررات دارد و راه را برای سوءاستفاده از قوانین فراهم می‌نماید.

شورای تنقیح وظایف خطیری را بر عهده دارد از جمله

- ❖ جمع‌آوری کلیه قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های سازمان تأمین اجتماعی
 - ❖ تفکیک و طبقه‌بندی موضوعی قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های سازمان با توجه به تعداد مجموعه‌ها
 - ❖ شناسایی قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های منسوخه و تفکیک آن‌ها از قوانین و مقررات لازم‌الاجرا
 - ❖ تعیین و تفکیک قوانین و مقررات متناقض و مغایر و تهیه پیشنهادهای اصلاحی
 - ❖ به‌روز کردن کلیه مقررات سازمان
- ازاین‌رو برای از بین بردن خلأهای قانونی، گسترش قانون‌مداری و آگاه‌سازی مردم از





قوانین و مقررات، تنقیح و مرتب‌سازی قوانین و مقررات امری ناگزیر به شمار می‌رود. به همین منظور شورای تنقیح در سازمان با این هدف که بتواند کار تجمیع، تلخیص و اصلاح قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها را انجام دهد به‌عنوان یکی از شوراهای بسیار بااهمیت سازمان تأمین اجتماعی شکل گرفت و چهار سال است به‌صورت مرتب جلسات خود را برگزار می‌کند. در حال حاضر شورای تنقیح ۵ عضو اصلی دارد (مشاور عالی مدیرعامل، رئیس موسسه عالی پژوهش یا نماینده ایشان، مدیرکل و معاون امور حقوقی و قوانین و دو نفر مشاور). گزارش‌ها و دستاوردهای این شورا در اختیار عموم قرار می‌گیرد.

مفاهیم کلیدی: تنقیح، قانون تأمین اجتماعی، آیین نامه، بخش‌نامه، اصلاح قوانین،





موسسه عالی پژوهش تأیید اجتماعی

تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر، خیابان دهم، پلاک ۲۰
تلفن: ۰۲۱۸۸۷۵۳۳۴۵ - فکس: ۰۲۱۸۸۵۰۷۴۲۱
کد پستی: ۱۵۱۴۷۳۴۳۱۱ - ایمیل: info@ssor.ir